

# اعتراض به حذف

اطلاعیه کمیته مرکزی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در صفحه ۳

## کاندیداهای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران در انتخابات میاندوره ای مجلس شورای

### اسلامی

در صفحه ۴

■ آیا حذف کاندیداهای ما در تهران نقض آشکار و صریح حق دفاع از این انقلاب و این مردم و این جمهوری نیست؟

■ حذف کاندیداهای ما قطعاً برای مردم این سؤال را مطرح می‌سازد که جمهوری اسلامی خود واقعا تا چه میزان به قانون اساسی و اطلاعیه ده ماده‌ای وفادار است؟

## شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و حمایت از آقای رجائی حمایت از خط امام در برابر خط سازش با امپریالیسم آمریکا است

در صفحه ۵

## حذف کاندیداهای ما در انتخابات تهران تمکین به کدام سیاست‌هاست؟

در هفته‌ای که گذشت صلاحیت کاندیداهای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران ابتدا توسط هیات اجرایی انتخابات میاندوره‌ای تهران تایید و روز بعد توسط شورای نگهبان "رد" شد. در هفته‌ای که گذشت باز هم دو تن از رفقای ما را در شهر بهشهر، بدون کوچکترین گناهی به جوخه‌اعدام سپردند و نامشان را به دروغ جز "اقلیت" اعلام کردند اینها وقایع کوچکی نیست که اتفاق می‌افتد اینها همه جزئی از مبارزه‌ای است سخت و توفانی میان سیاستی که جمهوری اسلامی با کاربست آن می‌تواند راه خود را بیابد و به میثاقی که با خلق بسته است وفادار بماند و تمام سیاست‌هایی که جلوی این کار را می‌گیرند و نمی‌گذارند اهداف انقلاب ...

بقیه در صفحه ۴

## تجاوز جنایتکارانه صهیونیسم در لبنان گوشه‌ای از توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه خلقهای منطقه است

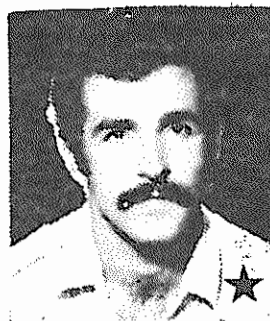
در صفحه ۲۰

مصاحبه رفیق مهدی فتاپور و رقیه دانشگری کاندیدای سازمان برای انتخابات میاندوره‌ای مجلس در برابر خط سازش همچنان از خط امام بدون کوچکترین تزلزل دفاع خواهیم کرد

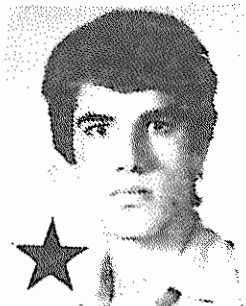
بیکر انقلاب از دست انحصارطلبان و تنگ نظران زخم‌ها دیده و خواهد دید در صفحه ۲۲

بفرمان حکام شرع بهشهر، تبریز، سنندج  
فدائیان خلق (اکثریت)  
یعقوب یزدانی، شفیع رضانی، خسرو مائی  
علی اکبر حیدریان، محمود فضلی  
به جوخه‌اعدام سپرده شدند

در صفحه ۱۸



فدایی خلق رفیق شهید  
یعقوب یزدانی



فدایی خلق رفیق شهید  
محمدعلی بحرینی

بر اثر توکش خمپاره‌های رژیم صدام  
فدائیان خلق (اکثریت)  
مرتضی غضنفری و محمدعلی بحرینی  
در یک کار با تجاوزگران  
قهرمانانه به شهادت رسیدند

در صفحه ۱۹

## متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

### حذف کاندیداهای ما در انتخابات تهران تمکین به کدام سیاست‌هاست؟

بقیه از صفحه ۱  
...تحقق یابد . این مبارزه تنها به انتخابات و اعدام‌ها مربوط نمی‌شود . این مبارزه تمام وجوه حیات سیاسی میهنمان را دربر می‌گیرد . انتخابات جاری و این اعدام‌ها تنها یک گوشه آن است . چشمان تیزبین می‌خواهد تا ردپای فشارهایی که از طریق کاربست سیاستی انحرافی از جوانب گوناگون بر این جمهوری وارد می‌آید تا دستاوردهای انقلاب را بر باد دهد شناخته شود .

این گرایش‌ها ممکن است در ظاهر خیلی با هم مخالف باشند و بیش از دیگران یکدیگر را بکوبند ولی حاصل همه آنها در عمل کوششی است برای درهم شکستن یا به انحراف کشیدن انقلاب .

در نمونه‌های زیر خواهیم دید که همه کسانی که راه کج می‌روند و یا در مقابل انقلاب می‌ایستند یا می‌کوشند انقلاب را به بیراهه شکست بکشانند : رهبران مجاهدین ، مائوئیست‌ها ، بنی‌صدری‌ها ، لیبرال‌ها ، باند قاسملو ، سلطنت‌طلبان ، سران عشایر و خوانین ، مراجع تقلید محافظه‌کار و مخالف انقلاب و اصلاحات اجتماعی به همراه دستجات و محافل قشری و ظاهرا قشری گرچه در بسیاری موارد ممکن است رو در روی یکدیگر بایستند اما در عمل امید و آرزویشان یکی می‌شود و حرف دلشان یکی .

در مساله آزادی‌های سیاسی و امنیت قضایی و اجتماعی ، امام خمینی امسال را سال قانون اعلام کرده و مکرر مکرر تاکید کرده‌اند که مصالح انقلاب و کشور آسایش و امنیت مردم مطلقا ایجاب می‌کند که قانون قاطعانه اجرا شود و البته شرط اساسی این امر نیز پایبندی دستگاه‌های حکومتی به قانون است . سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) ، حزب توده ایران و سایر نیروهای مدافع انقلاب و خط امام از این سخن امام موکدا پشتیبانی کرده‌اند و از اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان انقلاب فعالانه استقبال نموده‌اند .

اما زمانی که سازمان ما از وزارت کشور خواستار اجازه برگزاری جشن اول ماه مه در میدان آزادی شد همه اجزای آن ارکستر ناساز و ناهمگون با توسل به انواع وسایل مشروع و نامشروع سم‌پاشی می‌کردند که قانون اجرا نشود و به سازمان اجازه داده نشود . مجاهدین ، چپ‌روها ، مائوئیست‌های امریکایی ، بنی‌صدری‌ها ، لیبرال‌ها ، سلطنت‌طلبان و ایضا قشریون افراطی و قشری‌نماهای بقایای مسلک همه از ته قلب می‌خواستند که به سازمان اجازه داده نشود . و زمانی که میتینگ قانونی سازمان از جانب اوباش ، باندهای سیاه و عناصر مشکوک به خون کشیده شد رنجبری‌های امریکایی همان روز در میدان تابلو بدست گرفتند که " چه کرده‌اید به شما اجازه میتینگ داده‌اند ؟ " و وقتی نارنجک و سنگ به میان جمعیت می‌انداختند هم زبان با قشری‌ترین عناصر کوه‌بین یک صدا می‌گفتند : " نارنجک‌ها نوش جانتان " ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان ، لیبرال‌های " انقلاب اسلامی " و " جبهه ملی " محابدهای دوآتشه ، اقلیتی‌ها و پیکاری‌ها همه نیروهای مخالف انقلاب همه قشریون انحصارطلب مظفربقایی‌های افشاء شده و افشاء نشده از شنیدن خبر حمله مسلحانه به میتینگ در پوست خود نمی‌گنجیدند . و این در حالی بود که آیت‌اله مهدوی کئی در مقام وزیر کشور و محافل ضدامپریالیست و ترفیخواه این حمله را محکوم و از وقوع این فاجعه ابراز تأسف کردند .

زمانی که امام خمینی دادگاه‌های انقلاب را به قاطعیت در برابر اعمال تروریستی و ضدانقلابی و اجرای کامل و بی‌خدشه قانون و رعایت عدالت فرا می‌خواند زمانی که با توجه به نقش و مسئولیت سنگین دادگاه‌ها در مقابله با جریان‌های امریکایی جلب اعتماد و حمایت مردم به صلاحیت دادگاه‌های انقلاب اهمیت اساسی دارد یک سیاست محرب‌نومیدانه کوشید تا دوست و دشمن مجرم و بی‌گناه ، انقلابیون فداکار و ضدانقلابیون توطئه‌گر را با هم به جوخه اعدام بیسار . و همه را محارب و مفسد معرفی کند . و در دادگاه بهشهر که این سیاست محرب و مشکوک مسلط شد یعقوب یزدانی ۳۸ ساله حیدریان ۳۸ ساله و فضلی از هواداران قدیمی و صدیق سازمان را بدون اینکه در کوچکترین عملی علیه جمهوری اسلامی شرکت داشته باشند ، به جوخه اعدام سپردند و کشتند . متصدیان دادگاه بهشهر مبارزینی را

به جوخه اعدام سپردند که لحظه‌ای از دفاع از جمهوری اسلامی و خط امام و مبارزه با توطئه جبهه براندازی باز نایستاده‌اند . دادگاه بهشهر تنها به دلیل اعتقاد انقلابی این رفقا ، با زیر پا نهادن ابتدایی‌ترین موازین اخلاقی و انسانی آنان را یکی یکی تیرباران کردند و این در حالی بود که مثل روز می‌دانستند عملشان خلاف رهنمود صریح امام خمینی ، خلاف قانون اساسی ، خلاف سیاست شورای عالی قضایی و خلاف مشی کنونی دادگاه‌های انقلاب در سایر شهرها بوده است . جریان‌هایی که از صدور این احکام به شوق می‌آیند . با جریان‌هایی که از حمله اوباش به جشن میدان آزادی به وجد آمدند نه تنها مربوطند بلکه اصلا یکی هستند . و این در حالی است که دود هر اعدام غیرقانونی ، هر مجازات بی‌رویه هر نوع قانون‌شکنی به چشم مدافعان قانون اساسی و جمهوری اسلامی می‌رود . بیشترین زیان‌های این اقدامات متوجه جبهه نیروهای مدافع انقلاب است . مساله به کشتن ناجوانمردانه یک انقلابی مومن به خلق و انقلاب محدود نیست . هر حکم اعدام غیر قانونی خود یک حکم اعدام قانون است . و این همان چیزی است که همه نیروهای جبهه براندازی و دوستان دروغین خط‌امام مشتاقانه خواهان آنند .

در موضوع انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس نیز به روشنی مبارزه میان دو سیاست یکی اصولی و واقع‌بین و انقلابی و دیگری غیر اصولی و کور و انحصارطلب و ضد - انقلابی را شاهدیم از هرسو رهبران خیانتکار مجاهدین ، گروه‌های چپ‌رو ، لیبرال‌ها ، سلطنت‌طلبان و همه شبکه‌های خرابکاری به سرکردگی امپریالیسم - آمریکا ، آرزو دارند کسی در انتخابات شرکت نکند . آنها می‌کوشند با جو سازی و دروغ‌پردازی مانع شرکت فعال مردم در انتخابات شوند . سیاست قشری و تنگ - نظر به همراه خط‌آبت و همفکرانش نیز در عمل همین کار را می‌کنند . آنها زیر پوشش مذهب تلاش خود را به کار بستند که به خصوص سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) و حزب توده ایران در انتخابات میان‌دوره‌ای شرکت نکنند آنها در هر کجا که دستشان رسید خودسرانه و بدون کوچکترین توضیح قانونی و دلیل منطقی کاندیداهای ما را حذف کردند و ابتدایی‌ترین حقوق و آزادی‌های مقرر در قانون اساسی را زیر پا نهادند .

اعلام تأیید صلاحیت نامزدهای مشترک سازمان ما و حزب توده ایران از جانب فرماندار تهران برای همه تلاش‌های تفرقه‌جویانه آنتارشیستی لیبرالی و ضدانقلابی یک شکست فاحش بود . از همین جهت بود که با اعمال فشار و جو سازی محافل قشری و ظاهرا قشری و جانبداری برخی محافل و مراجع که نفوذ خود را همواره صرف ضدید با انقلاب و ترمز کردن راه پیشرفت آن کرده‌اند ، سیاست دفاع از قانون و دستگاه‌های مجری قانون یک گام عقب نشست و صلاحیت کاندیداهای سازمان و حزب را " رد " کرد .

یک لحظه فکر کنیم لحظه‌ای که خبر حذف کاندیداهای سازمان و حزب از رسانه‌های گروهی پخش شد چه کسانی شادمان و چه کسانی از آن واقعا متأسف شدند ؟ همه محافل و جریان‌هایی که در بوق و کرنا می‌دمیدند که " دیگر امکان مبارزه قانونی وجود ندارد باید مسلح شد " خائنانه از شوق هورا کشیدند .

جبهه متحدی از این خبر شاد شد که در آن رجوی‌ها و قاسملوها و چپ‌روها دست در دست لیبرال‌ها و " مومنین " دو آتشه به رهبری بقایای افشاء شده و افشاء نشده ، به دنبال سلطنت‌طلبان و روحانیون سازشکار و مرتجع و سران عشایر و خوانین و سرکردگان تجار بزرگ بازار صف کشیده‌اند . جبهه متحدی که هر کدام در بوق و شیپور خود می‌دمند اما همه‌شان در عمل نقشه‌های امپریالیسم آمریکا را که تضعیف نیروهای مدافع انقلاب است ، اجرا می‌کنند .

سیاست معینی که از حذف ما در انتخابات ، از عدم پیگرد عاملان صدور احکام غیر قانونی اعدام ، از عدم پیگرد عاملان حمله به جشن میدان آزادی استقبال می‌کند و در جمهوری اسلامی نیز هنوز هم صاحب نفوذ قابل ملاحظه‌ای است و در برخورد با سایر مسائل جامعه نیز موضعی بازدارنده و انحرافی اتخاذ می‌کند هرچا اقدامی انقلابی و مترقی در کار باشد این سیاست به زیرکانه‌ترین اشکال در پوشش‌های مختلف از در مخالفت درمی‌آید ، سیاستی که در جریان مذاکرات اخیر مجلس هنگام تصویب لایحه احزاب ، هنگام انتخاب وزیر خارجه خود را آشکارتر ساخته است . این سیاست در واقع جزئی از همان سیاستی است که " شوروی را طرح می‌کنند که امریکا متسی شود " ( در یک ماهه اخیر یک جریان انحرافی بارها کوشید تا شعارهای ضد شوروی را هم در اجتماعات و تظاهرات در کنار " مرگ بر آمریکا " مطرح کند و از این طریق امپریالیسم را از زیر ضربات این

ملت برهاند ) . در سایر شئون زندگی اجتماعی نیز این سیاست جا به جا رخ می‌نماید که بحث آن را به جای دیگر موکول می‌کنیم .

نمونه‌هایی که شمردیم و زندگی واقعی نشان می‌دهد که جبهه اصلی نبرد نزاع میان قشری‌های واقعی و ظاهری با لیبرال‌ها و چپ‌روها نیست جبهه اصلی نبرد میان سیاستی است که می‌کوشد اهداف انقلاب را تحقق بخشد و آن را تعمیق برد و سیاستی که جلوی این کار را می‌گیرد و نمی‌گذارد انقلاب پیش برود .

حذف کاندیداهای فدایی ( اکثریت ) و توده‌ای ، شیوه برخورد حکومت با اعدام‌های غیر قانونی بهشهر عدم پیگرد و مجازات عاملین حمله مسلحانه به میتینگ قانونی میدان آزادی در توقیف ماندن بی دلیل کار اکثریت " و " نامه مردم " قید محدودیت‌های قابل ملاحظه در فعالیت سیاسی احزاب و سازمان‌های مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران که در لایحه احزاب منعکس است همه و همه نمونه‌هایی از تمکین عملی جمهوری اسلامی به سیاستی است که مقایر اهداف انقلاب و منافع و مصالح خلق است . اینگونه تصمیمات آشکارا دشمنان این جمهوری را شادمان و مدافعان راستین آن را متأسف می‌سازد . حذف بدون دلیل کاندیداهای سازمان و حزب توده ایران نقض صریح و آشکار روح اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان انقلاب است . تمکین جمهوری اسلامی ایران به این روش‌ها و سیاست‌ها که تاکنون زیان‌های جدی به حیثیت و اعتبار این جمهوری در اذهان توده‌ها وارد آورده است چنانچه ادامه یابد بخصوص هرگاه این سیاست به سیاست مسلط بر جمهوری اسلامی ایران بدل گردد قطعا شعار استقلال آزادی جمهوری اسلامی را به زیر علامت سؤال می‌برد و در نهایت امر همان خطی را غلبه می‌دهد که می‌کوشد طنین شعار " مرگ بر آمریکا " را کوتاه‌تر گرداند . ما نسبت به خطرات و عواقب اینگونه تصمیمات جدا به مسئولین جمهوری اسلامی ایران هشدار می‌دهیم . به آن قویا معترضیم و آن را تسلیم در برابر شانتاژ و جو سازی عناصر ضدقانون که می‌کوشند مسیر انقلاب را به بیراهه و انحراف بکشانند می‌شناسیم . اوضاع کشور ، شرایط منطقه و روند عمومی تحولات جهان ضرورتا اجرای سیاستی غیر از این را می‌طلبد . همین روندها و اوضاع و احوال در پیشرفت زمان بازم بیشتر و قویتر نشان خواهد داد که انقلاب ایران چنانچه واقعا بخواهد آنچه را که بدست آورده است از دست ندهد ، انقلاب ایران چنانچه بخواهد تعمیق یابد باید این سیاست‌ها کنار نهاده شوند . ارزیابی دقیق شرایط نیز به ما می‌فهماند که اینگونه تصمیمات و سیاست‌ها لزوما نمی‌تواند پایدار بماند . از همین روست که می‌گوئیم که در این جمهوری در شرایط کنونی زمینه‌های مبارزه با خطی که به سود اتحاد همه نیروهای خلق نیست ، زمینه برای تضعیف سیاست‌های دشمن‌شادکن با پیشرفت زمان مساعد شده و می‌شود .

مبارزه انقلابی ، مبارزه‌ای است سخت و طولانی ، تجربه پیگارا انقلابی‌ما . علیه امپریالیسم آمریکا و ابادی داخلی و خارجی آن ، به‌ویژه در این سال‌های طوفانی به ما آموخته است که چگونه دشمن به انواع ترفندها توطئه‌ها تحریکات متوسل می‌شود که میان جبهه نیروهای خلق نفاق بیاندازد ، آنان را از یکدیگر بفرافکند . به سوی خود بکشاند . نقطه امید اصلی دشمن در این میان مشخصا بهره‌گیری از اشتباهات ، انحرافات جریان‌هایی است که علیه او پیگار می‌کنند .

تحریک احساسات ملی ، دامن زدن به اختلافات مذهبی ، تکیه بر تمایزات فرهنگی یا نژادی و بالاخره به راه انداختن شبکه عظیمی از بلندگوهای نشر دروغ ، جعل و تحریف حقایق که هدف آشکار آن ایجاد شکاف در این جبهه عظیم پیگار جهانی ضدامپریالیستی خلق‌های سیاره ماست سیاست و روشی است که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا از آن گفتار پیر ، امپریالیسم انگلیس به میراث برده است . امپریالیسم آمریکا امروز سیاست " تفرقه بیانداز و حکومت کن " را در کنار تجاوز مسلحانه صدامی ، محاصره اقتصادی و تشدید جو ترور و ارباب و شورش مسلحانه و زمینه‌سازی برای کودتای نظامی و یا جنگ داخلی و تجاوز نظامی گسترده به کار گرفته است .

خطاب ما در اینجا به همه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی است . خطاب ما به همه نیروهایی است که برای استقلال و آزادی میهن خویش بپا خاسته‌اند و در راه رهایی محرومان و زحمتکشان این سرزمین و آزادی همه خلق‌های ستمکش جهان پیگار می‌کنند . خدعه‌ها و حیل‌های امپریالیسم را بشناسیم و نکشانیم این انقلاب را به راهی که دشمنان ما طالبند . راهی که در پایان آن به قول امام خمینی جایی برای هیچکدام از ما باقی نیست .



### اعتراض به حذف کاندیداهای

### سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران در انتخابات میان دوره‌های مجلس شورای اسلامی

به دنبال اعلام لیست ۳۳ نفر از کاندیداهای انتخابات میان دوره‌های مجلس شورای اسلامی در تهران که در آن از جمله صلاحیت کاندیداهای سازمان ما و حزب توده ایران مورد تأیید قرار گرفته بود براساس اطلاعیه مورخ ۲۸ تیرماه ۶۰ فرمانداری تهران، شورای نگهبان قانون اساسی بدون ذکر هیچ گونه دلیل و برهانی ۷ نفر را از لیست اعلام شده حذف کرد.

حذف بدون دلیل مهدی فتی پور، رقیه دانشگری، محمدعلی عمویی، نورالدین کیانوری و احسان الله طبری کاندیداهای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران که از مدافعان پیگیر انقلاب و جمهوری اسلامی هستند بی اعتنائی آشکار به رهنمودهای امام خمینی مبنی بر شرکت فعال تمامی اقشار مردم در انتخابات است.

حذف بدون دلیل پیگیرترین مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی به ویژه در شرایط حساس کنونی که امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و نیز نیروهای خط سازش در صددند چهره واژگونه‌ای از انقلاب و جمهوری اسلامی ترسیم نمایند بیشترین شادمانی را نصیب دشمنان انقلاب خونبار مردم ایران کرده است. امپریالیسم آمریکا و نیروهای خط سازش مذبحخانه تلاش کرده و می‌کنند که پایبندی مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران را به قانون اساسی و رعایت آزادی‌های سیاسی مصرح در آن در نزد مردم ایران و جهان با تردید روبرو سازند. تمام بلندگوهای امپریالیستی، شبکه تبلیغاتی وابسته به ضد انقلاب داخلی، همه طرفداران خط سازش با آمریکا، مائوئیست‌های دست پرورده سیا، چپ‌روها و چپ‌نماها که خیانت آشکارشان علیه انقلاب و مصالح خلق امروز از پرده بیرون افتاده است جملگی در خط‌اند که اطلاعیه ده‌ماده‌ای دادستانی انقلاب و تمامی کوشش‌هایی را که برای تاءمین آزادی‌های سیاسی مصرح در قانون اساسی به عمل می‌آید اقداماتی برای فریب مردم و خالی از مضمون و محتوای واقعی جلوه دهند برای تمامی این دشمنان انقلاب حذف بدون دلیل کاندیداهای سازمان ما و حزب توده ایران بیشترین بهانه را در توجیه توطئه‌های پلیدی که علیه انقلاب و جمهوری به اجرا در آورده و می‌آورند فراهم نموده است.

آنچه که در اطلاعیه مورخ ۲۸ تیرماه ۶۰ فرمانداری تهران به اطلاع مردم رسید، خلاف اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی، خلاف قانون اساسی و به نحو آشکاری پایمال کردن آزادی‌های مصرح در قانون اساسی است.

باید از شورای محترم نگهبان قانون اساسی سؤال کرد که رأی و نظری که در اطلاعیه فرمانداری تهران بدان استناد شده است آیا برای دفاع از اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی انقلاب از جانب آن شورا جایی باز می‌گذارد؟ یک بررسی کوتاه از مواضع کسانی که به دشمنی با اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی برخاستند نشان می‌دهد که همه دشمنان انقلاب برای گسترش جو خشونت و تروریسم و بی‌قانونی که به دستور امپریالیسم آمریکا به منظور ایجاد زمینه‌های لازم برای تجاوز نظامی گسترده علیه انقلاب ایران سازمان یافته‌است مترصد دستاویزهایی از آنگونه که به حذف کاندیداهای ما منجر گردید بودند. تا امکان هر گونه فعالیت مبتنی بر قانون اساسی و رعایت موازین جمهوری اسلامی ایران را امری غیر واقعی جلوه دهند.

نظر شورای نگهبان که می‌باید حافظ قانون اساسی و مظهر رعایت و اجرای قانون باشد عملاً با بوجود آوردن موانع غیر قانونی در راه شرکت فعال و مؤثر و همه‌جانبه تمامی نیروهای مردمی و مدافع انقلاب در انتخابات میان دوره‌ای به جای تحکیم وحدت صفوف مردم و تمامی بقیه در صفحه ۱۹

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در انتخابات میان دوره‌های مجلس شورای اسلامی  
فعالان شرکت کنیم

هم میهنان مبارز! اکنون که خلق‌های میهن ما با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا درگیر نبردی سرنوشت ساز هستند، اکنون که همه نیروهای جبهه براندازی علیه دستاوردهای انقلاب و استقلال و آزادی مردم میهن ما به جنایت و تروریسم روی آورده‌اند، ضرورت اتحاد عمل همه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی برای مقابله با این دسیسه‌ها بیش از پیش احساس می‌گردد. در اجرای این سیاست، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران در مورد تنظیم یک لیست کاندیداتوری مشترک با یکدیگر مشورت و توافق کردند و نامزدهای مشترک زیر را به همه اعضا و هواداران و همه نیروهای آگاه و مبارز معرفی می‌کنند:

- |          |                       |                                 |
|----------|-----------------------|---------------------------------|
| تهران *  | ۱- * نورالدین کیانوری | ۲- * مهدی فتی پور               |
|          | ۳- * احسان طبری       | ۴- * رقیه دانشگری               |
| ساری *   | مراد خورشیدی میانائی  | چالوس *                         |
| لنگرود * | احمد علی رصدی اعتماد  | مسجد سلیمان قدرت‌اله قلی‌زاده * |
| ماهشهر * | محمد حسن شهیدی        | لارستان *                       |
| اراک *   | رضا نمکی عراقی        | حبیب‌اله حبیبی                  |

همچنین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران از کاندیداهای زیر که از جانب سایر نیروهای مدافع انقلاب و خط امام معرفی شده‌اند، پشتیبانی می‌کنند:

- |                                 |                             |              |                                  |
|---------------------------------|-----------------------------|--------------|----------------------------------|
| * اندیشک و شوش                  | حجت‌الاسلام منتخب شیرازی    | * بهار همدان | سید محمد کاظم اکرمی              |
| * فیروزآباد                     | حجت‌الاسلام علی‌اکبر رضوانی | * اقلید      | حجت‌الاسلام فاضل هرنندی          |
| * نهاوند                        | محمد طالبیان                | * مشهد       | حسین غفوری فر حجت‌الاسلام کامیاب |
| * شهرکرد                        | همایون استکی                | * یاسوج      | حجت‌الاسلام مهدی قائمی           |
| * نجف‌آباد                      | حجت‌الاسلام غلامحسین نادی   | * لنجان      | سید محمد باقر هاشمی              |
| * مغان                          | سعید مصطفوی                 | * قوچان      | حجت‌الاسلام محمد حسین شوشتری     |
| * بستان‌آباد و مهربان علی شهیدی |                             | * بندرلنگه   | محمد نور محمدی                   |
| * اصفهان                        | محمد غرضی                   |              |                                  |

در شرایطی که امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی مذبحخانه می‌کوشند با ایجاد تشنج و ارباب مانع شرکت گسترده مردم در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میان دوره‌های مجلس شورای اسلامی شوند، شرکت فعال و گسترده مردم قهرمان میهن در انتخابات، این توطئه امپریالیسم و مزدوران داخلی آن را نیز در هم خواهد شکست.

هم میهنان انقلابی! با کمال تأسف در آخرین ساعات تنظیم لیست اطلاع یافتیم که شورای نگهبان کاندیداهای مورد نظر ما را جهت مجلس شورای اسلامی از لیست کاندیداهای تهران بدون ذکر هیچ دلیلی حذف کرده است. ما ضمن تأسف و اعتراض به این اقدام از تمامی اعضا و هواداران و کلیه مردم انقلابی میهن دعوت می‌کنیم که در انتخابات ریاست جمهوری به آقای محمدعلی رجائی و در شهرستان‌ها به لیست فوق رأی دهند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
یکشنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۶۰

شماره: ۳/۸۷۳

تاریخ:

مقام محترم فرمانداری-تهران

محترماً:

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به پیروی از مشی اصولی خود مبنی بر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در قبال امپریالیسم و ایادی داخلی آن و به ویژه در شرایط حساس کنونی که امر انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی در جریان است، و همچنین به پیروی از رهنمودها و تاکیدات امام خمینی رهبر انقلاب مبنی بر ضرورت شرکت هر چه فعال‌تر و گسترده‌تر همه اقشار مردم در انتخابات میان دوره‌های مجلس شورای اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری، از آغاز انتخابات تلاش گسترده خود را جهت بسیج هواداران سازمان، کلیه نیروهای مترقی و مردمی جهت شرکت در انتخابات به کار بست.

بدین منظور دوتن از اعضای شناخته شده سازمان که سابقه فعالیت مبارزاتی و انقلابی آنان بر همگان روشن است (مهدی فتی پور و رقیه دانشگری) در تهران جهت نمایندگی مجلس شورای اسلامی کاندیدا شدند.

صلاحیت کاندیداهای ما بالاخره پس از تأسف خیری چند روزه از سوی فرمانداری تهران اعلام گشت، متأسفانه روز یکشنبه ۲۸ تیر ماه از طریق رسانه‌های گروهی بدون ذکر دلیل و برهان بنا بر نظر شورای محترم نگهبان، صلاحیت این کاندیداها رد شد.

در حالی که نمایندگان معرفی شده از جانب سازمان ما از چهره‌های شناخته شده مبارز و انقلابی دوران انقلاب می‌باشند و هیچ‌گونه معذور قانونی در زمینه نمایندگی آنان وجود ندارد.

ما ضمن اعتراض شدید به این موضوع که بالطبع بر روند شرکت گسترده، مؤثر و همه‌جانبه نیروها در انتخابات تأسف‌ناگه منفی بهجا می‌گذارد، تصریح می‌کنیم که حذف این کاندیداها نقض آشکار رهنمودهای امام خمینی و سایر مقامات جمهوری اسلامی است که همه اقشار مردم را به شرکت فعال در انتخابات که گامی بسیار جدی در جهت تثبیت و تحکیم جمهوری اسلامی است فراخوانده‌اند.

از این رو مصراً تقاضا داریم در اسرع وقت در این تصمیم تجدید نظر شده و موانع غیرقانونی که در راه شرکت فعال، مؤثر و گسترده نیروهای مومن به انقلاب و جمهوری اسلامی به وجود آمده است برداشته شود.

دبیرخانه کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۹ تیرماه ۱۳۶۰

یادداشت‌های فدائیان خلق  
درجه‌های جنگ

مردم به شهر باز خواهند گشت و باز

میلیونها ستاره درخشان، آبادان قهرمان را آذین خواهند بست

در حال احتضار اسب و مقاومت ما در برابر او ، بالاخره او را به زانو در خواهد آورد .  
در یک " تک " شبانه موقعی که دشمن را زیر رگبار گلوله و آتش آرپی، جی گرفته بودیم ، او از ناحیه سینه به شدت زخمی شد . ما او را به زحمت به بیمارستان رساندیم . من لباس‌های خونی‌اش را برداشتم تا آنها را بشویم ، در جیب لباس سربازیش وصیت‌نامه‌اش را پیدا کردم . در آن فقط یک کلمه خوشه بود :  
" نام مرا در کنار دیگر رزمندگان جبهه‌ها با ستاره سرخی آذین ببندید ، من یک فدائیم "  
در این جا اشک در چشم جوان رزمنده بسیجی حلقه زد . با پشت دست اشکش را پاک کرد و گفت :  
" برادر فدائیمان به سلامت باشد . یادش گرامی باد . ما در سنگر جای او را خالی کرده‌ایم که به سلامت به جبهه بازگردد . "

رفیق فدائیمان به سلامت باد !  
آبادان تیرماه ۶۰



از هواداران فدائیان خلق اکثریت هستم ، همینطور که داشتیم نگهبانی می‌دادیم ، گفت :  
" اکثریتی‌ها خودشان را در جبهه‌ها خوب نشان داده‌اند . من خیلی جاها شاهد رشادت و فداکاریشان بوده‌ام .  
بعد برایم تعریف کرد که :  
در جبهه فیاضیه یکی از همسنگران ما خیلی فعال بود . من اول او را خوب نمی‌شناختم . در سخت‌ترین مأموریت‌های جنگی او پیشگام بود . بودن او در سنگر نقطه امید و اتکالی برای همه ما بود .  
هروقت که فرصتی پیش می‌آمد ، او برایمان از ماهیت و جنایات بخصوص امپریالیزم آمریکا می‌گفت . او همیشه برای ما توضیح می‌داد که دفاع از انقلاب و دفاع از میهن انقلابیمان چه اثراتی در زندگی زحمتکشان به جا خواهد گذاشت و چگونه به اردوی انقلاب جهانی کمک خواهد کرد . او می‌گفت ، گرفتن یک پایگاه از امپریالیزم یعنی دادن این پایگاه به اردوی انقلاب جهانی . او به ما بیش از پیش آموخت که امپریالیزم

هرکس مانده باشد ، برایش برق می‌کشیم " موفق باشید برادرا  
به سرعت رکاب می‌زنم و به طرف جبهه سازندگی می‌روم ، آنجا یک دنیا کار خوابیده‌است . شوقی در دلم جوانه زده و سراسر وجودم را پرمی‌کند . جنگ به پایان خواهد رسید و صلح جایگزین آن خواهد شد . مردم دوباره به خانه‌های خود باز خواهند گشت به همت بازوی نیرومند کارگران صنایع بازسازی خواهند شد و چرخ‌های کارخانه‌ها باز به گردش خواهند افتاد .  
بادها ، دودهای غلیظی را که حالا آسمان آبادان را پوشانده‌اند ، با خود خواهند برد و باز میلیون‌ها ستاره درخشان ، آبادان قهرمان ، آبادان مقاوم را آذین خواهند بست .  
از یادداشت‌های یک رزمنده فدائی در جبهه‌های جنگ آبادان تیرماه ۶۰

رفیق فدائیمان

به سلامت باد

یک شب در کمپته مرزآبی همراه یکی از رزمندگان بسیج ، پاس دو بودم او که گمابیش می‌دانست که من

شرایط تولید شده و به ارزان‌ترین قیمت به فروش می‌رسد .  
در کوچه‌ها و خیابان‌های اطراف بازار ، کارگران شهرداری مشغول تمیز کردن خیابان‌ها هستند . سنگرها و موانعی را که مردم ، اوایل جنگ در خیابان‌ها کار گذاشته بودند جمع‌آوری می‌کنند . خیابان‌ها را جارو می‌کشند و شاخ و برگ اضافی درختان را کوتاه می‌کنند .  
چهره خیابان‌ها کم‌کم دارد دگرگون می‌شود و به حالت عادی بازمی‌گردد .  
در جاده کنار پالایشگاه کارگران شرکت نفت مشغول کشیدن کابل‌های برق زیرزمینی هستند . کارگران با شادی و نشاط خاص عرق ریزان مشغول کار هستند .  
باشوق به آنها سلام می‌کنم .  
" سلام برادرا ، خسته نباشید "  
همه جوابم را می‌دهند " سلامت باشی "  
" دارید ، دوباره برای خانه‌ها برق می‌کشید؟ "  
یکی از کارگرها می‌گوید آره خیلی گرم شده اینطوری مردم نمی‌توانند طاقت بیاورند .  
برای همه خانه‌ها برق می‌کشید؟ "

ساعت ۷/۵ صبح است ، دوچرخه‌ام را برداشته و به طرف جبهه سازندگی می‌روم . سر راه سری‌هم به بازار گفیش می‌زنم . با وجود وضع جنگی شهر ، بازار همچنان شلوغ است ، زنان عرب ماست فروش مثل همیشه ظرف‌های سفالی رنگ به رنگ پر از ماست را جلویشان گذاشته و مردمی که برای خرید آمده‌اند ، دورشان را گرفته‌اند . بیشتر مشتری‌ها زحمتکش‌ترین مردم شهر هستند . سر میوه‌فروشی‌ها و سبزی‌فروشی‌ها هم شلوغ است زن عرب انگور فروشی که یک سبد انگور جلویش گذاشته است ، به سربازهایی که برای خرید به بازار آمده‌اند ، می‌گوید :  
" آئی انگور ، انگورهای خوب و ارزان ، برای سربازهای جبهه انگورهای خوب دارم . "  
سربازهایی که برای مرخصی به شهر آمده‌اند ماست و انگور و سبزی می‌خرند و در ساک‌های دستی خود می‌گذارند و دوباره به پادگان یا به سنگر برمی‌گردند .  
بیشتر میوه و سبزیجاتی که در بازار هست توسط کشاورزان بومی در سخت‌ترین

سلام و درود به همه رفقا ، بخصوص رفقای که در جبهه‌های جنگ بر علیه تجاوزگران

بیکار می‌کنند



رفقا من مدت شش ماه در خونین شهر و آبادان (بخصوص در قسمت کویری جبهه آبادان) ، دوش به دوش نیروهای مسلح و پاسداران انقلابی با دیده‌بانی دقیق ، دهها تانک و دیگر سلاح‌های سنگین دشمن را به آتش کشیده‌ام .  
در ابتدای جنگ به خاطر فعالیت‌های جنگی چشم‌گیری که در منطقه خونین شهر و آبادان داشتم ، دوبار تقدیرنامه گرفتم و مورد استقبال و تشویق فرمانده آبادان قرار گرفتم . حالا یکی از تقدیرنامه‌هایم را می‌فرستم که اگر صلاح بدانید از طریق نشریه "کار" به چاپ برسانید تا دشمنان انقلاب بدانند که فدائیان خلق (اکثریت) در تمام جبهه‌های انقلاب ، در سنگرهای نخستین جبهه دوش به دوش دیگر انقلابیون میهنان بر علیه ضدانقلابیون مبارزه می‌کنند .  
درود بر همه رزمندگان جبهه‌های مقاومت جنوب و غرب کشورمان مرگ بر امپریالیزم به سرکردگی آمریکا درود بر سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت )

کار :  
رفیق رزمنده فدائی . امروز مردم قهرمان ایران می‌دانند که فدائیان خلق "اکثریت" در جبهه‌های نبرد با تجاوزگران در دفاع از انقلاب قهرمانی‌ها می‌آفرینند بگذار کوتاه بینان ، و انحصارطلبان هرآنچه می‌خواهند بگویند . تقدیرنامه‌ها را به یادگار نگاه داشته‌ایم و به دلایلی که نیازی به گفتن نیست از چاپ آن خودداری کردیم . دستت را می‌فشاریم و در راه بزرگی که در پیش داریم پیروزی‌های بیشتری را آرزو می‌کنیم .

مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلق‌های ماست

● ما همواره از امام خمینی و از نیروهای ضدامپریالیست خط امام در برابر خط سازش و در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ، قاطعانه پشتیبانی کرده ایم . ما به رغم همه انتقادات جدی و مهمی که از برخی گرایشها و اقدامات نیروهای خط امام داشته و داریم ، هرگز هیچ تزلزلی در حمایت از مبارزه این نیروی مردمی و ضد امپریالیست علیه لیبرالها ، علیه سازشکاران و علیه همه سازشکاران و علیه همه آنهاست که در صددند دستاوردهای خون شهیدان را به پای امپریالیسم آمریکا بریزند نداشته و نخواهیم داشت .

در مبارزه میان نیروهای مدافع انقلاب و جبهه ضدانقلاب که خواهان شکست انقلاب و سرنگونی حاکمیت خط امام است ، تنها مشی انقلابی ، تنها سیاست در خط استقلال و انقلاب ، همانا حمایت قاطع و پیگیر از مبارزه امام خمینی و نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی علیه تمامی جبهه داخلی و خارجی ضد انقلاب است .

هر نوع بی تفاوتی ، بی طرفی و بی توجهی به این مبارزه حاد و سرنوشت ساز به مفهوم در افتادن به همان ورطه‌ای است که امپریالیسم آمریکا می‌خواهد . چه در جبهه‌های جنگ مقاومت خلقتان علیه رژیم تجاوزگر صدام ، چه در عرصه پهناور پیکار ایدئولوژیک - سیاسی علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن ، چه در عرصه مبارزه تبلیغاتی و روانی و چه در عرصه انتخابات ریاست جمهوری ، همه جا مقاومت و پیکار قهرمانانه و سرنوشت ساز خلقتان علیه امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن در جریان است . آن که به خون شهیدان ، به دستاوردهای انقلاب و به سرنوشت میهن و خلق پای بنداست هرگز در هیچ یک از عرصه‌های فوق بی طرف و بی تفاوت نیست ، بلکه همه جا در سنگر انقلاب می‌رزد و به پیش می‌تازد . با چنین درکی است که قاطعانه اعلام می‌داریم : همه میهن پرستان ، همه

آنهاست که قلبشان برای انقلاب و خلق می‌تپد باید در عرصه انتخابات ریاست جمهوری فعالانه شرکت جویند . چرا عرصه انتخابات گوشه‌ای از میدان رزم ما علیه امپریالیسم آمریکا است ؟ تمامی رسانه‌های گروهی امپریالیسم جهانی ، همه رادیوها ، تلویزیون‌ها ، روزنامه ، مجلات و سخنگویان ریز و درشت

جلوگیری از شرکت وسیع توده‌های مردم در انتخابات دست می‌زنند . . . . امروز همه تلاش امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی ، آن است که مردم را از صحنه دور سازند و پایگاه توده‌های امام و نیروهای انقلاب را تضعیف کنند ، تا در پی آن نقشه‌های شوم خود را علیه انقلاب و مردم ستمیده‌ما عملی سازند . امروز و در صحنه عمل ، مبارزه علیه این اقدامات

دهند . ما از همه هواداران سازمان می‌خواهیم که در تبلیغ سیاست انقلابی سازمان و در توضیح ضرورت شرکت هرچه فعال‌تر در انتخابات ریاست جمهوری به توده‌های مردم و به دوستان و آشنایان خود ، موارد زیر را با شکیبایی و پیگیری یادآوری کنند : ۱ - مساله شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و پشتیبانی از آقای محمد علی

### شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و حمایت از آقای رجائی حمایت از خط امام در برابر خط سازش با امپریالیسم آمریکا است

امپریالیسم و صهیونیسم ، همه رژیم‌های مرتجع منطقه و همه متحدان داخلی آنها ، بدون استثناء تبلیغ می‌کنند که مردم ایران از امام ، از نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی و از انقلاب حمایت نمی‌کنند . تمامی جبهه ضد انقلاب داخلی و خارجی امیدوار است که مردم کمتر در صحنه باشند و کمتر در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند .

هرکس یک بار هم به رادیوهای ضدانقلاب گوش فرا داده باشد ، حقیقت بالا را دریافته است .

امپریالیسم آمریکا و متحدانش خوب می‌دانند که شرکت مردم در انتخابات به مفهوم حمایت آنها از امام خمینی و خط ضدامپریالیستی و سازش ناپذیر او است و خوب می‌دانند مادام که چنین حمایتی وجود دارد ، مادام که مردم در صحنه‌اند ، هیچ‌کاری از پیش نخواهند برد و انقلاب همچنان سنگرها و امتیازات آنان را یکی پس از دیگری از چنگال خونینشان در خواهد ریود . از این رو است که به اقدام مذبح‌خانه و بیش‌مانه‌ای در جهت کاهش نفوذ خط امام و جلوگیری از حضور مردم در صحنه از جمله

بیش‌مانه امپریالیسم آمریکا و خط سازش متحد آن ، جانفشانی در جبهه‌های مقاومت جنوب و غرب میهن است ، پایداری در پشت جبهه‌هاست ، شرکت فعال در انتخابات ریاست جمهوری و ترغیب توده‌ها به حضور در صحنه و مایوس کردن و زبون کردن ایادی امپریالیسم آمریکا ، در میهن انقلابی ما است .

سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) ، به رغم همه کارشکنی‌های محافل تنگ نظر و انحصار طلبی که در جهت دور کردن نیروهای انقلاب گام بر می‌دارند و عملاً آب به آسیاب امپریالیسم می‌ریزند ، در همه عرصه‌های مبارزه علیه امپریالیسم و متحدان آن ، دوشادوش همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست میهن از خط ضد امپریالیستی امام حمایت کرده و می‌کند .

سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) با توجه به واقعیات روشن و صریح بالا و با توجه به اوضاع حساس میهن از همه هواداران و از همه مردم مبارز میهن می‌خواهد که قاطعانه در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند و به آقای محمد علی رجائی رأی

رجائی قبل از هر چیز و در اساس خود به مفهوم حمایت از امام خمینی ، نیروهای ضدامپریالیست خط امام در برابر امپریالیسم آمریکا و جبهه سازشکاران و ضد انقلاب داخلی است . شرکت در انتخابات جانبداری از انقلاب در برابر امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن است . و درست از همین رو است که ما با حفظ مواضع انتقادی خود نسبت به برخی گرایشات و اقدامات نیروهای ضد امپریالیست خط امام و نسبت به آقای محمد علی رجائی ، فعالانه در انتخابات شرکت می‌کنیم و به ایشان رأی می‌دهیم .

۲ - شرکت در انتخابات عرصه‌ای است برای ایجاد تفاهم هرچه بیشتر میان مردم مبارز و مدافع انقلاب و میان نیروهای ضد امپریالیست وفادار به انقلاب ایران . ماکه همواره وحدت خلق را شرط ضروری پیروزی نهایی انقلاب می‌دانیم خواهیم کوشید با شرکت فعال و گسترده خود تلاش در شرکت هرچه بیشتر توده‌های مردم در انتخابات این عرصه را تا آنجا که در توان داریم به خدمت تفاهم ، نزدیکی و وحدت توده‌های خلق و انزوای

هرچه بیشتر لیبرالها و سازشکاران در آوریم . ۳ - امروز تاکتیک امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن در قبال انقلاب ایران ، ایجاد جو تشنج ، گسترش تروریسم و جلوگیری از استقرار قانون به منظور زمینه سازی و توجیه تجاوز نظامی است . شرکت فعال توده‌های مردم در انتخابات که به مثابه حمایت وسیع و میلیونی توده‌ها از خط امام و حکومت جمهوری اسلامی است قطعاً روحیه ضد انقلاب و همه عوامل و ایادی امپریالیسم را بیش از پیش درهم می‌شکند و در مقابل موقعیت جمهوری اسلامی و نیروهای خط امام را بیش از پیش تثبیت و تحکیم می‌کند که این خود زمینه‌های ایجاد و گسترش نا امنی و بی‌ثباتی و تشنج و تروریسم را کاهش می‌دهد و شرایط را برای استقرار حکومت قانون که ضرورت حیاتی انقلاب ایران است هموار می‌گرداند .

۴ - هرچه حمایت توده‌های از خط امام و از رئیس جمهوری بیشتر و گسترده‌تر باشد ، به همان نسبت موقعیت میهن انقلابی ما در جنگ مقاومت علیه رژیم تجاوزگر صدام مستحکم‌تر می‌شود ، روحیه مدافعان رزمنده میهن در جبهه‌ها تقویت می‌شود و در مقابل دشمن تجاوزگر زبون‌تر و مرعوب‌تر می‌گردد . با توجه به همه موارد فوق است که ما امروز شرکت در انتخابات و حمایت از آقای محمد علی رجائی را وظیفه‌ای انقلابی ، میهنی و مردمی می‌دانیم و همه را به حضور فعال در صحنه فرا می‌خوانیم .

سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) از همه اعضا و هواداران خود می‌خواهد که مواضع سازمان را وسیعاً برای توده‌های مردم توضیح دهند و مردم را به شرکت هرچه فعالانه‌تر در انتخابات ترغیب نمایند . فراموش نکنیم که انتخابات گوشه‌ای از صحنه مبارزه سرنوشت ساز ما علیه امپریالیسم آمریکا است . فراموش نکنیم که شرکت در انتخابات به مفهوم حمایت خط امام در برابر خط سازش و همه دشمنان انقلاب ایران است .

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا





### صدها هزار کارگر ساختمانی

# خواهان لغو ماده ۱۸ آئین نامه شوراها و تثبیت قانونی حقوق شورائی

## خویشند

● در جریان انقلاب شوراها و کارگری بتدریج در واحدهای ساختمانی همانند دیگر واحدها نیز بوجود آمدند و نقش بسیار مهمی در مبارزه به خاطر بهبود شرایط کار و زندگی کارگران و تامین حق مشارکت انقلابی کارگران ساختمانی در اداره این واحدها ایفاء نمودند. با وجود آنکه پس از پیروزی انقلاب و در پرتو دستاوردهای آن در برخی زمینهها بهبود نسبی در تامین حقوق صنفی - رفاهی کارگران ساختمانی ایجاد شده است لیکن در بسیاری زمینهها وضع زندگی و کار این توده زحمتکش کماکان دارای نارسائیهای اساسی است. حق برخورداری از مسکن مناسب، بیمه و خدمات درمانی، ایمنی کار و مخصوصا امنیت شغلی از زمره حقوقی است که هنوز دور از دسترس این بخش از کارگران زحمتکش میهن ماست در بسیاری از کارگاههای ساختمانی هنوز حداقل دستمزد قانونی پرداخت نمی شود. پرداخت حق مسکن، حق خواروبار حق اولاد و دیگر حقوق و مزایای رفاهی کارگران در این کارگاهها عمومیت ندارد. در این میان برخی از شوراها توانستهاند در گستره تامین حقوق صنفی و رفاهی کارگران و ارتقا شرایط کار و زندگی آنها به کامیابیهای معینی دست یابند. در

ماده ۱۸ آئین نامه شوراها ( مصوبه شورای عالی کار ) صدها هزار کارگر ساختمانی را از حقوق شورایی شان محروم کرده است. دولت باید این آئین نامه ضد کارگری را لغو نموده و قانونی متکی بر اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی تدوین و تثبیت نماید.

مقابل در کارگاههایی که کارگران از حداقل شکل ( صنفی و شورایی ) لازم و ضرور برخوردار نبوده اند حقوق صنفی آنان آشکارا پایمال گشته است از سوی دیگر سرمایه داران و مدیران ضد انقلابی و لیبرال، در واحدهای ساختمانی همچون سایر رشتههای صنعت و خدمات در اجرای مقاصد ضد انقلابی شان دائما به کار شکنی و ایجاد وقفه ورگودر واحدها می پردازند. و برای ایجاد نارضایتی در میان توده وسیع کارگران این رشته و تشدید بحران اقتصادی در سطح جامعه، کارگاهها و واحدهای ساختمانی را به تعطیلی و رکود می کشانند لازم به تذکر است که شرکت های ساختمانی عمدتا بیش از سایر واحدهای تولیدی در قبال اینگونه تشبیهات اخلاص گرانه آسیب پذیرند. چرا که از یک سو بخش کثیری از کارگران ساختمانی عمدتا و اساسا منشاء مستقیم روستایی دارند که این امر خود موجبات عینی پراکندگی صفوف آنان را فراهم آورده سازمانیابی این توده وسیع را کند نموده و از این طریق شرایط مساعدی را برای اجرای توطئه های سرمایه داران و مدیران ضد انقلابی بوجود می آورد. از سوی دیگر

اکثر مواردی که تشکلهای صنفی و شورایی کارگران در نتیجه این قبیل تشبیهات ضد انقلابی متلاشی شده اند، راه برای انجام اقدامات اخلاص گرانه بعدی که سمت عمده آنها متوجه به تعطیل کشاندن واحدهای ساختمانی بوده باز شده است. در این مورد می توان به نمونه های بارز زیر اشاره کرد که در آنها اخراج های دسته جمعی و گسترده و سپس تعطیل شدن کارگاه بلافاصله پس از انحلال شورا توسط سرمایه داران و کارگزاران آنها صورت گرفته است.

( جدول زیر مسئله را روشن تر می کند ) بدون شک تشکیل و تثبیت تشکلهای صنفی و شورایی کارگران در کارگاههای ساختمانی نقش مهمی در تجدید غارتگری های سرمایه داران و پیمانکاران ساختمانی و عقیم گذاردن تلاش های اختلاص گرانه آنها ( در به تعطیلی کشاندن این واحدها ) دارد و از همین رو است که اقدامات اخلاص گرانه ای در جهت ممانعت از شکل گیری این تشکلهای و یا متلاشی کردن تشکلهای موجود صورت گرفته و می گیرد و غالب این اقدامات نیز در سایه قوانینی انجام می گیرد که پس از پیروزی انقلاب توسط نهادهای دولتی و قانون گذاری تدوین و تصویب شده است، قوانینی که نه تنها وثیقه مطمئنی برای تحکیم و تثبیت تشکلهای شورایی و صنفی کارگران واحدهای ساختمانی نبوده اند بلکه دستاویزی قانونی برای اقدامات ضد شورایی سرمایه داران و مدیران ضد انقلابی و سازشکار بوده و هستند. که لایحه شانزده ماده ای شوراها مصوب شورای انقلاب و نیز آئین نامه ای که در مرداد ماه ۵۹ پس از تصویب این لایحه تحت عنوان " آئین نامه شوراها و اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی، صنفی، کشاورزی

و خدماتی " توسط شورای عالی کار تدوین و تصویب گشته از آن جمله است. در ماده ۱۸ آئین نامه اخیر چنین آمده است: " کارگاههایی که کار آنها موقت و یا فصلی می باشند مانند کارگاههای ساختمانی و راهسازی و نظایر آنها مشمول قانون تشکیل شوراها و این آئین نامه می باشند " به این ترتیب در حالی که بیش از بیست درصد از نیروی کار شاغل میهن ما در بخش ساختمانی قرار دارند و تامین و تضمین حقوق شورایی و سندیکایی آنان نه تنها مطالبه منطقی و به حق آنان بلکه ضرورت تثبیت و تحکیم انقلاب است، آئین نامه مذکور در ماده ۱۸ خود، این توده وسیع را از حق تجهیز به تشکلهای و حقوق شورایی شان محروم نموده و راه را برای توطئه های سرمایه داران و مدیران ضد انقلابی در این بخش نیز باز گذاشته است. این ماده به درستی حلقه تکمیل کننده ماده ۱۴ لایحه شوراها مصوب شورای انقلاب است که تشکیل شوراها در واحدهای مهم صنعتی نظیر صنعت نفت را موقوف به تصویب هیئت وزیران نموده بود. ما در اینجا یک بار دیگر به مقامات مسئول و متعهد جمهوری اسلامی ایران هشدار می دهیم که این گونه قوانین و آئین نامه ها نه تنها کمکی به تحکیم و گسترش پایه های خلقی انقلاب ما نمی کند، بلکه با ایجاد موانع " قانونی " در برابر تجهیز بخش وسیع و مهمی از طبقه کارگر انقلابی میهنمان به تشکلهای صنفی و شورایی شان، این پایه ها را بیش از پیش سست گردانیده و انقلاب را از نیروی حمایت گسترده، متشکل و سازمان یافته کارگران و زحمتکشان انقلابی کشورمان محروم می سازد. از این گذشته ما همانگونه که به کرات گفته ایم، این بار نیز تاکید و تصریح می کنیم که قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۱۰۴ خود در مورد حقوق شورایی عموم کارگران ( کارکنان ) همه واحدهای تولیدی و خدماتی بقیه در صفحه ۱۷

تعطیل کارگاه	اخراج ۴۰۰ نفر	انحلال شورا	شرکت خوردین	۱- کارگاه شهرک غرب
تعطیل کارگاه	اخراج ۳۰۰ نفر	انحلال شورا	شرکت اصغر زاده	۲- کارگاه دوگل
تعطیل کارگاه	اخراج جمعی کارگران	انحلال شورا	شرکت چکس	۳- کارگاه اتوبان ایوبی
تعطیل کارگاه	اخراج جمعی کارگران	انحلال شورا	شرکت رواسترن (لوشان)	۴- کارگاه غنی آباد
تعطیل کارگاه	اخراج جمعی کارگران	انحلال شورا	شرکت پرژام	۵- کارگاه اقدسیه

## پر توان باد جنبش طبقه کارگر

# پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



کارگران سنگبری :

### قانون کار و تأمین اجتماعی باید شامل حال ما نیز که در سخت ترین شرایط کاری هستیم بشود



## تدوین و اجرای یک طرح مترقی مشاغل خواست عاجل کارخانجات صنعتی قزوین است

● از بهمن ماه سال ۵۸ که طرح طبقه بندی مشاغل به عنوان یکی از خواست های مهم در کارخانجات صنعتی قزوین از طرف کارگران مطرح شد، کارخانجات فرخ و منخ از آن دسته واحدهایی بودند که به دلیل اختلاف شدید در سطح دستمزدها، احکامات کارفرما و بطور کلی نازل بودن سطح عمومی دستمزدها کارگران خواهان پیاده شدن یک طرح طبقه بندی مترقی بوده اند. اما مدیریت دولتی که لیبرالها در آن لانه کرده اند از بدوروی کار آمدن به بهانه مشغله زیاد از پرداختن به مسئله طرح طبقه بندی، طفره رفته تا اینکه در اوائل سال ۵۹ تحت فشار کارگران و شورا، مدیریت مجبور می شود گروهی را برای تهیه طرح به کارخانه بیاورد و قراردادی به مبلغ ۳۰۰ هزار تومان می بندد و قرار می شود که گروه کار خود را ظرف ۸ ماه به پایان برساند این مسئله قابل بررسی است که در هیچ کارخانه ای (در منطقه قزوین) مبلغ قرارداد تاکنون به این میزان و زمان آن به این اندازه طولانی نبوده است. با وجود آنکه

قرارداد در اردیبهشت ماه بسته شد و می بایست در بهمن ماه ۵۹ به اتمام می رسید هنوز طرح بطور کامل تهیه نشده و بخشی از کار آن سر باقی مانده است دولت نیز که در بهمن ماه ۵۹ اعلام کرده بود که در ۲۰ واحد بطور آزمایشی طبقه بندی مشاغل را پیاده می کند و در مورد این کارخانه که یکی از ۲۰ واحد است، با وجود به تعویق افتادن تهیه طرح، هیچ گونه عکس العمل مثبتی نشان نداده و مدیریت لیبرال کارخانه نیز با استفاده از این مسامحه کاری و بلا تکلیفی دولت، خود را از اتهام مبری دانسته و خطاها را تماماً متوجه دولت دانسته و سعی در بدبین کردن کارگران نسبت به وزارت کار و دولت دارد. دولت باید هرچه زودتر با تدوین و ارائه یک طرح مترقی ارزشیابی مشاغل و تدارک آموزش های لازم در مورد چگونگی پیاده شده و اجرای آن در واحدهای مختلف تولیدی به منافع و حقوق صنفی کارگران و مصالح انقلاب پاسخی درخور و شایسته بدهد.

کارگران سنگبری به دلیل کار مزد بودن تمام روز را تا آنجا که توان دارند تلاش می کنند تا سنگ بیشتری آماده کنند در میان آنان دیپلمه های بیکار هم دیده می شوند که برای سیر کردن شکم خانواده خود مجبور به این کار طاقت فرسا شده اند. آنچه که کارگران سخت کوش و زحمتکش سنگبر از دولت جمهوری اسلامی می خواهند چیزی جز تأمین حداقل حقوق اجتماعی، زحمتکشان دیگر نیست، کارگران سنگبر می خواهند:

- ۱- کلیه کارگران سنگبر مشمول قانون کار و تأمین اجتماعی شوند و ساعات کار طبق قانون کار تعیین شود.
- ۲- برای دیپلمه هایی که به این کار مجبور شده اند کاری درخور استعدادشان تأمین شود.
- ۳- کمک های اولیه و وسائل ایمنی و بهداشت و همچنین آب یخ به هنگام کار تأمین گردد.

تاکنون استانداری بی توجه به حداقل حقوق اجتماعی این زحمتکشان مانع از فعالیت برای امرار معاش آنها شده است.

در منطقه سنگبری گروه جوانان کمتر از ۱۵ سال در گرمای طاقت فرسای تابستان با پتک و دیلم به کار مشغولند. یکی از کارگران در حالی که زیر بار فشار کار کمرش خمیده و چشمانش کم سو شده و در دهانش دندانهای باقی نمانده است به پسران کوچکش اشاره می کند و می گوید:

"تمام خانواده ام زیر بار رنج و مشقت این کار طاقت فرسا هستند. خودم تمام عمر سنگبری کرده ام و حالا هم فراغت ندارم"

کارگر ۱۳ ساله ای می گوید از کوچکی کار می کنم هرگز مدرسه نرفته ام. خیلی دلم می خواهد بخوانم. وقتی به خانه می روم آنقدر خسته ام که تا غذا می خورم خوابم می برد"

● در بوشهر به دلیل امتیازاتی که سنگهای استخراجی در استحکام ساختمانها دارند بسیاری از خانه ها از سنگ ساخته شده اند. بیشتر خانه هادر اطراف بوشهر بر روی گودالهایی که کارگران سنگبر قبلاً بروی آنها کار کرده اند ساخته می شود. با گسترش خانه سازی سنگبرها جهت امرار معاش مجبور به ترک محل کار خود و پیدا کردن محل دیگری دور از مناطق مسکونی می شوند. اکثر آنها در چند کیلومتری شهر با دیلم و پتک عرق ریزان به کار مشغولند. آنها ابتدا با دیلم سنگها را در قطعات مختلف بریده و با پتک تکه تکه کرده و سپس باتیشه و دیلم می تراشند و به فروش می رسانند. آنها به نسبت مرغوبیت سنگ در مقابل هر هزار سنگ کار شده ۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ تومان دریافت می کنند. اکثر زمیلهایی که سنگبرها بر روی آن کار می کنند دولتی است و

**اصول ۱۰۴ و ۲۶ قانون اساسی**  
**(حقوق شورائی و سندیکائی کارگران)**  
**باید در قانون کار جدید تثبیت شود**

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

### خبرهایی از روستاهای کشور

#### مازندران

ساری روستائیان زینت علیا: ما متحداً از شورای خود و کشت شورائی دفاع می کنیم

■ زینت علیا یکی از روستاهای اطراف ساری است و حدود ۱۱۵ خانوار جمعیت دارد که اکثر بی زمین و تعدادی نیز خرده مالک هستند. در زمان شاه معدوم حاج عباس نادری از بزرگ مالکان منطقه به زور سرنیزه ژاندارم‌های رژیم شاه ۴۰ هکتار از بهترین و مرغوبترین زمین‌های روستا را غصب نمود که پس از مرگ وی فرزندان او زمین‌ها را در اختیار خود گرفتند. یک سال پس از انقلاب با اتحاد و یکپارچگی همه دهقانان زحمتکش و مبارز و با کمک ارگان‌های انقلابی کشاورزان توانستند زمین‌های غصب شده را بازپس بگیرند. از آن به بعد زمین‌های

مزروعی توسط شورای اسلامی روستا و از طریق کشت شورائی اداره می‌شود. میزان محصول کشت شورائی امسال ۶۶ تن گندم بوده که ۶ تن آن بابت کرایه کمباین و ۱۵۰۰ کیلو به صورت داوطلبانه برای جنگ‌زدگان و بقیه نیز به نسبت مساوی بین کلیه دهقانانی که در کار کشت مشارکت داشتند تقسیم گردید. کشاورزان زحمتکش این روستا می‌گویند ما از شورای اسلامی روستای خود و از کشت شورائی راضی هستیم. و متحداً از آن دفاع می‌کنیم.

#### کشت شورائی را گسترش دهیم

بابل - روستای نوشیروانکلا در حومه شهرستان بابل قرار دارد. دهقانان آگاه این روستا سال‌ها قبل از سقوط رژیم منحوس شاه مبارزات خود را بر علیه ظلم و ستم بزرگ مالکان آغاز کرده بودند و در روزهای انقلاب و پس از آن نیز به مبارزات پیگیر خود ادامه دادند و سرانجام موفق شدند

زمین‌های خود را به کمک نهادهای انقلابی از ملاکین بازپس بگیرند. بعد از در اختیار گرفتن زمین‌ها، شورای انتخابی دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین با موافقت کلیه کشاورزان تصمیم گرفت به منظور جلوگیری از قطعه قطعه شدن زمین‌ها آنها را به طور جمعی کشت نمایند.

۵۱ خانوار یعنی همه سهامداران در کشت مشاع به طور داوطلبانه شرکت کردند و نمایندگان دهقانان نیز قوانینی را در این زمینه تنظیم نمودند که مورد موافقت کلیه کشاورزان قرار گرفت. در کشت اول دهقانان با کمک هم ۴ موتور پمپ و ۲ تیلر خریداری نمودند و سال بعد با کوشش اعضای شورا به همت جهاد سرندگی بابل مبلغ ۱۰۰ هزار تومان وام ۴ ساله کم بهره در اختیار شورا قرار گرفت که شورا با نظارت دهقانان وام دریافتی را جهت مکانیزه نمودن کشت و دیگر مخارج لازم مصرف نمود. کشاورزان می‌گویند ما دسته جمعی کار می‌کنیم. کلیه هزینه‌ها را دسته جمعی می‌پردازیم و محصول را که حاصل دسترنج همه است عادلانه بین خود تقسیم می‌کنیم. اکنون کشاورزان منتظرند تا هیات‌های هفت نفره به روستاها باز گردند و با به اجرا درآوردن قانون اصلاحات ارضی بخصوص بندهای "ج" و "د" آن دست فئودال‌های زالوصفت را برای همیشه از روستاها کوتاه کنند.

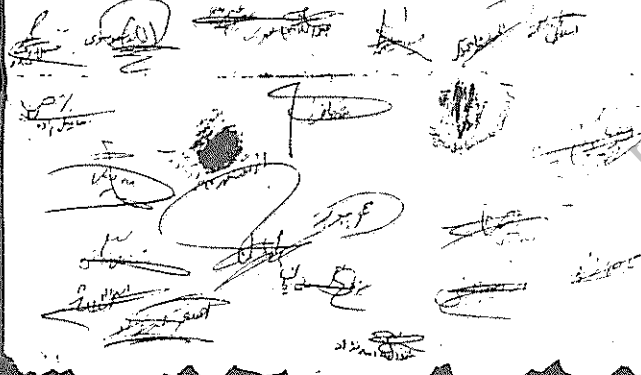
### بندج و آن را اجرا کنید

۸۰ خانوار از اهالی روستای قائم‌ده از توابع قائم شهر مازندران ضمن ارسال طوماری به هیئت هفت نفره واگذاری زمین خواستار اجرای سریع بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی گردیدند.

سرپرست هیئت والاداران زمین

مالک و زمین‌داران روستای قائم‌ده از توابع قائم شهر، خواهان کفایت زمین دست‌مزدال ما دلا و کمران از سرکش‌ها می‌باشیم. همچنین برابر تکرار می‌نمایم که در صورت انقضای قرارداد در زمان لزوم زمین‌داران بزرگ کمی از پانجا، امیرالیم در ایران می‌باشند، خواهان اجرای سریع بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی می‌باشیم.

تذکره: در هنگام امضاء، کتبه دست مالکین به کفایت و میزان است.



### با اجرای بندج و آن

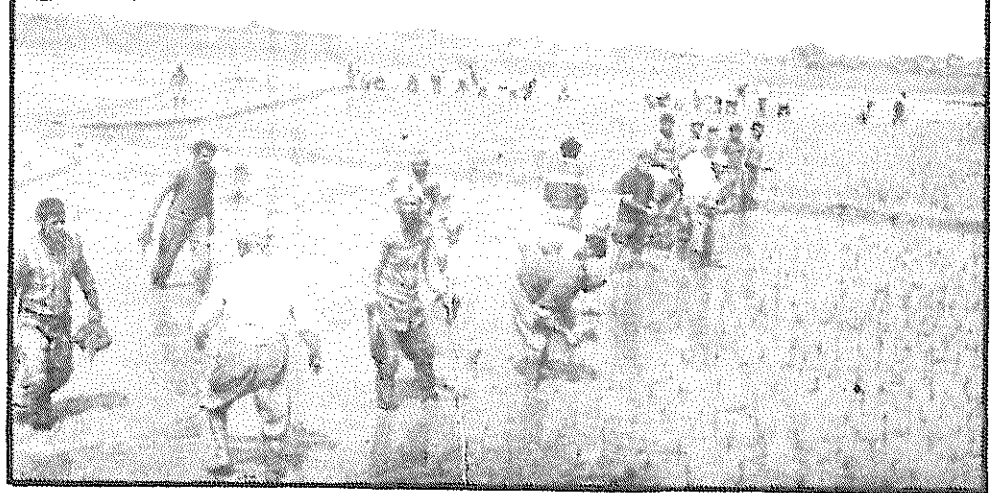
قطع نفوذ اقتصادی سیاسی زمینداران بزرگ و فئودال‌ها توطنه‌های رنگارنگ آنان را خنثی کنیم

### دهقانان زحمتکش ایران!

با افزایش تولید، حمایت از شوراها و روستائی و همکاری با ارگان‌های انقلابی جبهه انقلاب را تقویت کنید.

### دهقانان نوشیروانکلای بابل در حال

#### کشت شورائی



زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



### دولت باید با ملی کردن کارخانه خانه سازی تبریز از تعطیل شدن آن جلوگیری کند

تعطیل کردن کارخانه‌ها به عنوان یک " راه حل " که از طرف وزارت صنایع و معادن و برخی مسئولین مکتبی جمهوری اسلامی عنوان می‌شود . عملاً آب به آسیاب لیبرال‌ها می‌ریزد .

تعداد کارگران کاسته شود ، تا در " فرصت مناسب " فکری برای ادامه تولید آن بشود و اداره آن توسط مدیریتی انقلابی و کارگران میسر گردد . استاندار سابق آذربایجان ( آقای ساروخانی ) نیز حل این مشکل را در اخراج کارگران می‌دید . روشن است که این دیدگاه و این " راه - حل " تا چه حد غیر مسئولانه و ناسنجیده است و عملاً با تن در دادن به تعطیل کارخانه و اخراج کارگران نه تنها باری از دوش انقلاب بر نمی‌دارد بلکه همان چیزی را که امپریالیسم ولیرالها خواهان آنند تجویز می‌کند و اما راه حل منطقی چیست ؟ آنچه که کارگران مبارز و انقلابی خانه سازی پیشنهاد می‌کنند این است که :

۱ - کارخانه خانه سازی تبریز باید توسط دولت ملی شود و دست سرمایه‌داران غارتگر از آن کوتاه گردد . تا

از همان آغاز جنگ تحمیلی عراق ، سنگرهای بتونی برای رزمندگان و مدافعان انقلاب می‌ساختند و با جان و دل به ساختن سرپناهی برای زحمتکشان پشت جبهه مشغول بودند ، اخراج کردند ؟ این پرسش از جانب مسئولین امر تاکنون با پاسخ‌های نسنجیده و غیر مسئولانه‌ای مواجه شده است راه‌حلی که مقامات لیبرال کارخانه و برخی مسئولین وزارت صنایع و معادن برای پاسخ به مشکل این کارخانه اندیشیده‌اند تعطیل کارخانه و اخراج کارگران و تشدید بحران در جامعه است . و اما مسئولین مکتبی جمهوری اسلامی نیز تاکنون هیچ‌گونه راه حل مناسبی ارائه نداده ، بلکه با راه - حل‌های نارسا و معشوش‌شان عملاً آب به آسیاب لیبرالها ریخته‌اند . آنها معتقدند که کارخانه باید بطور موقت تعطیل گردد ، و بتدریج از

کارشکنی‌های مکرر مسئولین لیبرال کارخانه ، نتوانست پروژه جدیدی را آغاز کند . کارگران برای راه‌اندازی مجدد کارخانه شروع به فعالیت کردند و با پیگیری بسیار برای روشن شدن علل واقعی بلا تکلیفی کارخانه ، متوجه شدند که وزارت صنایع و معادن ، ملی شدن این کارخانه را منتفی اعلام کرده و این واحد همچنان در اختیار سرمایه‌داران خصوصی باقی مانده است به این ترتیب تداوم تولید این واحد ، دستخوش بلا تکلیفی شده و کارخانه در شرف تعطیل و کارگران در معرض اخراج قرار دارند کارگران خانه سازی تبریز می‌پرسند تعطیل اینگونه واحدها که تولید کننده یکی از اساسی‌ترین حوائج زحمتکشان در این شرایط بحران مسکن هستند آیا به سود انقلاب است ؟ آیا این به سود انقلاب است که کارگرانی که

کارخانه خانه سازی تبریز ( سازنده خانه‌های پیش بزرگترین واحدهای ایجاد مسکن در خاورمیانه است این کارخانه که هزار کارگر دارد تاکنون بیشترین میزان تولید را در مقایسه با کارخانجات مشابه خود داشته است . واحد خانه سازی در عرض ۶ الی ۷ سالی که از شروع فعالیتش می‌گذرد توانسته است تنها در شهرک امام خمینی ۵۴۰۰ دستگاه آپارتمان و چندین پروژه جنبی در شهرستان‌ها آماده بهره‌برداری نماید . کارخانه‌ای که می‌تواند بدین گونه جوابگوی احتیاجات مردم باشد و در حل مشکل مسکن که گریبانگیر مردم زحمتکش ماست نقش موثری ایفاء کند ، عملاً به واسطه عدم برنامه‌ریزی دولت در آستانه تعطیل شدن است . این کارخانه یکبار در زمان استانداری غروی ، ملی اعلام گردید و کارگران از این اقدام انقلابی دولت صمیمانه استقبال کردند و بر فعالیت شبانه‌روزی خود برای تولید بیشتر بیش از پیش افزودند . اما از چندی پیش که پروژه شهرک امام خمینی به اتمام رسید این واحد ، به خاطر بلا تکلیفی دولت در برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های ساختمانی جدید و همچنین ن به واسطه

بتوان با یک برنامه‌ریزی اصولی با توجه به نیازهای مبرم جامعه وسیعترین پروژه‌های خانه سازی و ... را برای زحمتکشان به اجرا درآورد .

۲ - کارخانه می‌تواند با طرح‌های آماده‌ای که پیش - بینی شده است ، از قبیل ساختن خانه‌های سبک و قابل حمل ( با وسایل ابتدایی و ضرور آن ) و همچنین خانه‌های ضد زلزله روستایی و طرح‌های متنوع دیگر به کار ادامه دهد و چنانچه سازمان‌های دولتی نیز نیاز به همکاری داشته باشند اقدام نماید ( برای وزارت برق تیرهای بتونی و اطاق‌های بتونی برای ژنراتورهای برق و برای وزارت راه و ترابری ، پل‌های پیش‌ساخته و ... )

۳ - برای تأمین اعتبارات لازم جهت راه‌اندازی و توسعه کارخانه در کوتاه مدت بانک رفاه کارگران بر مبنای قراردادی که دارد می‌تواند با کارخانه شریک شود ، و به جای دادن وام مسکن به کارگران ، خانه ساخته شده به آنها بدهد که این علاوه بر تسریع توسعه کارخانه می‌تواند موجب تضعیف بازار سیاه مسکن و کوتاه کردن دست واسطه‌های بزرگ نیز بشود .

### ضرورت رسیدگی به مشکلات دهقانان در رابطه با فروش محصولات به دولت

وزارت کشاورزی به خاطر کوتاه کردن دست واسطه‌ها سلف خرها ، تجار و سرمایه‌داران با ارائه خدمات لازم و با قیمت مناسب جلوی اجحاف به کشاورزان را گرفته و امکان می‌داد که آنان با قیمت‌های پائین کاشت و داشت را انجام دهند و حال هم که موقع برداشت است آنها راموظف به تحویل محصول خود با قیمت تعیین شده از طرف دولت به سیلوها می‌نمود .

به هر حال ، در حال حاضر با در نظر گرفتن همه این مشکلات و نارسائی‌ها مسئولین امر باید با اتخاذ تدابیر مقتضی ، بخصوص با برخوردی قاطع و انقلابی علیه تجار ، سلف‌خرها محترکان و رباخواران تا حد ممکن جلوی زیان‌های وارده به کشاورزان را گرفته و در سال زراعی آتی نیز از همان زمان کشت با توجه به موارد ریزی شده به یک برنامه ریزی حساب شده دست بزنند .

علاً " قیمت گندم را تا ۲۵ و حتی ۳۵ ریال پائین خواهد آورد . مساله مهم دیگر اینکه در پائیز گذشته و هنگام کشت ، وزارت کشاورزی اعلام کرد که کود و بذر و سم ندارد تا در اختیار کشاورزان قرار دهد و از آنان خواست که خود در بازار آزاد اقدام به تهیه نیازهای خویش نمایند . حال ، دهقانی که در آن زمان با قیمت‌های سرسام آور به خرید سم و بذر و کود نایاب و بسیار گران پرداخته و کشت کرده است چگونه با فروش محصولات خود به قیمت دولتی می‌تواند این هزینه‌ها را جبران کند ؟

به نظر ما برنامه کنونی اعلام شده از طرف دولت می‌بایست از همان زمان کشت پیش‌بینی می‌شد و

خاص کشور به کیلویی ۳۰ ، ۳۵ و حتی ۴۰ ریال از دهقانان خریداری کردند . در صورتی که دهقانان اینک مجبورند گندم خود را با نرخ دولتی و از قرار هر کیلو ۲۸ ریال به دولت تحویل دهند که از این طریق ضرر قابل ملاحظه‌ای کرده و قادر به بازپرداخت قروض خود نبوده و مجبورند پول‌های دریافتی از سلف‌خرها را با نزول‌های بالا پرداخت کنند . از آن گذشته تجار و سلف‌خرها هزینه بارگیری محصول و کرایه حمل را خود می‌پردازند در صورتی که دولت اعلام داشته مخارج بارگیری و حمل تا مرکز خرید دولتی به عهده خود دهقانان می‌باشد و در ضمن سیلو ۱۰٪ " افت به گندم‌ها خواهد زد " که به این ترتیب

تسلط سرمایه‌داران و گرانی بی‌رویه مواد غذایی عمده کشور می‌انجامد ، اما از آنجائی که تمام جواب قضیه و بخصوص مشکلات دهقانان در این حرکت در نظر گرفته نشده بی‌شک پاسخگوی همه نیازهای کنونی آنان نیست . اهم این مشکلات بدین قرارند :

اولاً " این اطلاعیه خیلی دیر و درست هم‌زمان با شروع برداشت محصول جو و گندم در منطقه صادر گردید که متأسفانه تا آن تاریخ دهقانان زحمتکش و فقیر عمدتاً محصول خود را به تجار و سلف‌خرها فروخته بودند . ثانیاً هرچند که سلف‌خرها معمولاً گندم را همه ساله خیلی ارزان‌تر از قیمت بازار می‌خرند اما امسال آنرا به دلیل وضع

هیات هفت نفری واگذاری زمین استان فارس اوایل ماه گذشته با صدور اطلاعیه‌ای از کلیه کشاورزان استان خواست که جهت جلوگیری از سودجویی سرمایه‌داران و محترکان و قطع دست واسطه‌ها ، مازاد گندم خود را به سیلو یا شرکت‌های تعاونی روستائی تحویل داده و رسید آنرا به هیات ۷ نفری ارائه دهند . در این اطلاعیه شرط استفاده از خدمات و نهادهای کشاورزی از قبیل کود ، وام و بذر در سال زراعی آتی را ارائه این رسیده‌ها اعلام داشته و به سلف‌خرها و محترکین نیز هشدار داده که در صورت مشاهده خرید و احتکار گندم انبارهای آنان ضبط و خودشان تحویل دادگاه‌های انقلاب خواهند گردید . این حرکت دولت عملی مثبت و انقلابی است که مسلماً در صورت اجرای همه جانبه آن در سطح کل کشور به قطع دست واسطه‌ها و سلف‌خرها و به نوبه خود جلوگیری از

## اخبار شهرستان‌ها

### آقای استاندار:

### مردم اراک شهردار ضد انقلابی نمی‌خواهند

اراک - به دنبال افشای جریان‌ها و عناصر ضدانقلاب، مردم اراک طی یک راهپیمایی خواهان برکناری و محاکمه "رستم پور" شهردار این شهر شدند. این شخص که از وابستگان جبهه ملی است و شهرداری را به مرکز فعالیت لیبرال‌ها و عناصر ضدانقلابی تبدیل کرده بود، بنابه به خواست مردم برکنار شد. وی پس از برکناری به نزد استاندار و مقامات مسئول می‌رود که متأسفانه استاندار بدون در نظر گرفتن سوابق وی و خواست مردم، مجدداً او را به کار باز می‌گرداند. مردم اراک که همچنان خواهان برکناری و محاکمه شهردار هستند از آقای استاندار می‌پرسند: مگر قرار نیست عناصر ضدانقلابی از ارگان‌ها و ادارات پاکسازی شوند؟ چرا شما به رای مردم که موجب برکناری شهردار شد، توجه نمی‌کنید؟

### اقدام انقلابی در مبارزه با سرمایه داران چپاولگر

گناوه - اتاق بازرگانی بوشهر با یک اقدام انقلابی، از تمدید اعتبار کارت بازرگانی عده‌ای از سرمایه‌داران چپاولگر بندر گناوه خودداری کرده است. اسامی تعدادی از این افراد که با سلاح احتکار و گرانفروشی به جنگ زحمتکشان آمده‌اند به شرح زیر است:

محمود کریمی، حاج عباس حقیقت، محمد الهی، حاج حسن حاجیانی، کریم قاسمی و محمد جعفر گرگی. اقدام قاطع اتاق بازرگانی بوشهر با تأیید سپاه پاسداران و سایر نهادهای انقلابی روبرو شده است. ماضن پشتیبانی از این حرکت مردمی، از مسئولان استان می‌خواهیم که با قاچاقچیان بزرگ و ضدانقلابیون حرفه‌ای که روزانه میلیون‌ها تومان ارز و کالاهای مورد نیاز مردم را قاچاق می‌کنند، برخورد قاطع و انقلابی شود.

### خبرهای کوتاه

■ گروهی از پاسداران انقلابی ارومیه که به عنوان اعتراض به اعمال غیر قانونی بعضی از مسئولان این منطقه استعفا دادند، با حضور در جبهه‌های جنوب و به ویژه جبهه آبادان به فعالیت رزمنده خود ادامه می‌دهند. این پاسداران نقش برجسته‌ای در پیروزی‌های اخیر داشته‌اند.

■ دادگاه انقلاب کرمانشاه حکم بازداشت چند تن از فتوادل‌ها و سران بسیج عشائری را که از طرفداران بنی صدر بودند صادر کرده است. در میان دستگیر شدگان "شاه‌کر الماسی"، "خیرالله قبادی"، "سید باره‌شاه ابراهیمی" دیده می‌شوند. از منازل این ضدانقلابیون نزدیک به ۲۵ قبضه اسلحه ژ-۳ به دست آمده است.

### از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

### به تعطیل کشاندن کارخانه‌ها خواست ضد انقلاب است

میان دو آب - هواداران سازمان طی اطلاعیه‌ای تحت عنوان "اخراج کارگران کارخانه قند اقدامی برخلاف مصالح انقلاب است" اقدام ضدکارگری و ضدانقلابی مدیران لیبرال این کارخانه را مبنی بر اخراج کارگران محکوم نموده‌اند. در بخشی از این اعلامیه می‌خوانیم: "برای سومین بار در طی چند ماهه اخیر مسئولین کارخانه قند میاندوآب اقدام به اخراج کارگران زحمتکش این کارخانه نموده‌اند با این تفاوت که اگر قبلاً یکباره ۱۵۰ الی ۳۰۰ نفر را اخراج می‌کردند. اکنون بطور مداوم و روزانه ده نفر و یا بیشتر را اخراج می‌کنند و انتظار می‌رود که در آینده کارخانه قند بطور کامل تعطیل شود."

در این اعلامیه همچنین خطاب به کارگران آمده است:

"حق کار و بازگشت بکار از ابتدایی‌ترین حقوق شماست. مدیران لیبرال با استفاده از ماده ۳۳ قانون کار آریامهری (که به کارفرما حق می‌دهد هر زمان که مایل باشد کارگران را اخراج نماید) اقدام به اخراج شما می‌نمایند. لغو ماده ۳۳ آریامهری می‌بایستی در صدر خواسته‌های شما قرار گیرد. برای به گردش درآوردن کارخانه و مقابله با حرکات ضدکارگری و اخراج دسته‌جمعی شما تشکل صنفی یکی از اساسی‌ترین اقدامات شماست. اصل ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی حقوق سندیکایی و شورایی کارگران را به رسمیت می‌شناسد. کارگران بایستی خواهان اجرای این اصول گردند. مایک بار دیگر پشتیبانی قاطع و همه جانبه خود را از خواسته‌های برحق زحمتکشان اخراجی کارخانه قند اعلام می‌داریم و ضمن محکوم نمودن سیاست ضدکارگری و اقدام ضدانقلابی مدیریت لیبرال کارخانه قند خواهان بازگشت همه کارگران اخراجی به سرکارهایشان هستیم."

نجف‌آباد - هواداران سازمان طی اعلامیه‌ای ضمن محکوم نمودن انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، شهادت محمد منتظری و ۷۳ تن دیگر از مسئولین مملکتی را تلاش‌های مذبحانه مزدوران امپریالیسم آمریکا خوانده و در رابطه با شهادت نماینده مردم نجف‌آباد در مجلس چنین نوشته است:

"حجت‌الاسلام محمد منتظری به درستی دریافت بود که امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی و شماره یک تمامی خلقهای ایران و جهان است او دریافت بود که مردم ما در مبارزه علیه امپریالیسم تنها نیستند و خلقهای دیگر کشورها نیز با این دشمن بشریت در ستیزند. وی به روشنی پی برده بود که راه مبارزه علیه امپریالیسم گذار آمریکا، تامین وحدت ملی و اتحاد با کشورهای دوست ایران از جمله لیبی و سایر کشورهای جبهه پایداری و مبارزه علیه ارتجاع و صهیونیسم در منطقه و متحدین آمریکا از قبیل لیبرال‌ها و سازشکاران در داخل ایران است"

**بیچار**  
هواداران سازمان در بیچار تراکت و طرح‌هایی در رابطه با "اجرای بند ج" و "ملی کردن تجارت خارجی" منتشر کردند و در آن خواستار اجرای هرچه زودتر این دو اصل شدند.

**قشم**  
در نمایشگاه عکسی که توسط هواداران سازمان و دانش‌آموزان پیشگام در جزیره قشم برگزار شد گوشه‌ای از زندگی مردم زحمتکش این جزیره همراه با عکسهایی از مبارزات کارگران میهنمان به نمایش گذاشته شد. این نمایشگاه مورد استقبال مردم زحمتکش منطقه قرار گرفت.

ضمن ارج نهادن به کار پرارزش رفقاء موفقیت بیشتر آنان را خواهیم!

### کار



شد. به احتمال زیاد عناصر ضدانقلابی پس از سرقت دینامیت‌ها، انبارها را به آتش کشیده‌اند. ضمناً پاسداران و نیروهای انتظامی در تعقیب صدانقلابیون از جمله "حبیب بهادر" (از خوانین و قاتل چند نفر روستائی) می‌باشند.

■ دهقانان و خوشنشینان "پلنو" از توابع مرودشت فارس، ۱۱۰ هکتار از زمین‌هایی را که قبلاً در تصرف "عبداللهی" بزرگ مالک منطقه بود کشت کرده‌اند. هنگام برداشت محصول، وی به همراه عواملش به سراغ روستائیان آمده و از آنها تقاضای ۲۵ درصد سهم کرده است در حالی که شورای کشت حق وی را از هر هکتار زمین ۵۰۰ تومان تعیین نموده است. این رقم مورد قبول روستائیان می‌باشد.

### جمع‌آوری کمک برای

### زلزله زدگان و رزمندگان جبهه‌ها

رشت - کارکنان انقلابی و زحمتکش شرکت برق منطقه‌ای گیلان با جمع‌آوری مبلغ ۸۳۱۲۰ ریال و کارگران کارخانه "ایران جیکا" با خرید ۱۵ کلمن و یک جا یخی بزرگ به یاری زلزله زدگان گلپای کرمان و رزمندگان جبهه‌ها شتافتند. این حرکت انقلابی با افشاجاری توطئه‌های امپریالیسم آمریکا همراه بود و طی آن کارگران همبستگی خود را با نیروهائی که علیه متجاوزین صدامی در جبهه‌ها مبارزه می‌کنند، اعلام داشتند.

■ در تاریخ دهم تیرماه انبار دینامیت جهاد سازندگی و یکی دیگر از ادارات یاسوج منفجر



# لهستان: نوسازی، تحکیم و تثبیت ساختمان سوسیالیسم تنه راه حل واقعی بحران است

در شماره‌های قبلی کار با توجه به وضعیت لهستان ما سعی داشتیم که تا آنجا که ممکن است اطلاعات و اخبار و تحلیل‌های خود را پیرامون بحران کنونی این کشور انتشار دهیم. اکنون پس از برگزاری کنگره نهم حزب کمونیست لهستان و به همین مناسبت ما مقاله زیر را که بیانگر وضعیت کنونی و ریشه‌های تاریخی بحران لهستان است منتشر می‌کنیم. گرچه این مقاله قبل از برگزاری کنگره اخیر نوشته شده است ولی از آنجایی که حاوی نکات بسیار آموزنده است خوانندگان کار را در برخورد با مسائل کنونی بحران لهستان یاری می‌دهد ما اقدام به انتشار آن نمودیم.

کارگر هر کشور با طبقه کارگر کشورهای دیگر یعنی انترناسیونالیسم پرولتری. این قوانین خصلت عام دارند یعنی برای همه کشورهای صرف نظر از ویژگی‌های ملی شان، ضروری هستند. صحت این امر توسط تجربه ۶۰ ساله موجودیت سوسیالیسم در جهان اثبات شده است. این قوانین عام به هیچ وجه توجه به خصوصیات ویژه هر کشور اعم از ویژگی‌های ملی، تاریخی، فرهنگی و مذهبی را نفی نمی‌کنند. برعکس، این قوانین درست به علت عام بودنشان و بدین خاطر که هیچ قانون عامی در زندگی واقعی به طور "تاب و خالص" بروز نمی‌کند بلکه بر زمینه انبوهی از ویژگی‌های خاص خود را نشان می‌دهد، توجه دقیق به شرایط خاص ملی را از پیش مفروض می‌دارند. معذالک رعایت دیالکتیک عام و خاص همواره کار ساده‌ای نیست و بدین خاطر این مسئله همواره یکی از مسائل حاد جنبش کمونیستی در هر کشور خاص و در سراسر جهان بوده است.

بررسی تاریخ حزب متحده کارگری لهستان نشان می‌دهد که این حزب در مرحله معینی از تاریخ خود، با عمده کردن ویژگی‌های ملی خود، این دیالکتیک را نقض نموده است. بطور مشخص می‌توان گفت که این حزب از سال ۱۹۵۶ به بعد، قانون‌های ضروری سازماندهی

سوسیالیستی کشاورزی، انجام انقلاب سوسیالیستی در فرهنگ و ایدئولوژی و مقابله با ضدانقلاب دژ داخل کشور را عمدتاً نادیده گرفته است، هرچند که باید توجه داشت که تئوری مارکسیستی - لنینیستی بنا به ماهیت خود یکپارچه و جامع است و ناپیگیری در هر یک از اصول بنیادی آن به ناپیگیری در سایر اصول آن و در نتیجه در کل آن منجر می‌شود. در مورد لهستان نیز تجدید نظر در بعضی از قوانین عام ساختمان سوسیالیسم به تضعیف دیکتاتوری پرولتاریا در کل و آسیب پذیری آن انجامیده است.

بعدها انقلاب سوسیالیستی در لهستان، حزب متحده کارگری لهستان، تا سال ۱۹۵۶ با تکیه بر کارگران و دهقانان زحمتکش لهستان یک انقلاب اجتماعی بنیادین را رهبری نمود، که در جریان آن طبقات سرمایه‌دار و فئودال از بین رفتند بخش دولتی در صنعت غلبه یافت و اصلاحات ارضی رادیکال علیه رزم مقاومت سرسختانه ملاکین و دهقانان مرفه و تحریکات کلیسای کاتولیک خاتمه یافت و ۲۰٪ زمین‌های زیرکشت در مزارع تعاونی و دولتی سازماندهی شدند. در سال ۱۹۵۶، به دنبال اعتصابات محدود کارگری، ولادیسلاو گومولکا رهبری حزب را به دست گرفت. گومولکا، که در جریان جنگ ضدفاشیستی شهرت یافته بود در دوره پس از کسب قدرت توسط کمونیست‌ها، مدتی به خاطر انحرافات ناسیونالیستی و تیتویستی خود از حزب اخراج گردید. وی سپس به خاطر مقابله با تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا در کشور بازداشت و به حبس محکوم شد و در سال ۱۹۵۳ از زندان آزاد گردید.

گومولکا که گرایش ضدشوروی نسبتاً مشهودی داشت از همان آغاز خود را به عنوان کمونیست لهستانی معرفی می‌کرد و هم او بود که اصطلاح "راه مستقل لهستان به سوی سوسیالیسم" را رواج داد. اما هم‌چنانکه در مقایسه وضع کشاورزی لهستان با کشاورزی سایر کشورهای سوسیالیستی نشان دادیم این "راه مستقل" چیزی جز عدول از قوانین عام ساختمان سوسیالیسم و تجربه جهانشمول ساختمان سوسیالیسم نبود. تحت رهبری گومولکا، حزب متحده کارگری لهستان، به جای آنکه مبارزه طبقاتی جاری برای تعاونی کردن کشاورزی را با قاطعیت به پیش برد و از این طریق هم شالوده اقتصادی سوسیالیسم را، چه در کشاورزی و چه در صنعت، تحکیم بخشد و هم شالوده اجتماعی دیکتاتوری پرولتاریا را تثبیت کند به عدول از مبارزه طبقاتی توسل جست. حتی تا حد معینی پیشرفت‌های بدست آمده در سالهای گذشته را به عقب برگرداند یعنی ۸۵۰۰ مزرعه از ۱۱/۵۰۰ مزرعه تعاونی دوباره قطعه‌قطعه شدند و به کشاورزان منفرد سپرده شدند. بقیه در صفحه ۱۲

عرصه توزیع، می‌گاهد. در لهستان طبقه سرمایه‌دار و طبقه فئودال وجود ندارد. بنگاه‌ها و کارخانجات دولتی قابل خرید و فروش و انتقال از طریق وراثت نیستند. بلکه ثروت اجتماعی محسوب می‌شوند. هرچند که ممکن است مواردی از نقص این امر مشاهده شود، اما این امر، برخلاف کشورهای سرمایه‌داری، به هیچ وجه قاعده نیست بلکه استثناست و عاملین چنین امری به وسائل غیرقانونی متوسل می‌شوند. با این همه در لهستان قشر وسیعی از خرده‌مالکان، خرده‌سرمایه‌داران وجود دارد که عمدتاً در حوزه کشاورزی به کار مشغولند و این در واقع پاشنه آشیل اقتصادی لهستان است.

در لهستان بحران به مفهوم سرمایه‌دارانه آن و بی‌کاری وجود ندارد. بعلاوه هم چنانکه در قسمت اول "از رویدادهای لهستان چه درسی باید گرفت؟" آمده است مردم لهستان چنان از حقوق اجتماعی برخوردارند که با هیچ کشور سرمایه‌داری قابل مقایسه نیست. برخورداری لهستانی‌ها از آموزش و بهداشت رایگان، مسکن همگانی ارزان و مناسب که در ازای ۵٪ درآمد تاهمین می‌شود تنها نمونه‌هایی از آنست.

باتکیه بر این دو محور اصلی، ما به بررسی جوانب و علل عینی بحران لهستان پرداختیم ولی با استناد به علل عینی، به توجیه و اجتناب ناپذیری بحران نرسیدیم بلکه با مقایسه اوضاع لهستان با اقتصاد سایر کشورهای سوسیالیستی، استثنائی بودن اوضاع لهستان را نشان دادیم و خاطر نشان ساختیم که بحران لهستان بحرانی خلق‌الساعه و یا عیناً "اجتناب ناپذیر نیست بلکه نتیجه سیاست‌های نادرست حزب متحده کارگری لهستان و دولت لهستان است و تنها راه حل بحران را تبعیت از اصول عام مارکسیسم - لنینیسم و تجربه عام ساختمان سوسیالیسم در جهان دانستیم و بالاخره با بررسی شیوه و سمت عمل کارگران اعتصابی، اقدام آنها را عفا می‌نماید سوسیالیسم ارزیابی کردیم.

در آن زمان به علت در اختیار نبودن تحلیل روشن از حزب متحده کارگری لهستان و محدود بودن شناخت ما به تاریخچه عمومی حزب و اسناد چند کنگره و پلنوم آن ارزیابی دقیق سیاست‌های مشخص این حزب و دولت لهستان امکان ناپذیر بود. بدین خاطر تحلیل حاضر اساساً این زمینه را تکمیل می‌کند و سپس به تحولات بعدی اوضاع می‌پردازد.

## عام و خاص

### در ساختمان سوسیالیسم

مارکسیسم - لنینیسم، قوانین عام و ضروری ساختمان سوسیالیسم در همه کشورها را چنین جمع بندی می‌کند: رهبری همه زحمتکشان از طرف طبقه کارگر و پیشاهنگ انقلابی آن حزب مارکسیست - لنینیست، در انجام انقلاب پرولتری به این یا آن شکل و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا در شکلی از اشکال آن، اتحاد طبقه کارگر با اکثریت دهقانان و سایر اقشار زحمتکش، الغای مالکیت سرمایه‌داری و استقرار مالکیت اجتماعی بر وسائل عمده تولید، سازماندهی سوسیالیستی کشاورزی رشد طبق برنامه اقتصادی ملی با هدف ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم و ارتقاء سطح زندگی مردم، انجام انقلاب سوسیالیستی در ایدئولوژی و فرهنگ و تربیت روشنفکران وفادار به آرمان سوسیالیسم، محو ستم ملی و استقرار برابری بین ملت‌ها، دفاع از دست‌آوردهای سوسیالیسم در مقابل دشمنان خارجی و داخلی همبستگی طبقه

در ماه‌های اوت و سپتامبر سال ۱۹۸۰ موج اعتصاب تعدادی از کارخانه و بنگاه‌های صنعتی لهستان را فرا گرفت و برای مدتی لهستان در مرکز توجه سیاست جهانی قرار گرفت.

در آن زمان، سازمان ما تحلیلی از رویدادهای لهستان انتشار داد. ارائه این تحلیل همه نیروهای کمونیست و کارگران آگاه را به دیدی درست و علمی از اوضاع لهستان مجهز می‌کرد و بدین طریق آنها را برای مقابله با جعلیات امپریالیستی، بورژوازی و خرده‌بورژوازی درباره سوسیالیسم آماده می‌ساخت. اقدام سازمان ما خدمت ارزشمندی به آرمان سوسیالیسم و گسترش نفوذ آن در بین مبارزین راه رهایی میهن مان از یوغ امپریالیسم بشمار می‌رفت و در عین حال احساس مسئولیت جدی و عمیق سازمان ما را در دفاع انترناسیونالیستی از امر سوسیالیسم نشان می‌داد.

این تحلیل، هرچند که حدود شش ماه از ارائه آن می‌گذرد، هنوز نیز جامع ترین تحلیل ارائه شده از طرف کمونیست‌های ایران است. با این همه، با توجه به اینکه اولاً: اوضاع لهستان از آن زمان به بعد حادث شده، بحران، دامنه وسیع تری گرفته و عملاً به ایجاد قدرت دوگانه در کشور انجامیده است و ثانیاً: بررسی‌ها و تحلیل‌های ارائه شده از طرف احزاب کمونیست کشورهای مختلف و مقدم به همه حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب متحده کارگری لهستان بسیاری از جوانب و علل عینی و ذهنی بحران را روشن ساخته است، ادامه و تکمیل آن ارزیابی سیرفعلی و آتی جریانات لهستان در پرتو تحلیلی علمی، امری ضروری است.

با این همه لازم است ابتدا محورهای عمده تحلیل قبلی را که بدون در نظر گرفتن آنها ارائه تصویری راستین از رویدادهای لهستان غیر ممکن است خاطر نشان کنیم. ما تحلیل خود را از این حقیقت انکار ناپذیر آغاز کردیم که در عرصه سیاست بی‌طرفی معنا ندارد، بی‌تفاوتی مترادف با بی‌طرفی نیست، بلکه بر جانبداری انفعالی و سکوت آمیز از یکی از طرفین درگیر مبارزه دلالت می‌کند. براین اساس در جهان امروز، هیچ نیروی غیرمغز تمایلات ذهنی خود نمی‌تواند خود را از مبارزه بین دو نظام اجتماعی اساساً متضاد برکنار نگهدارد و در هر مورد مشخصی هر نیروی، خواه ناخواه، به طور عینی در جبهه انقلاب جهانی یا ضدانقلاب جهانی، در جبهه سرمایه‌داری جهانی یا سوسیالیسم جهانی قرار می‌گیرد. براین مبنا بود که ما با رد حکم ساده‌دلانه "هرکس گوشت می‌خواهد باید اعتصاب کند" استنحاج نمودیم که این گفته کارگران اعتصابی لهستان که "ما کار خود را می‌کنیم و کاری به کار دیگران نداریم" در بهترین حالت به معنای فداکردن منافع آتی، اساسی و دراز مدت طبقه کارگر در قبال منافع آتی، غیر اساسی و کوتاه مدت آن و به مفهوم بی‌روی از ناسیونالیسم خودبینانه به جای تبعیت از انترناسیونالیسم پرولتری است.

دومین ستون استوار تحلیل ما این حقیقت مشخص بود که لهستان یک کشور سوسیالیستی است. ما بر پایه ارائه تصویری از لهستان از آغاز قرن بیستم به بعد و انقلاب لهستان و ساختمان سوسیالیسم در آن کشور نشان دادیم که ۹۹/۵٪ و علیه رزم ضعف‌های مدیریت، اقتصاد لهستان، اقتصادی متمرکز است که طبق نقشه واحد اداره می‌شود و کنترل دولت سوسیالیستی بر امر تولید، توزیع و قیمت گذاری کالاها از تأثیر مخرب بقایای قابل ملاحظه تولید خرد، چه در عرصه کشاورزی و چه در

بقیه از صفحه ۱۱

# لهستان

علاوه بر این تعدادی از مراکز تجهیزات کشاورزی دولتی منحل شدند. این اقدامات برشالوده تئوریک درکی مکانیکی از سازماندهی سوسیالیستی کشاورزی استوار بود که بر اساس آن گویا کشاورزی خرد با رشد بخش سوسیالیستی صنعت و مکانیزه شدن کشاورزی بخودی خود از بین خواهد رفت.

با درپیش گرفتن این سیاست، حزب کمونیست لهستان خطر تولید و توزیع خرد پس از انقلاب سوسیالیستی را نادیده گرفت. خطری که لنین درباره آن چنین می‌گوید:

"یا ما این خرده‌بورژوا را تابع کنترل و حساب خود خواهیم نمود (و این کار در صورتی از دست ما ساخته است که تهیدستان یعنی اکثریت اهالی یا نیمه پرولترها را در پیرامون پیشاهنگ پرولتری آگاه متشکل سازیم) و یا اینکه او ناگزیر و حتما حکومت کارگری ما را منقرض خواهد ساخت... مطلب بدین قرار و فقط بدین قرار است"

حاصل پیشبرد این سیاست چه بود؟ پیشبرد این سیاست باعث گردید که بجای آنکه با پیشرفت جامعه روز به روز شالوده اجتماعی دولت دیکتاتوری پرولناریا یعنی اتحاد کارگران و دهقانان مستحکم‌تر شود و زمینه رشد نیروهای بورژوازی، نیروهای ضد سوسیالیستی محدود و محدودتر گردد و بر این اساس تجدید سازمان سوسیالیستی کشاورزی و کل اقتصاد به پیش رود، آری به جای همه اینها این اتحاد مداوم سست‌تر گردیده است و در حال حاضر به صورت تضاد آشکار خودنمایی می‌کند. علاوه بر این، ادامه سلطه تولید خرد بر کشاورزی، به پیدایش عناصر و افشار مخالف سوسیالیسم و طرفدار اقتصاد "آزاد" سرمایه‌داری از میان تولیدکنندگان و توزیع کنندگان خرد و تقویت زمینه رشد نیروهای ضد سوسیالیستی انجامیده است. عدم برخورد قاطع با نیروهای ضد انقلابی نیز مقابلا بر روند مذکور تاثیر گذاشته است. البته، باید خاطر نشان نمود که این مسائل را نمی‌توان با سوء نیت یا حسن نیت این یا آن فرد توضیح داد، چرا که اصولا توضیح مسائل سیاسی با تمایل افراد غیر ممکن است. هیچکدام از رهبران حزب کمونیست لهستان خواهان احیای سرمایه‌داری در لهستان یا حتی تقویت زمینه رشد عناصر سرمایه‌داری نبوده‌اند. ولی دیدگاه ایدئولوژیک آنها و پیاده شدن این دیدگاه در سیاست بطور عینی به تقویت چنین زمینه‌ای انجامیده است.

همچنین حزب متحد کارگری لهستان در برخورد با کلیسای کاتولیک که دهقانان و کل مردم را به مقابله با دولت سوسیالیستی و برنامه‌های آن برمی‌انگیخت و در مقایسه با سوسیالیسم یک ایدئولوژی ارنجایی را روح می‌داد، به حل مصنوعی مسئله اقدام نمود یعنی در واقع مساله را حل ننمود. حزب با کلیسای کاتولیک توافق نمود که در ازای حمایت اسمی از کلیسا از دولت سوسیالیستی، پیشبرد قاطعانه انقلاب سوسیالیستی در زمینه ایدئولوژی را کندتر سازد و این در حالی بود که کلیسای کاتولیک بطور مرتب به تاسیسات و فعالیت خود می‌افزود و حتی در این امر از دولت لهستان نیز کمک می‌گرفت. ترک مبارزه طبقاتی در عرصه کشاورزی و تفویض امتیازات غیر اصولی به کلیسای کاتولیک، به خودی خود بدان معنا بود که حزب متحد کارگری لهستان و دولت سوسیالیستی لهستان جلو روند نیروهای ضد سوسیالیستی را سد نمی‌کرد و منافع ضویل‌المدت و اساسی طبقه کارگر را فدای منافع آتی، ظاهری و گذرای آن می‌نمود. رویدادهای فعلی لهستان نیز سود این امرند که این اقدامات به هیچ‌وجه به نفع سوسیالیسم نبوده‌اند. با این همه اقتصاد لهستان حتی در دوره گومولکا نیز از رشد سریعی برخوردار بود. کافی است خاطر نشان کنیم که درآمد ملی لهستان از سال ۱۹۳۸ تا سال ۱۹۷۰ به میزان ۵۴۱٪ افزایش یافت. این رقم، در صورتی که دولت لهستان با مشکلات اقتصادی ناشی از ادامه سلطت تولید خرد کشاورزی روبرو نمی‌بود، بازهم بیشتر می‌شد. دولت لهستان از یک طرف مجبور بوده است قیمت مواد غذایی را برای کارگران پائین بگذارد و از طرف دیگر به تقاضای دهقانان منفرد لهستان برای افزایش قیمت این مواد پاسخ گوید. این تضاد می‌توانست با حرکت در جهت تعاونی کردن

کشاورزی به تدریج و به نحوی اصولی حل شود. اما دولت لهستان از آنجا که چنین راهی برنگزید مجبور شد همواره از طریق کمک هزینه و پرداخت مابه‌التفاوت دهقانان منفرد را راضی نگاه دارد. در حالی که وجه پرداخت شده از طرف کارگران برای فروش کالاهای کشاورزی از سال ۱۹۶۸ به بعد ثابت مانده است، وجه دریافتی برای همین کالاهای ۴۰٪ افزایش یافته است و این کمک هزینه عظیم را دولت لهستان می‌پردازد. تاثیر مخرب این امر بر اقتصاد لهستان هنگامی برجسته‌تر می‌شود که یادآوری کنیم که اصولا مازاد درآمد کشاورزی یک کشور سوسیالیستی یکی از مهمترین منابع تامین وجوه لازم برای رشد بخش صنعت است ولی چنانکه دیدیم در مورد لهستان بخش کشاورزی نه تنها به رشد بخش صنعتی کمک نکرده، بلکه به میزان قابل ملاحظه‌ای از رشد آن کاسته است.

بر همین اساس بود که گومولکا در سال ۱۹۷۰ به خاطر عدم کفایت در سازماندهی تولید از رهبری حزب برکنار گردید و ادوارد گریک جایگزین وی شد. در دوره رهبری ادوارد گریک نیز، همچنان بر "راه مستقل لهستان به سوی سوسیالیسم" تاکید شد و بر مبنای همین دیدگاه تجربه عام ساختمان سوسیالیسم نادیده گرفته شد. تحت رهبری گریک دولت لهستان برای تکمیل کسری هزینه لازم برای رشد بخش صنعتی، ساده‌ترین بی‌دردسرتی و ولی از لحاظ منافع آتی سوسیالیسم خطرناکترین راه حل مساله را در پیش گرفت. بخش کشاورزی اقتصاد همچنان تحت سلطه تولید خرد باقی ماند به علاوه ۱۰۰ هزار فروشگاه کوچک به صاحبانشان برگردانده شد و این فروشگاهها با استفاده از مکانیسم‌های توزیع خرد و بدون برنامه، کاهش نقش فروشگاههای دولتی را به دنبال خود آوردند و بالاخره برای تامین هزینه از کشورهای امپریالیستی قرض گرفته شد. این حرکت چنان پرشتاب بود که در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ مجموعا دیون خارجی لهستان از ۷۴۰ میلیون دلار به ۱۰ میلیارد دلار رسید. شرکت‌های امپریالیستی طرف معامله دولت لهستان، از این فروش برای رخنه در اقتصاد لهستان و تاثیر در سیاست‌های اقتصادی آن استفاده می‌کردند. به عنوان مثال، لهستان یک کارخانه تولید تلویزیون رنگی با ظرفیت ۱۰۰ هزار دستگاه در سال از ایالات متحده آمریکا وارد ساخت. پس از تحویل و نصب کارخانه آشکار شد که هیچ تلویزیونی نمی‌تواند بدون وارد ساختن قطعات معینی که هر یک ۲۰۰ دلار بود کار کند بدین ترتیب کارخانه مجبور شد برای ادامه کار خود سالانه ۲۰ میلیون دلار بپردازد.

رویدادهای لهستان یکبار دیگر نشان می‌دهد که کم‌بها دادن به تئوری و قوانین عام مارکسیسم لنینیسم، هرچند بطور موقت و ظاهری موفقیت‌هایی برای طبقه کارگر و سوسیالیسم داشته باشد، در نهایت به آرمان سوسیالیسم و امر حیاتی طبقه کارگر آسیب می‌رساند و حزب کمونیست را از قاطعیت شایسته آن واز دورنمای روشن محروم می‌سازد و به تعیین سیاست از گامی به گام دیگر می‌انجامد.

در این مدت به نظرات نیروهایی از درون حزب متحده کارگری لهستان و همچنین حزب کمونیست اتحاد شوروی نسبت به پدیده‌های منفی در زندگی لهستان و درباره عواقب سیاست‌های اقتصادی آن توجهی مبذول نشد. از جمله در جریان کنگره هشتم حزب در فوریه سال ۱۹۸۰ دو دیدگاه درباره اوضاع اقتصادی وجود داشت: دیدگاه اول بر ادامه و پیشبرد سرمایه‌گذاری و توسعه صادرات به غرب و بطور کلی بر ادامه روال قبلی پای می‌فشرد و دیدگاه دوم خواستار عدم ادامه سرمایه‌گذاری به روال سابق بود و بر اولویت دادن به طرح‌هایی که بازده سریع داشته باشند و بهبود شرایط زندگی و توجه به بازار داخلی و اصلاح کاستی‌ها و کاهش واردات تاکید داشت. دیدگاه دوم مورد توجه قرار گرفت. بر چنین زمینه‌ای بود که چند ماه پس از پایان کار کنگره اعتصابات کارگری در لهستان آغاز شد. رویدادهای لهستان یک بار دیگر نشان می‌دهد که کم‌بها دادن به تئوری و قوانین عام مارکسیسم لنینیسم، هرچند بطور موقت و ظاهری موفقیت‌هایی برای طبقه کارگر و سوسیالیسم داشته باشد، در نهایت به آرمان سوسیالیسم و امر حیاتی طبقه کارگر آسیب می‌رساند و حزب کمونیست را از قاطعیت شایسته آن واز

دورنمای روشن محروم می‌سازد و به تعیین سیاست از گامی به گام دیگر می‌انجامد.

## اتحادیه «همبستگی»

### چه نوع جامعه‌ای می‌خواهد؟

ما در تحلیل " شیوه عمل کارگران اعتصابی و سمت آن " (کار شماره ۸۹) خاطر نشان ساختیم که " هرگاه تمام شرایط مشخص جهانی را ندیده بگیریم و شیوه عمل کارگران را مجردا تمام شرایط مشخص در نظر بگیریم، شاید این شیوه عمل صحیح به نظر آید " و اضافه نمودیم:

"اما چنین شیوه‌ای در برخورد به مسائل، شایسته کارگر آگاه به منافع طبقاتی خود نیست". با شروع از این نقطه، ما حرکت " اتحادیه همبستگی " و " استقلال طلبی " آن در مقابل حزب متحده کارگری لهستان و دولت لهستان را مورد بررسی قرار دادیم و نتیجه گرفتیم که اتحادیه " همبستگی " چه در سطح جهانی و چه در سطح داخلی نادر صف نیروهای مدافع سوسیالیسم، بلکه در صف نیروهای مخالف آن قرار می‌گیرد. این امر که نیروهای بسیج شده از طرف این اتحادیه، از جمله کارگران را هم دربر می‌گیرد و یا بعضی از خواست‌های کارگران محقانه است تاثیر در این ارزیابی نمی‌گذارد.

امروزه با گذشت زمان و تحولات بعدی در لهستان مسائل بسیار واضحتر گشته است. اخیرا سازمانی موسوم به " مرکز تحقیقات اجتماعی و صنعتی " که از طرف اتحادیه " همبستگی " تشکیل شده است، سندی را انتشار داد. این سند که " جهات اصلی فعالیت اتحادیه همبستگی در شرایط کنونی کشور " ( تزهایی برای مباحثه ) نام دارد، در واقع کار پایه سیاسی اتحادیه " همبستگی " است.

اتحادیه " همبستگی " که در آغاز فعالیت خود بطور مستمر بر " استقلال " خود تاکید می‌نمود. امروز بطور آشکار منظور خود را از این واژه آشکار ساخته است. امروزه، معلوم شده است که اتحادیه " همبستگی " نه خواهان استقلال سازمانی از حزب کمونیست و دولت سوسیالیستی در عین همسویی با آنها بلکه خواهان استقلال طبقاتی از حزب و دولت است. و این خواست هم از نظر تئوریک و هم از لحاظ اوضاع کنونی لهستان. خواستی ارتجاعی است. چنین خواستی در شرایط سوسیالیسم تنها مطالبه‌ای آنارکو- سدیکالیستی نیست بلکه بالاتر از آن مطالبه‌ای آشکارا ضد سوسیالیستی است در همین جا باید توجه داشت که مبارزه برای اتحادیه مستقل از دولت سرمایه‌داری در جوامع مبتنی بر استثمار مبارزه‌ای برحق و اصولی است ولی حتی در شرایط جامعه سرمایه‌داری نیز تقاضای استقلال طبقاتی از حزب طبقه کارگر بدان معناست که خواهان آن شویم که مبارزه در چارچوب بورژوازی محدود شود و منافع آتی طبقه کارگر را بر منافع آتی آن مقدم بدانیم.

سند منتشره از طرف اتحادیه " همبستگی " در واقع تزهایی است که برای مقابله با تزهایی صادره از طرف کمیته مرکزی حزب متحده کارگری لهستان به مناسبت کنگره فوق‌العاده نهم حزب ارائه شده است. سند منتشره از سوی اتحادیه " همبستگی " با این عبارت شروع می‌شود که:

" همبستگی " یک نیروی اجتماعی بزرگ است که از " به دست گرفتن مسئولیت سرنوشت مردم و کشور کوتاهی نمی‌کند ".

طبق این سند اتحادیه " همبستگی " از لحاظ سیاسی ادعای رهبری جامعه را دارد و خواهان آن است که حزب دولت و قدرت‌های مرکزی و محلی اداری و قضایی تابع آن باشند. سند هیچ اشاره‌ای به دستاوردهای مردم لهستان تحت رهبری حزب کمونیست و دولت لهستان نمی‌کند تا بدین طریق زمینه را برای نفی نقش رهبری حزب و دولت لهستان در جامعه آماده کند، نویسندگان سند معتقدند که بدون انکار این نقش قبولاندن این امر به مردم که حل بحران حاضر به گسست با تجربه ۳۶ سال گذشته و بازگشت به " روحیه ملی لهستان " نیاز دارد، بسیار مشکل خواهد بود. سند هیچ ذکری از اجزاء سیستم سیاسی لهستان یعنی احزاب خلقی آن، سازمان‌های عمومی و دولتی آن به میان نمی‌آورد. و به جای دمکراسی سوسیالیستی و تحکیم آن از " دمکراسی کامل " دفاع کرده و اعلام می‌کند که رفم اقتصادی در لهستان، هرگاه با رفم عمیق در سیستم قدرت اجرایی همراه و همزمان نباشد، به نتایج اجتماعی - اقتصادی مطلوب نخواهد رسید.



بقیه از صفحه ۱۲

# لهستان

کار پایه سیاسی "همبستگی" از لحاظ اقتصادی به هیچ وجه از تجدید سازمان سوسیالیستی کشاورزی کاهش واقعی اتحادیه "همبستگی" رابه عهده دارند. مطبوعات لهستان اطلاع می دهند که متن "جبهات اصلی فعالیت اتحادیه همبستگی در شرایط کنونی کشور" توسط عده ای از کارشناسان که شامل بسیاری از نمایندگان سازمان "کر" می شود، تهیه شده است. در حال حاضر اتحادیه "همبستگی" فعالیت خود را در هماهنگی با متحدین خارجی خود که از سازمان ها و احزاب مائوئیستی و سوسیال دمکرات تا دولت های امپریالیستی و ارتجاعی را دربر می گیرد به پیش می برد. حتی دولت های امپریالیستی سیاست خود در قبال به اصطلاح "کمکشان" به لهستان را بر مبنای برخورد حزب کمونیست و دولت لهستان به نیروهای ضد سوسیالیستی و از جمله اتحادیه "همبستگی" تنظیم می کنند. نشریه "لیتراتورنایا گازتا" هماهنگی نیروهای ضد سوسیالیستی در داخل لهستان با متحدین خود در خارج را چنین توضیح می دهد:

"شواهد نشان می دهد که نیروهای ضد سوسیالیستی در داخل و خارج لهستان استراتژی واحدی را به پیش می برند: هرچه اوضاع وخیم تر باشد، بهتر است. آتنهایی که خطر افراطی مخالف را از خارج مورد پشتیبانی قرار و از دیون لهستان به مثابه اهرم فشار استفاده می کنند، مسئله را اینطور طرح می کنند: به ضد انقلاب کاری نداشته باشید و اعتبار و کمک بگیرید. در واقع منظور ریگان نیز هنگامی که به دولت لهستان هشدار داد که نباید به هیچ "اقدام قاطعی" در رابطه با اوضاع خطرناک موجود در کشور دست بزند همین بود"

میزان سرمایه گذاری شرکت های امپریالیستی و دیگر تدابیری که بطور واقعی در حل بحران می تواند موثر باشد سخنی به میان نمی آورد بلکه برعکس، خواهان آن است که اقتصاد لهستان بر اساس قواعد اقتصاد سرمایه داری از قبیل: "آزادی رقابت" لغو کنترل دولتی بر بازار، "رقابت بین اشکال گوناگون مالکیت و تشویق بخش خصوصی در کشاورزی به زیان بخش تعاونی و دولتی، سازمان یابد. سند منتشره خواهان آن است که اقتصاد متمرکز و با برنامه سوسیالیستی ترک شود و شالوده اقتصاد بر مبنای بازار استوار گردد. نویسندگان این ترزا پنهان نمی کنند که اجرای این برنامه به ناچار به "تجزیه اجتماعی وسیع تر" و پیدایش بیکاری منجر خواهد شد و اعلام داشته اند که اقتصاد مطلوبشان، اقتصادی از نوع اقتصاد فرانسه یا آلمان غربی است.

و بالاخره از لحاظ ایدئولوژیک نویسندگان "ترزایی برای مباحثه" در پوششی از عبارت پردازی های شبه دمکراتیک و بلند پروازانه نظراتی را طرح نموده اند که اساسا با ایدئولوژی طبقه کارگر بیگانه است. آنها به جای ایدئولوژی روشن و کاملا جانبدار طبقه کارگر از "ایدئولوژی فوق طبقاتی" دفاع می کنند. بر طبق ادعای سند مذکور این ایدئولوژی باید از ترکیب "بهترین سنت های مردم، اصول اخلاقی مسیحیت، دمکراسی سیاسی و اندیشه اجتماعی سوسیالیستی" بوجود آید.

آنچنانکه از مواضع ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی ارائه شده در "ترزا" برمی آید، اتحادیه "همبستگی" بصورت سخنگوی تمام نیروهای بدل شده است که خواهان تخریب بنیادهای سوسیالیسم و احیای سرمایه داری در لهستان هستند. از جمله این نیروها می توان سازمان ضد انقلابی موسوم به "کمیته دفاعی کارگران" ("کر") "کنفدراسیون لهستان مستقل" و کلیسای کاتولیک لهستان را نام برد. این نیروها رهبری

## آینده سوسیالیسم در لهستان

چنانکه آمد در حال حاضر مواضع اتحادیه "همبستگی" دیگر در لافه مبارزه در راه حقوق صنفی ضمن قبول رهبری حزب کمونیست و دولت لهستان پوشانده نشده است. اتحادیه "همبستگی" در کار پایه سیاسی خود بطور آشکار خود را تنها نیروی دانسته است که قادر به حل بحران فعلی لهستان است و در ضمن برای اداره کشور برنامه ای ارائه داده است که نه تنها وجه اشتراکی با سوسیالیسم ندارد بلکه به طور آشکار و همه جانبه در

مقابل آن قرار دارد. همبستگی در حال حاضر نیروهای داخلی و خارجی خواهان نابودی سوسیالیسم در لهستان را نمایندگی می کند و این مسئله منافع بختی از نیروهای تحت رهبری "همبستگی" اساسا با این هدف در تقابل است تنها تاکتیک برخورد با آنرا تغییر می دهد و نه اصل این نتیجه را. در طرف دیگر جبهه احزاب متحده کارگری لهستان و دولت لهستان قرار دارند که علیرغم انحرافات آشکار و حدی ایدئولوژیک و سیاسی، تنها نیروی متشکل مدافع سوسیالیسم در لهستان است و این نقش نه به طور ادعائی یا اهدائی بلکه در جریان تاریخ لهستان و رهبری مبارزه طبقه کارگر و مردم آن به دست آورده است و درست به همین خاطر است که مورد پشتیبانی همه نیروهای کمونیست و از جمله کشورهای سوسیالیستی است. اما هم جبهه بودن با یک نیرو در مقابل جبهه های دیگر به هیچ وجه به معنی صحنه گذاشتن بر تمام مواضع و سیاست های آن نیرو نیست. اصولا چنین حمایتی از آنجا که به ارتقاء نیروهای هم جبهه خود و در نتیجه تقویت راستین جبهه های که خود را متعلق بدان می داند اهمیتی قائل نمی شود. حمایتی انفعالی و مکانیکی است.

بر این اساس، بانوجه به ضرورت تحکیم رهبری حزب برای حل بحران و خاتمه دادن به قدرت دوگانه موجود در لهستان به نفع سوسیالیسم، حل واقعی بحران به نفع طبقه کار و سایر زحمتکشان این کشور، تنها بر عهده حزب متحده، کارگری لهستان است و خود این کار بدون تأمین استواری ایدئولوژیک، تشکیلاتی و سیاسی حزب امکان پذیر نیست.

روزنامه "رابوتنچیچسکودلو" ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان در این مورد می نویسد:

"اوضاعی که در لهستان به وجود آمده است قبل از هر چیز مستلزم اقدامات قاطعانه برای تقویت حزب متحده کارگری لهستان و برای تقویت روابط آن با توده هاست. تاریخ موارد زیادی را می شناسد که در موقعیت های بحرانی در جامعه یا حزب، کمونیست ها صفوف خود را

سازمان ما نیز به سهم خود پشتیبانی قاطع خود را از مضمون نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به کمیته مرکزی حزب متحده کارگری لهستان اعلام می دارد و مطمئن است که کمونیست های لهستان با تحکیم صفوف خود و تقویت و تثبیت خصلت مارکسیستی - لنینیستی حزب خود می توانند بر این بحران فائق آیند و تمام نیروهای ضد انقلابی داخلی و خارجی را ناکام سازند.

خبرده کرده و کارائی رزمی حزب را بالا برده اند و به این طریق حزب از بحران، پیروزمند بیرون آمده است. اما هرگاه حزب عقب نشینی از مواضع مارکسیستی - لنینیستی و از قوانین مبارزه طبقاتی را آغاز کند، به طور اجتناب ناپذیری خود را از لحاظ ایدئولوژیک و سازمانی خلع سلاح می کند، جریانات خرده بورژوازی بر آن غلبه می کنند و در نتیجه حزب نقش رهبری خود را از دست می دهد.

تعدادی از سازمان های حزبی اخیرا "نگرانی خود را از تشتت ایدئولوژیک، که در بسیاری جاها به وجود آمده است، و از فقدان تحلیل مارکسیستی عمیق ابراز داشته اند. تمام این عوامل توان رزمی سازمان های حزبی را کاهش می دهد. به ویژه گرایشات انشعاب طلبانه و انحلال طلبانه، که تظاهراتی از روی یونیسم راست و فراکسیونیم پدید آمده در حزب هستند، خطرناکند. علاوه بر این، نیروهای ضد سوسیالیستی نیز در تلاشند کادرهای وفادار و مؤمن به آرمان سوسیالیسم را بی اعتبار کنند. چیزی غیر قابل پذیرش اتفاق می افتد: رهبران "همبستگی" تصمیم می گیرند که با چه کسانی "می توانند کار کنند" و چه کسانی باید برکنار شوند. دشمنان سوسیالیسم این امید خود را پنهان نمی کنند که گنگره آینده حزب متحده کارگری لهستان چنان اصلاحاتی در اساسنامه حزب به وجود بیاورد که این حزب را به یک حزب رفرمیست تبدیل کند. اما کمونیست های راستین لهستان برای تحکیم صفوف حزب، برای تقویت خصلت مارکسیستی لنینیستی حزب مبارزه می کنند.

در رابطه با وجود چنین جریاناتی در حزب است که

این سخنان استانیسلاو کانیا در پنوم نهم کمیته مرکزی "حزب متحده کارگری لهستان" مفهوم پیدا می کند: "به این دلیل باید در قبال این مسائل موضع قاطعی اتخاذ شود:

- تلاش هایی که برای متزلزل نمودن سانترالیسم دمکراتیک، این اصل اساسی حزب مارکسیست - لنینیست و برای سست تر کردن انضباط حزبی به عمل می آید.

- ترزایی که از چندگونگی ایدئولوژیک حمایت می کنند و هم چنین ساختار حزبی تثبیت شده در اساسنامه حزب را مورد حمله قرار می دهند.

- مواضع ارتجاعی که تحولات ضروری را به عقب می اندازند، اعتبار حزب را کاهش می دهند و ماهیت راستین آنرا تحریف می کنند.

- دیدگاه ها و نظارتی که نقش رهبری حزب را انکار می کنند و نفوذ آنرا در زندگی اجتماعی - سیاسی کشور کاهش می دهند.

در عین حال حزب باید با هر نوع تلاشی برای تضعیف صفوف آن، یا هرگونه فعالیت انشعاب گرانه و فراکسیونی و تسلیم ایدئولوژیک مقابله کرده و قاطعانه از اصول سوسیالیسم دفاع نماید.

وی، هم چنین در نطق پایانی همین پنوم خاطر نشان ساخت:

"ما اجازه نمی دهیم که اصول بنیانی کارکرد حزب ما بر اساس خطوط سوسیال دمکراتیک تغییر یابد، زیرا چنین حزبی که قادر به ساختمان سوسیالیسم باشد، هرگز وجود نداشته است و چنین اصولی تنها می تواند مورد استفاده کسانی قرار گیرد که خواهان تخریب سوسیالیسم، خواهان تضعیف آن هستند. ضروری است که بر اهمیت عظیم کار ایدئولوژیک در حزب ما، بر نیاز به ترویج اصولی اساسی مارکسیسم - لنینیسم و شناخت تاریخ مبارزه حزبی ما تأکید شود. هم چنین این نکته مهم است که کار ایدئولوژیک ما از طریق مباحثه در باره پدیده های منفی و نظرات بیگانه، که به صورت موجی سراسر کشور، کارخانجات و نهادها را فرا گرفته است، انجام شود.

\*\*\*

در اجلاس اول پنوم ششم کمیته مرکزی حزب متحده کارگری لهستان، منعقد در سپتامبر ۱۹۸۵، پیشنهاد تشکیل کنگره فوق العاده نهم حزب مطرح شد. این پیشنهاد در اجلاس دوم همین پنوم مشخص تر و کامل تر شد و مورد حمایت وسیع حزب قرار گرفت. در همان پنوم کمیسیونی برای تدارک انعقاد کنگره فوق العاده نهم تشکیل شد. این کنگره که باید وضعیت موجود کشور را به طور کامل مورد ارزیابی قرار داده و وظایف حزب و دولت لهستان را در قبال جریانات جاری کشور تدوین و مشخص نماید، در ماه ژوئیه افتتاح خواهد شد.

اما رهبری جدید حزب متحده، کارگری لهستان نیز، علیرغم تحلیل های ارائه شده در پنوم های بعد از شروع بحران که همه از اوضاع بحرانی در درون حزب و در جامعه لهستان خبر می دهند تا کنون برای مقابله با این بحران ها به اقدامی اصولی و بنیادی دست نزده است، بلکه سیاستی را پیش برده است که می توان در آشتی طلبی با جریانات روی یونیستی و اپورتونیستی در درون حزب و گذشت های غیر اصولی در مقابل نیروهای ضد سوسیالیستی خلاصه کرد. با درک این وضعیت بسیار خطرناک بود که کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با احساس مسئولیت عظیم در قبال سرنوشت سوسیالیسم در لهستان، استقلال واقعی لهستان و در قبال روند انقلابی جهانی به مثابه یک کل اخیرا "نامه ای خطاب به کمیته مرکزی حزب متحده کارگری لهستان منتشر نمود. در این نامه، حزب کمونیست اتحاد شوروی صحن اظهار پشتیبانی خود از حزب متحده کارگری و دولت لهستان، در باره قدرت دوگانه، موجود در لهستان هشدار داده است و خواهان پایان دادن به گذشت های غیر اصولی و از دست دادن مواضع در مقابل نیروهای ضد سوسیالیست شده است و هم چنین از کمونیست های لهستان خواسته است که با تکیه بر مارکسیسم - لنینیسم بر اوضاع بحرانی در حزب خود فائق آیند. سازمان ما نیز، به سهم خود پشتیبانی قاطع خود را از مضمون نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به کمیته مرکزی حزب متحده کارگری لهستان اعلام می دارد و مطمئن است که کمونیست های لهستان با تحکیم صفوف خود و تقویت و تثبیت خصلت مارکسیستی - لنینیستی حزب خود می توانند بر این بحران فائق آیند و تمام نیروهای ضد انقلابی داخلی و خارجی را ناکام سازند.

دستاورد های  
انقلاب و  
سوسیالیسم



بمناسبت سالگرد انقلاب نیکاراگوئه

# انقلاب نیکاراگوئه و دستاوردهای آن



مردم قهرمان نیکاراگوئه پس از سالها مبارزه خونین تحت رهبری جبهه آزادیبخش ساندنیستها توانستند سرانجام در سال ۱۹۷۹ رژیم دیکتاتوری سوموزا دست نشانده آمریکا را در کشور خود سرنگون سازند. انقلاب رهایی بخش توده های نیکاراگوئه پس از پیروزی بر دیکتاتوری استبدادی سوموزا به مرحله جدیدی گام نهاد. با تشکیل دولت موقت انقلابی نیکاراگوئه برنامه ای جهت بازسازی ملی کشور ارائه شد. یک قانون اساسی مترقی توسط رهبران انقلاب تدوین گردید که حقوق توده های مردم نیکاراگوئه را به طور نسبتاً جامع احیا کرد.

انقلاب نیکاراگوئه در طی این دو سال علیرغم برخی از نارسائی ها، با قدرت، قاطعیت و با تکیه بر نیروی عظیم توده های خلق به پیش رفته و به دست آوردهای عظیمی نائل گشته است. ارزیابی روند دو ساله انقلاب نیکاراگوئه نشانگر آنست که رهبران ساندنیست عزم راسخ دارند تا به وابستگی های اقتصادی با امپریالیسم جهانی، که میراث شوم حکومت ننگین سوموزا است، پایان بخشند و به استقلال واقعی دست یابند.

## تعمیق انقلاب

پس از سقوط رژیم دیکتاتوری سوموزا، کارگران و زحمتکشان نیکاراگوئه تحت رهبری جبهه ساندنیست نتوانستند کنترل کامل خود را بر اقتصاد و دولت موقت اعمال نمایند. کابینه موقت بازسازی ملی که در ژوئیه ۱۹۷۹ تشکیل شده بود بر پایه ائتلاف با بخش هایی از بورژوازی نیکاراگوئه ایجاد شد. طبیعی است که این ائتلاف ساندنیستها با بخش هایی از بورژوازی به دلیل طبیعت خاص انقلاب نیکاراگوئه و چشم انداز بازسازی خسارات ناشی از جنگ مسلحانه و همچنین وضعیت منطقه و رابطه انقلاب با نیروهای سیاسی و اقتصادی کشور در آن مقطع صورت پذیرفت. شایان توجه است که در ماه های آخر قبل از پیروزی انقلاب بورژوازی نیکاراگوئه به چند بخش تقسیم شده بود. بخشی از بورژوازی فرار از کشور را بر قرار ترجیح داد، بخش دیگر آن از آمریکا طلب مداخله و سرکوب انقلاب را می نمود و بالاخره بخش لیبرال آن تا حدی با جبهه آزادیبخش ساندنیست همکاری کرده و کمک های مالی برای خرید تجهیزات در اختیار این جبهه قرار می داد.

امپریالیسم آمریکا از همان نخستین روزهای پیروزی انقلاب کوشید تا عناصری از وابستگان خود را در حکومت موقت نیکاراگوئه جای دهد و از هر فرصتی بهره گرفت تا مسیر انقلاب نیکاراگوئه را به بی راهه بکشاند. با گذشت زمان و تجربه ملموس و عینی رهبران انقلاب گام هایی برداشته شد که بسیاری از خطراتی که در کمین انقلاب نشسته بود برطرف شد و انقلاب تعمیق یافت. افتتاح شورای دولتی جدید نیکاراگوئه در ۴ ماه مه ۱۹۸۰ نقطه عطفی بود در جهت تعمیق انقلاب و تغییر توازن نیروها در حاکمیت

و یا خارجی عمل می نماید. علاوه بر این، پنج سازمان برجسته مردمی به نهادهای انقلابی کشور تبدیل شده اند که عبارتند از ۱- انجمن کارگران کشاورزی ۲- کنفدراسیون کارگران ساندنیست ۳- کمیته های دفاع از انقلاب ۴- انجمن زنان نیکاراگوئه ۵- سازمان جوانان ساندنیست.

دولت نیکاراگوئه در زمینه های اقتصادی نیز اقدامات مهمی انجام داده است. پس از صادره ثروت خانواده سوموزا، دارائی های ۱۵۴ مؤسسه صنعتی و تجاری نیز در کنترل دولت قرار گرفت، کلیه بانک های کشور ملی شد و تجارت برخی از صادرات اساسی کشور نظیر پنبه، قهوه، شکر و گوشت که قبلاً توسط تجار بزرگ صورت می پذیرفت در کنترل دولت قرار گرفت.

با ملی شدن تجارت خارجی بیش از دوسوم مبادلات خارجی کشور توسط دولت انجام می پذیرد. با کنار زدن لیبرالها از برخی پست های کلیدی اقتصاد کشور راه برای گسترش سریع تر انقلاب هموار شد.

با اجرای قانون اصلاحات ارضی زمین های خانواده سوموزا و مالکان بزرگ صادره شد و به صورت مزارع دولتی در اختیار دهقانان قرار گرفته است.

مالکیت دولت بر مؤسسات تولید در صنایع، معادن و کشاورزی و کنترل آن بر نظام بانکی و مالی کشور و نفوذ روز افزون آن در حوزه تجارت از مهم ترین عواملی است که دولت نیکاراگوئه را قادر ساخته است که تا اندازه ای بر ناپسانمانی های اقتصاد علیل کشور فائق آید.

یکی از درخشان ترین پیروزی های انقلاب نیکاراگوئه اجرای برنامه مبارزه با بی سوادی بود. شورای انقلابی حاکم بر نیکاراگوئه در این زمینه از تجربه سایر انقلاب های جهان بهره گرفت و از کوبای سوسیالیست یاری خواست. دولت کوبا بیش از ۲۰۰۰۰ نفر مشاور سوادآموزی خود را به نیکاراگوئه اعزام داشت. این معلمان کوبایی به همراه ده ها هزار جوان تحصیل کرده نیکاراگوئه ای به روستاها و مزارع و کارخانه های کشور رهسپار شدند و بر اساس برنامه های تدوین شده هر روز ۲ ساعت به آموزش سواد به بی سوادان پرداختند. در پایان این برنامه یکساله میزان بقیه در صفحه ۲۱

به سود ساندنیستها. بر طبق برنامه حکومت بازسازی ملی که ۱۰ روز قبل از سقوط سوموزا تدوین شده بود شورای دولتی از ۳۳ عضو تشکیل می شد که تقریباً نیمی از آن را نیروهای بورژوازی تشکیل می دادند. جبهه ساندنیست در آوریل سال ۱۹۸۰ تغییراتی در ترکیب کابینه و به سود منافع خلق ایجاد کرد. بدین گونه که ۱۴ نفر عضو جدید به اعضای شورای دولتی افزود که غالباً از سازمانها و نهادهای انقلابی و مردمی بودند این اقدام ترکیب نیروها را در حاکمیت نیکاراگوئه به سود نیروهای انقلابی و به زیان بورژوازی لیبرال تغییر داد. لیبرالها و سایر نمایندگان بورژوازی نیکاراگوئه بلافاصله عکس العمل های شدید نشان دادند.

"الفونسو دویل" که یکی از اعضای برجسته شورای اجرائی حکومت موقت بود به همراه یکی دیگر از دوستانش از پست های خود استعفا داده و شورای دولتی را یک "شورای توتالیتر" توصیف کردند. همچنین "جوفرانسیسکو کارونال" معاون شورای دولتی که در عین حال مدافع منافع تجار بزرگ بود از کشور گریخت و به آمریکا پناهنده شد. این افراد طبق معمول در نزد اربابان آمریکائی خود از "خطر مارکسیستها" اظهار نگرانی کرده و به چاره جویی پرداختند. کارونال در مصاحبه با خبرنگاران آمریکائی چنین گفت: "من از کشور خود گریختم تا حکومت نیکاراگوئه که تحت سلطه یک رژیم مارکسیست قرار گرفته است را محکوم کنم". به هر حال رهبران انقلاب نیکاراگوئه بدین طریق توانستند تا اندازه زیادی دست لیبرالها را از قدرت کوتاه ساخته و انقلاب را تعمیق بخشند.

## دست آوردهای انقلاب

پس از پیروزی انقلاب بلافاصله گارد سابق سوموزا منحل شد و از ترکیب واحدهای چریک جبهه آزادیبخش، ارتش خلق نیکاراگوئه تشکیل شد که ریاست ستاد عالی آن به عهده یکی از رهبران ساندنیست قرار گرفت. همچنین جبهه آزادیبخش دست به ایجاد یک میلیشیای خلق زد که از هزاران کارگر و دهقان تشکیل شده است. این میلیشیا دوشادوش ارتش نیکاراگوئه علیه هرگونه تهاجم مسلحانه داخلی



## تأسیس جبهه ملی میهنی در افغانستان

● چندی پیش واقعه مهمی در زندگی مردم افغانستان رخ داد . کنگره موسسان که در کابل برپا شده بود جبهه ملی میهنی را تأسیس نمود . نمایندگان شرکت کننده در کنگره که از اقشار مختلف اجتماعی بودند ، بر مسئله وحدت و یکپارچگی خلق افغانستان برای مقابله با تهاجم خارجی و نیروهای ضدانقلابی تأکید داشتند . یکی از شرکت کنندگان که یک روحانی افغانی است در کنگره سخنانی ایراد نمود ... او گفت :

می بینیم که ضدانقلابیون به آتش زدن مساجد و خراب کردن سیستم آبیاری و کشتار مردم می پردازند . پس براساس حکم قرآنی و وظایف ملی - اجتماعی ، وظیفه ما چیست ؟ جواب آن را حکم قرآن در سوره آل عمران داده است : قرآن می گوید که در برابر دسایس و دشمن ثابت قدم باشید و برای دفاع از وطن و حقوق مردم بطور دسته جمعی به مبارزه بپردازید و پیروزی نصیب شماست و این امر مسلم است که برای ثابت قدمی و برای ایجاد دیوار محکم آهنین و فولادی همبستگی دولت و مردم و قوای مسلح و امنیت بوجود آمدن جبهه ملی میهنی امر ضروری و لازم است . سخنران سپس از ببرک کارمل به خاطر احترام عمیقش نسبت به مسلمانان و اعتقاد به نقش آنان در انقلاب عمیقاً ملی و دمکراتیک افغانستان سپاسگزاری کرد .

## اخبار کوتاه

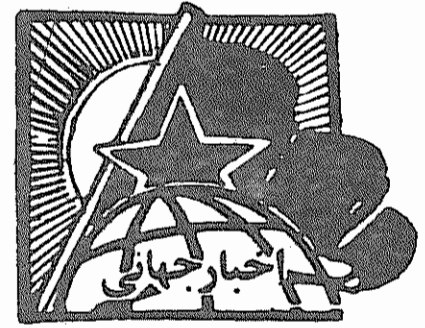
■ در تشییع جنازه پنجمین مبارز ایرلندی " جومک دانل " شهر بلفاست و " فری دری " دو شهر ایرلند شمالی به شدت متشنج شد و در اثر حمله سربازان به مردم ، دو تن کشته شده و عده ای از دو طرف مجروح شدند .

■ درگذشت ششمین مبارز ایرلندی " مارتین هرسون " بر بستر بحران عمیق نژادی ملی ، مذهبی در تشدید مبارزات اعتراض آمیز نقش خاصی را ایفاء کرد . طبق آخرین خبرها وی در آستانه مرگ قرار گرفته است .

■ طغیان رودخانه " یانگ تسه " واقع در چین که در اثر ریزش باران های شدید بوقوع پیوسته بود ، خیابان ها و مزارع بسیاری را دربر گرفت و تلفات ملی و جانی نیز به همراه داشت .

■ دیدار و گفتگو حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه با رهبران لیبی و پس از آن سفر وی به الجزیره و ملاقات با همتای الجزایری اش شاذلی بن جدید ، توجه محافل سیاسی جهان را به خود معطوف داشت . ملاقات حافظ اسد با رهبران لیبی و الجزایر که بر مسائل خاورمیانه و نقش جبهه پایداری در اوضاع منطقه ناظر است اهمیت ویژه ای دارد .

## تشکیل نهمین کنگره فوق العاده حزب متحده کارگری لهستان



اقتصادی صحیح که بتواند به موج بحران های فعلی کشور خاتمه دهد در دستور کار کنگره قرار داشت .

در کنگره هیئت های نمایندگی از احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی و سایر احزاب کارگری شرکت نمودند . ویکتور گیشین سرپرست هیئت نمایندگی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی سخنان جامعی اوضاع موجود در لهستان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و تأکید نمود که جریانات حاضر لهستان یک بار دیگر صحت این نظر را به ثبوت رسانید که رشد لهستان و هر کشور سوسیالیستی دیگر ، نه تنها و اساساً در درون خانواده جهانی سوسیالیستی است که تأمین می شود . وی همچنین روی سمگیری بین المللی لهستان سوسیالیستی تأکید فراوان نمود .

طبق آخرین اخبار کنگره استانیلاکانیا را به سمت دبیرکل حزب انتخاب نمود .

● در هفته گذشته نهمین کنگره حزب متحده کارگری لهستان در ورشو آغاز به کار کرد . در تالار کنگره های کاخ دانش و فرهنگ که نهمین کنگره فوق العاده حزب در آن تشکیل شد شعارهایی با این مضمون نصب گردیده بود :

" از سوسیالیسم باید مانند استقلال لهستان دفاع شود " .  
نهمین کنگره حزب متحده کارگری در شرایطی تشکیل گردید که امپریالیسم جهانی و محافل وابسته به ارتجاع بین المللی همه تلاش خود را علیه سوسیالیسم در لهستان بکار گرفته اند و توجه همه محافل جهانی به نقش ویژه کنگره معطوف شده بود . کنگره وظیفه خطیر مقابله با ضدانقلاب و نیروهای ضد سوسیالیستی را بر عهده داشته و همچنین می باید به پیشنهاداتی در مورد تجدید نظر در اساسنامه حزب و همچنین مسئله انتخاب رهبری آینده حزب بپردازد . در عین حال مسئله تدوین یک سیاست

## اخباری از ترکیه

۱ - به دنبال کودتای نظامی در ترکیه ترور و دستگیری انقلابیون در ترکیه به شدت ادامه دارد . دادستان نظامی شهر استانبول برای ۵۱ نفر از رهبران سندیکای کارگران انقلابی ترکیه تقاضای اعدام کرد .

سرهنگ سلیمان تاکجی دادستان دادگاه شماره ۳ فرمانداری نظامی شهر استانبول بعد از ماهها دستگیری و بازپرسی از دبیرکل هیئت اجرایی و هیئت مدیره و هیئت بازرسی سندیکای کارگران انقلابی ترکیه ( دیسک ) به جهت مبارزه در راه ایجاد یک جامعه بر مبنای سوسیالیسم علمی در ترکیه و سرنگونی رژیم وابسته ترکیه از طریق اعتصابات و کم کاری تقاضای اعدام نمود .

دیسک ، سندیکای انقلابی کارگران ترکیه در زمان وقوع کودتای آمریکایی در حدود ۱/۵ میلیون عضو داشت این سندیکا مورد شناسایی اکثر سندیکاهای انقلابی و مترقی جهان قرار گرفته است . بعد از کودتا اکثر رهبران آن توسط کودتاگران دستگیر و زندانی شدند ( در حدود ۲۵۰۰ نفر )

۲ - چون ترکیه یکی از اعضای پارلمان اروپایی می باشد و از جانب دیگر روابط حسنه ای با پیمان ناتو و بازار مشترک اروپا و اکثر کشورهای اروپایی دارد ، بعد از کودتا همواره هیئت هایی از جانب پارلمان اروپایی و بازار مشترک و دیگر تالیه داران دمکراسی غربی برای استقرار دمکراسی در ترکیه ( البته به سبک آمریکایی ) سرازیر ترکیه شده اند و به ظاهر نسبت به اعدام های انقلابیون توسط دولت نظامی ترکیه روی خوشی نشان نداده اند .

پلیس مخفی ترکیه ( میت ) یا استفاده از تجارب ضدانقلابی سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و صهیونیستی این بار زحمت بازپرسی و تشکیل دادگاه برای محکومیت انقلابیون را به خود نمی دهند ، بلکه با بیورش

شبان به خانه انقلابیون و اعضاء و کادرهای سازمانهای ضد امپریالیست بویژه انقلابیون کمونیست و رهبران اتحادیه های کارگری وابسته به دیسک را در خانه های خودشان به گلوله می بندند . پلیس مخفی ترکیه پس از اینگونه اعمال جنایتکارانه در مصوعات وابسته اینطور وانمود می کند که این افراد به دستور " تسلیم " پلیس توجه نکرده و پلیس " بالاخبار " تیراندازی کرده است این شیوه در اکثر شهرهای ترکیه در روزهای اخیر بکار برده می شود و تاکنون دهها رزمنده انقلابی به شهادت رسیده اند . این است دستور حکومت نظامی و دست نشانده آمریکا در ترکیه



۴ - هم اکنون دادستان های نظامی ترکیه برای هزاران نفر از دهها هزار نفری که هم اکنون در زندانهای نظامی ترکیه بسر می برند تقاضای اعدام کرده است . اکثر این انقلابیون معتقد به سوسیالیسم علمی و جرم آنها استقرار جامعه ای دور از استثمار انسان از انسان است

## برای شکست امپریالیسم امریکا سیاست خارجی منطبق با مصالح انقلاب

### حیاتی است

یکی از ارکان مهم سیاست  
مقابله با بحران کنونی  
اقتصاد میهن، کمبود کالا،  
گرانی و بی‌کاری، و نیز  
مقابله با وابستگی اقتصادی  
به امپریالیسم جهانی به  
سرکردگی امپریالیسم آمریکا  
تنظیم منطقی و واقع بینانه  
سیاست خارجی است  
سیاستی که در جهت گسترش  
روابط متقابل اقتصادی با  
کشورهای مترقی و  
سوسیالیست و قطع روابط  
سلطه آمیز اقتصادی با  
کشورهای امپریالیستی و  
ارتجاعی است.  
تاکنون دولت جمهوری  
اسلامی در راه گسترش روابط  
متقابل اقتصادی با  
کشورهای سوسیالیستی، که  
می‌توانند نیازهای مبرم  
اقتصادی ایران را در چهار  
چوب سیاست قطع وابستگی و  
مقابله با بحران اقتصادی  
برآورده سازند، و از این راه  
انقلاب ضد امپریالیستی -  
دمکراتیک مردم میهن را به  
پیش برند، گامی اساسی  
برداشته نشده است  
لیبرال‌ها که نیک می‌دانند  
با گسترش روابط متقابل  
اقتصادی با کشورهای  
سوسیالیستی، دولت  
می‌تواند گام‌های اساسی در  
جهت مقابله با بحران کنونی  
اقتصادی بردارد، به هر  
حیله متوسل می‌شوند تا در  
این راه ایجاد مانع کنند.  
روزنامه میزان، ارگان  
لیبرال‌های رسمی، و  
انقلاب اسلامی، بلندگوی  
سه‌جهانی‌های پیرو سیاست  
ارتجاعی "دوایر قدرت"  
تمامی هم خود را به کار  
می‌گرفتند تا علیه گسترش  
روابط با کشورهای  
سوسیالیستی، به ویژه با  
اتحاد جماهیر شوروی،  
تبلیغ کنند. مدیران لیبرال  
در کارخانه‌ها و وزارتخانه‌ها  
در این راه سنگ اندازی  
می‌کنند. توجه کنیم اینان  
با افزایش فروش نفت خام به  
به کشورهای سوسیالیستی  
مخالفت می‌کنند تا دولت  
ناگزیر شود صادرات نفت  
خام را به انحصارات  
امپریالیستی افزایش دهد.

هستند و نه استعمارگر چشم  
برحقیقت بسته‌اند و مصالح  
انقلاب ضد امپریالیستی -  
دمکراتیک میهن را درک  
نمی‌کنند.  
اظهارات اخیر وزیر  
اقتصاد و دارائی می‌تواند  
مبین نگرشی منطقی و  
واقع بینانه در این زمینه  
باشد. وزیر اقتصاد و دارائی  
در مصاحبه ۲۵ تیرماه خود  
اظهار داشته است: "در  
تنظیم قراردادها اصول کلی  
را در نظر داریم و کمتر توجه  
داریم که کشوری که با آن در  
تماس هستیم در چه تقسیم  
بندی قرارداد و اصول ما  
این است که در این  
قراردادها باید اصل عادلانه  
بودن بر مبادلات حکمفرما  
باشد."  
همچنان که در مقالات  
گذشته نشان داده‌ایم  
قراردادهای سلطه آمیز  
انحصارات امپریالیستی  
نمی‌تواند بر اصل عدالت  
به معنای تأمین‌کننده منافع  
خلق در جهت قطع وابستگی  
به امپریالیسم  
باشد و عدالت امپریالیستی  
به معنای چپاول ثمره کار  
کارگران و زحمتکشان میهن  
و در جهت تشدید وابستگی  
اقتصادی است. چنانچه،  
بنا بر نگرشی که وزیر اقتصاد  
و دارائی اخیراً بیان داشته  
است، مقامات جمهوری  
اسلامی اصل گسترش روابط  
متقابل اقتصادی با کشورهای  
سوسیالیستی را نفی نکنند،  
و اصل عدالت را به معنای  
فوق ملاک عمل در رابطه  
اقتصادی بین‌المللی قرار  
دهند، گسترش روابط  
اقتصادی با کشورهای  
سوسیالیستی به صورت امری  
روشن بر مقامات ضد  
امپریالیست دولت جمهوری  
اسلامی مسلم خواهد شد.  
این ملاک خود سنگ محکی  
است که مدافعان تحکیم  
روابط و تجدید قراردادهای  
سلطه‌آمیز امپریالیستی را  
سپه‌روی خواهد کرد. و بر  
این اساس است که می‌توان  
صحیح را از ناصحیح و گرگ را  
از میش جدا ساخت

## مسعود رجوی در واشنگتن پست!

● صدای امپریالیسم آمریکا  
در هفته‌ای که گذشت (۱۶  
تیرماه ۶۰) به نقل از  
روزنامه واشنگتن پست  
تفسیری پیرامون نقش  
سازمان مجاهدین خلق در  
مقابله با حکومت مذهبی  
حاکم بر ایران ارائه داد  
که حاوی تشویق مخلصانه از  
آقای مسعود رجوی برای ادامه  
سیاست مافوق انقلابی  
نامبرده بود.  
اولاً بلندگوی  
امپریالیستی کوشید مانند  
خود رجوی "سازمان  
مجاهدین خلقی" را سازمانی  
"قادر" و "توانا" در  
مقابله با جمهوری اسلامی  
تصویر نماید. تشابه  
تبلیغات صدای امپریالیسم  
آمریکا و رهبری مجاهدین  
پیرامون قدرت مقابله این  
سازمان با جمهوری نخستین  
نشان آنست که تا چه پایه  
سیاست آقای رجوی و  
امپریالیسم آمریکا با یکدیگر  
هم نوائی و هم‌خوانی دارد.  
بلندگوهای امپریالیست  
در تشویق مخلصانه خود  
برای آن‌که هرچه بیشتر  
مجاهدین خلق را علیه  
انقلاب تشویق و ترغیب  
نمایند با لحن ستایش آمیزی  
می‌گویند:  
مجاهدین تنها گروهی  
هستند که سازمان‌دهی و  
تجربه و امکانات کافی مقابله  
با رژیم جمهوری اسلامی  
ایران را در اختیار دارند و  
چریک‌های مجاهد که سازمان  
یافته و با تجربه هستند از  
شبهه ارتباطی وسیعی نیز  
برخوردارند و در یکی دو  
سال اخیر نیز از محبوبیت  
زیادی برخوردار شده به  
تعداد اعضایشان به مقدار  
قابل توجهی اضافه گشته  
است. این تحول به خودی  
خود جالب توجه است.  
برای امپریالیسم آمریکا  
جالب توجه است که "مسعود  
رجوی که این سازمان چریکی  
را رهبری می‌کند احتمالاً به  
عنوان چهره عمده مقابله  
با رژیم حاکم ظاهر می‌شود."

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی،  
و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا



نامه یک معلم "پاکسازی" شده به "کار":

# چرا ما را از پیکار با امپریالیسم و سلطه فرهنگی آن محروم کرده اید؟

هیئت تحریریه "محترم نشریه کار"

درد بر شما!

آنچه مرا به نوشتن این نامه واداشت نزدیک به یک سال و نیم بیم و امید و بلا تکلیفی است. من معلمی هستم که با ۳ فرزند و همسر و مادرم خانواده‌ای ۶ نفره را تشکیل می‌دهیم. در آغاز سال تحصیلی گذشته مرا به اتهام عقیدتی از کار برکنار کردند. به من گفتند که "برطبق گزارش" تو کمونیستی. به همین سادگی! آنوقت هر جا که توانستم رفتم و یا نامه نوشتم که براساس کدام قانون و ضابطه و به اتکای تحقیق چه کسانی کار مورد علاقه مرا از من می‌گیرید؟ هر قدر که توانستم توضیح دادم که ضرورت انقلاب اتحاد همه نیروهای متعهد به انقلاب را طلب می‌کند نه جدائی و پراکندگی آنها را. چگونه به معلمی که با همه

توان و علاقه ضمن درس به دانش‌آموزان می‌آموزم که جامعه ما باید مستقل باشد باید نفوذ امپریالیسم و در رأس همه چنگال خونین امپریالیسم غارتگر آمریکا را قطع کنیم، در جهت خودکفائی واقعی گام برداریم و ... انگ ضدانقلاب می‌زنید؟ آیا کسی که با جان و دل درس داده و از مبارزه با امپریالیسم، از افشای لیبرال‌ها و دشمنان انقلاب سخن گفته است، بدخواه انقلاب است یا هواخواه آن؟ همه اینها را گفتم و تا به حال به مسئولین مختلف سرزده‌ام. حاکم شرع شهرمان با بازگشتم به سرکار موافقت کرده است. رئیس آموزش و پرورش مخالفت می‌کند. کمیسیون اصل ۹۰ مسئولیت را از دوش خود برمی‌دارد و مرا به جای دیگر حواله می‌دهد. نخست وزیر بخشنامه صادر کرده است که پاره‌ای از اخراج‌ها غیرقانونی است ولی

وزارت آموزش و پرورش تعیین تکلیف این اخراج‌های غیرقانونی را به عهده لایحه بازسازی گذاشته است. عده‌ای از نمایندگان مجلس ضمن ابراز تاسف و همدردی با افرادی مثل من اظهار امیدواری کرده‌اند که لایحه بازسازی به نفع همه طرفداران انقلاب و به ضرر همه ضدانقلابیون تصویب شود. متأسفانه عده‌ای دیگر از نمایندگان ضد امپریالیست مجلس همچنان روی مکتبی کردن آموزش و پرورش و اخراج غیرمکتبی‌ها ولو متعهد به انقلاب اصرار می‌ورزند. از لیبرال‌ها هم که انتظاری جز دوستی ظاهری و دشمنی باطنی نداریم در نتیجه نزدیک یک سال است که ۱۵ سال تجربه تدریس و شور و شوقم به ادامه کار بلا استفاده مانده است و این در شرایطی است که از یک سو برای مقابله با توطئه‌های ضدانقلاب در

مذارس و از سوی دیگر برای آموزش و پرورش دادن نسل انقلاب به وجود معلمان مجرب و دلسوز و آگاه نیاز مبرم می‌باشد. در شرایطی که آموزش و تدریس دانش‌آموزان و تجهیز ساختن آنها به دست‌آورد های علمی خود جبهه‌های دیگر از پیکار با امپریالیسم و سلطه فرهنگی آن است درد من و امثال من این است که از رفتن به کلاس و خدمت به انقلاب محروم شده‌ایم. یک واقعیت دیگر هم هست که مرا سخت در تنگنا قرار داده است. من و پنج عضو دیگر خانواده‌ام با حقوقی حدود ۲۳۰۰ تومان در شرایط گران‌فروشی می‌کنیم و هیچ درآمد دیگری نداریم، با این درآمد اندک باید هم کرایه خانه بدهیم، هم بخوریم، هم بپوشیم و هم دوا درمان کنیم این همه مشکلات مادی و معنوی به جای خود اما به من بگوئید من و هزاران معلم زحمتکش دیگر مثل من این درد را چگونه تحمل کنیم که ما را در کنار عده‌ای از ساواکی‌ها "پاکسازی" کرده‌اند همان ساواکی‌هایی که تا قبل از انقلاب کوچک‌ترین فعالیت ما را علیه رژیم سرپاوابسته

پهلوی زیر نظر می‌گرفتند! هنگامی که در برخی مجامع از انقلاب و دست‌آورد های آن دفاع و امپریالیسم و دوستان داخلی را افشا می‌کنیم لیبرال‌ها و هواپاداران گروهک‌های "چپ رو" نیش می‌زنند که تو را آمریکا اخراج کرد یا مکتبی‌ها؟ چون روز برایم روشن است که اخراج امثال من نادرست و به زیان انقلاب و در جهت پراکندگی نیروهای مدافع انقلاب است. سؤال من این است در جایی که ضد انقلاب هر روز زیر پوشش‌های گوناگون در هر گوشه و کنار فاجعه می‌آفرینند و حتی ۲۷ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و بسیاری از مسئولین مملکتی را یکجا به شهادت می‌رسانند در حالی که امپریالیسم برای ایجاد تشنج و پراکندگی میان توده‌های مردم و مدافعان انقلاب شب و روز دسیسه می‌کند چرا نمایندگان مجلس با تصویب لایحه پاکسازی با مضمونی که پاسخگوی نیاز انقلاب در این زمینه باشد گامی موثر در کاهش زمینه‌های رشد ضدانقلاب بر نمی‌دارند. با درود فراوان: (امضاء محفوظ)

## صدها هزار کارگر ساختمانی ... بقیه از صفحه ۶

(که شامل واحدهای ساختمانی نیز می‌شود) صراحت دارد و نه در این اصل و نه در هیچیک از اصول دیگر خود، هیچیک از واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی را از شمول این حق مسلم و بدیهی که مبتنی بر روح خلقی انقلاب بوده و از زمره دستاوردهای آن است خارج ننموده است. بنا بر این ماده ۱۸ آئین‌نامه شوراهای مصوبه شورای عالی کار، نه تنها معایر اهداف مردمی انقلاب است، نه تنها بر خلاف مصالح بنیادی و نیازهای تثبیت و گسترش آن است، بلکه در عین حال معایر روح مترقی قانون اساسی جمهوری اسلامی در "تأمین و تضمین حقوق شوری کارگران همه واحدهای تولیدی و خدماتی است. قاعدتاً مسئولین و دست‌اندرکاران که این آئین‌نامه را تدوین نموده‌اند بیش از هر چیز بر "موقتی بودن فعالیت‌های ساختمانی تاکید نموده و آن را بهانه اصلی عدم شمول

قانون تشکیل شوراهای واحدهای ساختمانی به شمار آورده‌اند. این موضوع اولاً حاکی از دیدنادرست و شناخت محدود و مغشوش تدوین کنندگان این قانون از کیفیت فعالیت‌های ساختمانی است. چرا که قراردادهای شرکت‌های ساختمانی عموماً یکساله بوده و اجرای کامل آنها در برخی موارد حتی بیش از ده سال نیز ممکن است بطول بیانجامد. از این رو مجموعه کارگاه‌های ساختمانی رابه سطح کارگاه‌های کوچک موقتی تنزل دادن خطای محض است. ثانیاً در صورتی هم که بخشی (تنها بخشی) از کارگاه‌های ساختمانی از فعالیت کوتاه مدت و موقتی برخوردار باشند آیا کارگران این قبیل کارگاه‌ها نباید از حقوق صنفی و رفاهی قانونی خویش برخوردار باشند؟ آیا کارگران این کارگاه‌ها نمی‌توانند و نباید برای تأمین حوایج صنفی ضرور خود و برای مبارزه با اجحافات صاحبان شرکت‌ها، تشکل‌های

صنفی خود را تشکیل دهند و در این زمینه از حمایت قوانین و نهادهای دولت جمهوری اسلامی برخوردار باشند؟ در طول یک سال گذشته سرمایه‌داران و مدیران لیبرال شرکت‌های ساختمانی از ماده ۱۸ آئین‌نامه شوراهای (مصوب شورای عالی کار) در جهت پیشبرد توطئه‌های اخلاک‌گرانه خود بسیار بهره جسته‌اند و کلیه اقدامات ضد شورایی و ضدانقلابی خود را زیر لوای اجرای ماده ۱۸ این آئین‌نامه پنهان نموده‌اند. آنها در طی این مدت هر زمان که اراده کرده‌اند، بر اساس این بین‌نامه مشروعیت توده‌ای و انقلابی شوراهای کارگران شرکت‌های ساختمانی را مورد نفی و انکار قرار دادند، این تشکل‌ها را غیر قانونی خواندند و به آنها گوناگون درصدد از هم پاشیدن و انحلال آنها بر آمدند تا از این طریق هم توطئه‌های ضدانقلابی خود را در به تعطیل کشاندن این واحدها به اجرا درآورند و هم با ایجاد نارضایتی در بین کارگران، بذراشوب و تشنج را در محیط کارگاه‌های

صنفی - سیاسی خود دست یابند. باید از حق مشارکت دموکراتیک در اداره امور واحدهای شان برخوردار شوند تا از این طریق توطئه‌های سرمایه‌داران و مدیران ضدانقلابی را خنثی نموده و تداوم کار و افزایش بازدهی آن را در این واحدها تضمین نمایند. کارگران مبارز و زحمتکش ساختمانی برای آنکه بتوانند عناصر ضدانقلابی، تفرقه‌افکن و ماجراجو را از صفوف خود طرد کنند و تشکل گسترده و منسجم خویش را ضامن تثبیت و تداوم انقلاب و دفاع از دستاوردهای مردمی و ضد امپریالیستی آن سازند باید به حقوق سندیکایی و شورایی خود مطابق اصل ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی دست یابند و این قبل از هر چیز مستلزم آن است که هرگونه قانون و آئین‌نامه‌ای که ناقض این حقوق و سد راه تأمین آن است لغو گردد و حق تشکل کارگران ساختمانی (در سازمان‌های صنفی و شورایی) در قانون کار و لایحه شورایی که هم اکنون در شرف تدوین است، تصریح و تضمین گردد.

# فرمان حکام شرع به شهر تبریز سنج فدائیان خلق (اکثریت) یعقوب یزدانی شفیع رضانی خسرو مائی علی اکبر حیدریان محمود فضلی به جوخه اعدام سپرده شدند

طی روزهای اخیر ۶ تن از فدائیان خلق (اکثریت) ، رفقا یعقوب یزدانی ، علی اکبر حیدریان ، محمود فضلی ، شفیع رضانی ، خسرو مائی به حکم دادگاه‌های انقلاب به شهر تبریز و سنج به جوخه اعدام سپرده شدند . در همین روزها موارد متعددی از دستگیری و ضرب و شتم هواداران سازمان در تهران و شهرستان‌ها نیز اتفاق افتاده است .

این اعمال کینه‌توزانه و جنایتکارانه که با بی‌اعتنائی آشکار به قانون و پشت کردن به تمامی موازین انسانی و اخلاقی صورت می‌گیرد جز به سود دشمنان انقلاب و امپریالیسم نیست . این اعدام‌ها جز نشان دادن تخم نفرت و انزجار در قلب و جان توده‌های زحمتکش میهنمان راه به جایی نخواهد برد . نفرت و انزجاری که می‌بایست به حق متوجه دشمنان انقلاب و امپریالیسم جهانی بشود . دادگاه‌های انقلاب به شهر ، تبریز ، و سنج قلب پاک رفقای را آماج گلوله‌های بی‌امان ساختند که پیوسته برای انقلاب و در راه انقلاب تپیده است . رفقای که فعالانه در جبهه‌های کار و پیکار و به‌ویژه در عرصه جنگ تحمیلی رژیم صدام با فدائیکاری‌های بی‌دریغ خویش به حمایت از انقلاب برخاستند . کسانی که مرتکب این جنایات ننگین شده‌اند می‌بایست در برابر توده‌های مردم میهنمان پاسخگو باشند . آنها می‌بایست توضیح دهند که چرا علیرغم وقوف کامل به مواضع رفقای ما حکم به اعدام این فرزندان راستین و انقلابی خلق داده‌اند .

توده‌ها برگشت و شبانروزش را وقف اعتلا بخشیدن به جنبش خلق نمود تا سرانجام در ۲۲ بهمن همراه دیگر توده‌ها شاهد پیروزی را به آغوش می‌کشد .

رفیق بعداز پیروزی انقلاب مجدداً در رابطه با سازمان قرار گرفت و در مقطع انشعاب گروه اقلیت راه اکثریت را برگزید و با شوری زایدالوصف به دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی پرداخت . در راه خنثی سازی توطئه‌های امپریالیسم و ایادی داخلی‌ش کوشید .

با شروع جنگ تحمیلی رژیم تجاوزگر عراق ، تحت رهنمود سازمان خود را به بسیج معرفی کرده و خواستار اعزام به جبهه می‌گردد که با جواب منفی روبرو می‌شود . جواب منفی بسیج به شهر اراده او را مبنی بر حضور حتمی در جبهه تغییر نداد و به تنهایی راهی جبهه شد و در آن‌جا به رزمندگان پیوست و مدت‌ها همدوش آن‌ها به نبرد با متجاوزین پرداخت که اسنادی که در همین شماره کار درج می‌کنیم حاکی از نهایت صداقت و فدائیکاری او در دفاع از جمهوری اسلامی است .

بعد از فاجعه بم‌گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی که موج دستگیری و رعب و وحشت در اکثر نقاط ایران به راه انداخت رفیق توسط سپاه پاسداران به شهر دستگیر شد و ده روز بعد اعدام شد که به دلیل وابسته

بودن به گروه اقلیت و قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی . تیرباران شده است . مادر پیر یعقوب که سال‌ها نوحه‌خوان مجالس عزاداری بوده‌است در حالی که برای جوانش مویه می‌کند می‌گوید

چرا یعقوب مرا کشتند او که بیشتر از کسانی که تیربارانش کردند از "آقا" دفاع می‌کرد ؛ او به من یاد می‌داد که چگونه در مجالس دهان مخالفان "آقا" را ببندم ، او شانزده سال با آمریکا و نوکرانش مبارزه کرد ! او ...

مادر یعقوب می‌گوید : بعد از دستگیری به امام جمعه مراجعه کردم او گفت : یعقوب مدافع جمهوری اسلامی است ، با او کار ندارند ، خیالت راحت باشد

و پیرزن مویه کنان می‌گوید ولی حالا اجازه ندادند پسر مرا در گورستان دفن کنم ناچار شده‌ام در حیاط خانام ، جلو چشم به خاکش بسپارم .

راستی دادستان دادگاه انقلاب و حاکم شرع به شهر در مقابل مویه‌های مادر پیر یعقوب و مردمی که سال‌هاست او را می‌شناسند و به گذشته افتخار آمیز این شهید واقفند و اسناد و مدارک مستدل ما چه می‌گویند . به این اعمال غیر قانونی و تنگ نظرانه خود ادامه می‌دهند یا در باره احکام خود به فکر می‌روند ؟ ما یاد همیشه جاوید

رفیق قهرمان یعقوب یزدانی را گرامی می‌داریم و به مادر داغدارش درود می‌فرستیم .

۳۰۲ - رفقای شهید علی اکبر حیدریان و محمود فضلی

فدائی شهید علی اکبر حیدریان در سال ۱۳۲۵ در روستای گرجی محله از توابع به شهر متولد شد . دوره تحصیلات ابتدائی را در روستا و دوره دبیرستان را در به شهر گذراند .

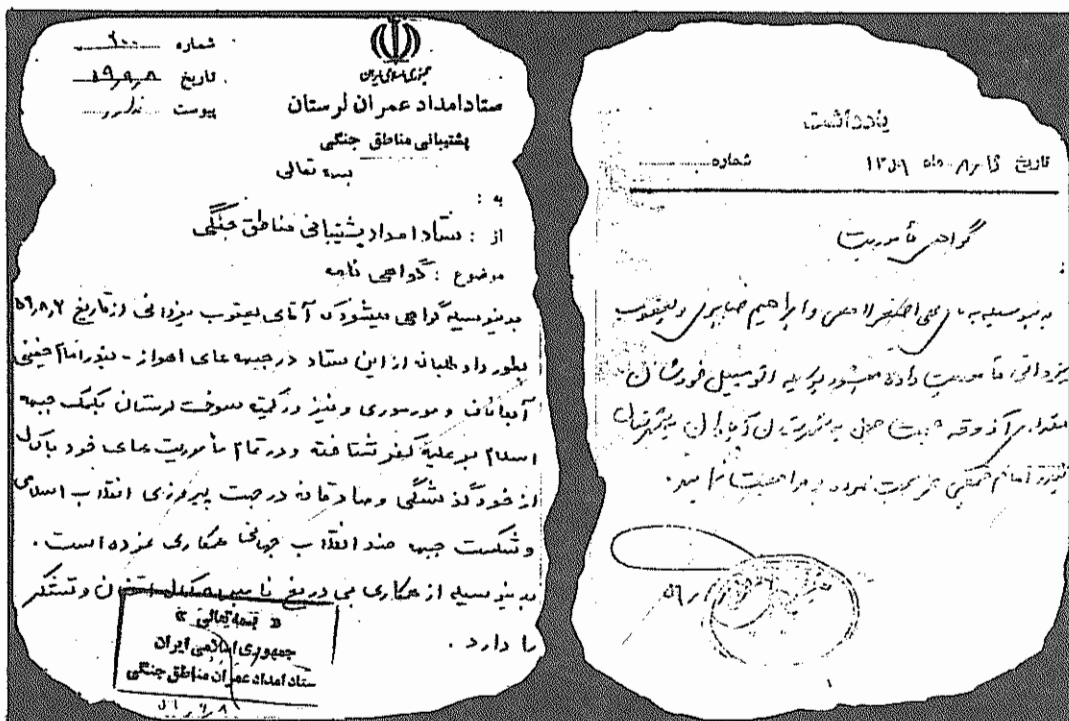
بعد از پایان تحصیلات به استخدام اداره آموزش و پرورش درآمد و سال‌ها به عنوان یک معلم کوشا و انقلابی زبان زد مردم منطقه بود .

رفیق مبارزه با رژیم وابسته شاه را از سال‌ها قبل شروع نموده و در این راه از هیچ فدائیکاری دریغ ننمود .

پیروزی انقلاب را همراه توده‌های ظفرمند میهنمان پشت سر گذاشت و با علاقه بیشتری به تدریس و پرورش انقلابی نونهالان میهنمان پرداخت و در ضمن فعالیت سیاسی خود را در پیوند با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ادامه داد .

تمام کسانی که او را به نوعی می‌شناسند اذعان دارند که با قدرت هرچه تمامتر در مقابل کسانی که بر علیه جمهوری اسلامی توطئه می‌چینند می‌ایستاد . و لحظه‌ای از افشای توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی غافل نبود .

بقیه در صفحه ۲۰



## پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقی ایران



## بر اثر ترکش خمپاره‌های رژیم صدام فدائیان خلق (اکثریت) مرتضی غضنفری و محمدعلی بحرینی در پیکار با تجاوزگران قهرمانانه به شهادت رسیدند

رزمندگان سلحشور جبهه‌ها تاریخ خونبار انقلاب شکوهمند مردم ما را رقم می‌زنند و شهادت هر رزمنده نوید استقلال آزادی میهن و صلح برای زحمتکشان است. پیام‌آوران شکست حتمی متجاوزین و استقرار صلح پایدار در مرزهای میهنمان در این شماره کار رفقای شهید: ۱ - محمدعلی بحرینی ۲ - مرتضی غضنفری هستند که یادشان گرامی باد.

سپاه پاسداران برایشان تشریح می‌کرد.

و سرانجام بعد از روزها تلاش و انتظار در حالی که در اشتیاق حضور در صف مقدم جبهه و عقب راندن متجاوزین عراق می‌سوخت از آنها جواب شنید: ببین برادر ما بارها صحبت‌های تو را شنیدیم و همه را هم باور کردیم ولی به ما دستور داده‌اند که به شما اسلحه ندهیم.

رفیق مرتضی در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود گفت: شما در صداقت ما شک کنید و اسلحه به من ندهید. اما من با تقدیم جانم وظیفه‌ام را نسبت به مردم میهنم انجام می‌دهم و صداقتم را به شما اثبات خواهم کرد.

از آن پس رفیق وظایف دیگری را برای خود برگزید. تدارکات، امداد، درست کردن سنگر، تبلیغ، افشای جنایات امپریالیسم و رژیم جنایتکار صدام، یاری کردن مردم در تعمیر منازلشان و بالاخره لحظه‌ای را آرام و بی تب و تاب و روزی را به دور از کانون‌های مقاومت شهر نگذراند و سرانجام در یکی از همین روزها که به یاری مردم یکی از محلات شهر که مورد اصابت خمپاره قرار گرفته بود شتافته و در حال کمک به مصدومین بود قلب جوشان و مهربانش در آستانه شانزدهمین بهار زندگیش با ترکش خمپاره متجاوزین باز ایستاد و چه قهرمانانه وظیفه‌اش را انجام داد و صداقتش را اثبات

رفیق شهید مرتضی غضنفری:

"شما در صداقت ما شک کنید و اسلحه به من ندهید. اما من با تقدیم جانم وظیفه‌ام را نسبت به مردم و میهنم انجام می‌دهم و صداقتم را به شما اثبات خواهم نمود.

در شرایطی که شهر قهرمان آبادان در اثر انفجار بی‌در پی گلوله‌های توپ و خمپاره و بمباران ارتش متجاوز عراق، می‌لرزید و می‌سوخت و مردم مبارز شهر سنگرها را بر پا می‌داشتند و رزمندگان جان می‌دادند و تن به تسلیم شهر نمی‌دادند، رفیق مرتضی غضنفری تحت رهنمود سازمان با شور و صداقت و ایمان بی‌مانند خود را به بسیج شهر و کمیته امام معرفی نمود و خواستار گرفتن اسلحه و شرکت در مقاومت مسلحانه شد.

مسئولین کمیته امام و بسیج شهر به بهانه هواداری رفیق از فدائیان خلق اکثریت از ثبت نام او سر باز زدند. رفیق نوجوان ما با اصرار زیاد کوشش می‌نمود که مواضع انقلابی سازمان را برای آنها تشریح نماید. در دفاتر کارشان ساعت‌ها می‌ماند و در هر فرصتی تقاضایش را تکرار می‌نمود و رهنمود سازمان را مبنی بر شرکت فعالانه در دفاع از میهن به اطلاع آنها می‌رساند.

در کوچه و بازار، در مسجد و... روزها به دنبال آنها روان بود و نظرات مثبت سازمان را در مورد خط امام، جمهوری اسلامی،

ساختن دنیایی که در آن نشانی از ستم و محرومیت و فساد و نابرابری نیست می‌کوشند جای گرفت. رفیق در دی ماه ۱۳۵۸ به خدمت سربازی اعزام و در پایگاه دریائی بوشهر مشغول خدمت شد. با شروع جنگ تحمیلی به همراه گروهان یکم حفاظتی به جبهه اعزام گردید و همدوش سایر رزمندگان جبهه‌ها به مقاومت در برابر متجاوزین پرداخت. سرانجام در یکی از روزهای خونین مقاومت در اثر اصابت ترکش توپ مزدوران متجاوز با فریاد مرگ بر آمریکا به شهادت رسید.

یکی از هم‌زمانش در باره او می‌گوید: اولین لحظه‌ای که به جبهه رسیدیم و محمدعلی نخلستان‌ها را در شعله‌های آتش دید با خشم فریاد زد: نگاه کنید، دشمن مردم می‌کشد!

فدائی شهید محمدعلی بحرینی سال ۱۳۳۹ در میان خانواده زحمتکش در برازجان دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در حالی که با کوهی از مشکلات روبرو بود به پایان رساند.

به علت فقر شدید خانوادگی ناچار بود تابستان‌ها به کارگری بپردازد و مقداری از خرج تحصیلی خود را به چنگ آورد. فشار زندگی که در طول تمام سال‌های عمرش بر زندگی خود و خانواده و مردم فقیر شهرش سایه گسترده بود از او انسانی کاوشگر و حقیقت‌جو و در عین حال متکی به نفس و اجتماعی ساخت. او از همین رهگذر با مکتب دوران ساز سوسیالیسم علمی و سپس با سازمان ما آشنا شد و با ایمانی راسخ در صف پرخروش هزاران هزار فدائی که مجدانه برای

بودیم هرگاه خمپاره‌ای، توپی یا حتی گلوله‌ای از طرف دشمن به سوی شهرها و روستاها روانه می‌شد یا صدای انفجاری در شهر می‌آمد محمدعلی با آندوه می‌گفت: قسم می‌خورم که خانه خانواده زحمتکشی را بر سرشان خراب کردند و فریاد برمی‌آورد بگیرید فاشیست‌ها و آنگاه به سوی متجاوزین شلیک می‌کرد.

محمدعلی علاقه بسیار زیادی به مردم داشت. خصوصاً کارگران را بی‌نهایت دوست داشت همچنین احترام خاصی نسبت به سازمان فدائیان (اکثریت) قایل بود و همیشه با نوعی غرور می‌گفت که: من فدائیم نفرت پایان ناپذیری از امپریالیسم آمریکا داشت همیشه می‌گفت:

آمریکا نمی‌تواند تحمل کند که مردم ایران دارای جمهوری انقلابی باشند و به همین دلیل هر روز توطئه جدیدی بر علیه جمهوری جوان ما تدارک می‌بیند ولی ما هم چون مردم قهرمان ویتنام و سایر خلق‌های آزاد شده جهان پوزهاش را به خاک می‌مالیم.

ما خاطره افتخار آفرین رفیق شهید محمد علی بحرینی را گرامی می‌داریم و به رزمندگان دلیر جبهه‌ها و خانواده زحمتکش رفیق درود می‌فرستیم.

بقیه از صفحه ۳

### اعتراض به حذف...

نیروهای مدافع جمهوری به تفرقه و جدائی این نیروها از یکدیگر می‌انجامد. و این در حالی است که امام خمینی با دعوت همه گروه‌ها و احاد ملت به شرکت فعال در انتخابات، همگان را به تحکیم صفوف خود در مبارزه با نیروهای خط سازش و ارباب آنان امپریالیسم آمریکا فرا می‌خواند. نظر شورای نگهبان قانون اساسی که رسماً و آشکارا پی‌گیرترین مدافعان انقلاب ایران را از شرکت فعال و گسترده و همه‌جانبه در انتخابات محروم ساخته است آیا در مقابل اندیشه مردمی، ترقی‌خواهانه و دشمن شکن امام خمینی قرار ندارد؟ آیا هنوز هم می‌توان تردید داشت که برای درهم شکستن تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام باید جز به نیروی وحدت مردم و همه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری متکی بود. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) قویاً به حذف کاندیداهای خود اعتراض دارد. ما اعتراض قانونی و برحق خود را به اطلاع مردم ایران و مقامات مسئول جمهوری رسانده‌ایم و مصممیم که مبارزه حق طلبانه خود را از مجاری قانونی پی‌گیرانه ادامه دهیم و صمیمانه آرزو داریم که هرچه سریع‌تر موانع غیر قانونی که در راه شرکت فعال ما در انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی به وجود آمده هر چه سریع‌تر برداشته شود.

پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید★

### تجاوز جنایتکارانه صهیونیسم در لبنان گوشه‌ای از توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه خلقهای منطقه است

صهیونیسم مقابله کنند . سازمان ما همصدا با همه نیروها و دول ترقیخواه و ضد امپریالیست منطقه خود را در این مبارزه سهم می‌داند و حمایت قاطع خود را از اقدامات جبهه پایداری اعلام می‌کند . بدون تردید هرگاه رژیم خائن صدام به مپهن انقلابی ما تجاوز نمی‌کرد ، امروز خلق ما به گونه‌ای موثرتر می‌توانست عملا و وسیعا در کنار برادران فلسطینی ، لبنانی و سوری خود علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم در لبنان و منطقه فلسطین اشغالی پیکار کند و همین خود ضرورت مبارزه هرچه قاطع‌تر و انقلابی‌تر را علیه رژیم صدام و علیه دیگر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در ایران بیش از پیش آشکارتر می‌سازد .

است . بدون هیچ تردیدی تجاوزات اخیر دولت صهیونیستی علیه لبنان و خلق فلسطین حلقه‌ای از سلسله طرح‌های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا در منطقه است . دولتهای ترقیخواه و نیروهای آگاه و مبارز منطقه به خوبی به این واقعیت واقفند و مسئول همه این جنایات را قبل از همه امپریالیسم آمریکا دانسته‌اند . در بیانیه وزارت خارجه دولت جمهوری اسلامی نیز به این واقعیت توجه شده است . دولتهای ترقیخواه عرب ، لیبی ، الجزایر سوریه ، یمن دمکراتیک و سازمان آزادیبخش فلسطین هم‌اینک همکاری و هماهنگی‌های خود را در مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم افزایش داده و مصممند علیه تجاوزات اخیر

دولت صهیونیستی گفته است " برای کشتار فلسطینی‌ها مناطق مسکونی لبنان را باز هم بمباران می‌کنیم . . . این حملات در آینده نیز ادامه خواهد یافت . . . " و این در حالی است که امپریالیسم آمریکا بیش از همیشه حضور نظامی خود را در منطقه افزایش داده و برای سرکوب جنبش‌های آزادیبخش خلق ، تحکیم رژیم‌های مرتجع منطقه و تضعیف و سرنگونی دول ترقیخواه منطقه یک سلسله طرح‌های تجاوزکارانه تدارک دیده

و پوشالی توانسته است به تجاوزات خود علیه صدها میلیون مردم منطقه و کشورهای وسیع و ثروتمند خاورمیانه ادامه دهد . ماهیت ارتجاعی رژیم‌های مصر ، عربستان سعودی اردن ، شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و غیره با هر اقدام جنایتکارانه صهیونیست‌ها نمایان‌تر می‌گردد و عزم انقلابی مردم منطقه در مبارزه برای استقلال و آزادی و رهایی از ستم و استثمار امپریالیستی فزونی می‌یابد .

رژیم " اسرائیل " که سگ زنجیری امپریالیسم آمریکا در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود ، با بمباران مناطق مسکونی و پر جمعیت لبنان ، با بمباران وحشیانه بیروت و دو اردوگاه فلسطینی واقع در آن طرف یک ساعت صدها تن از مردم لبنان و فلسطینی راهسیدوبیش از هزار تن را مجروح ساخته است . هواپیمای رژیم تجاوزگر صهیونیستی در ادامه تجاوزات جنایتکارانه ماههای اخیر که در هماهنگی کامل با سیاست امپریالیسم آمریکا و طرح خائنانه کمپ - دیوید بوده و هست ، روز جمعه ۲۶ تیرماه با بمباران ساختمان‌های مسکونی چند طبقه و تخریب آنها بر سر ساکنانش ، نمونه‌ای از وحشیگری ، جنایتکاری و سفاکی امپریالیسم و نوکران آن را به نمایش گذاشتند .

بقیه از صفحه ۱۸

### بفرمان حکام شرع به شهر تبریز نرسند

عنوان هوادار گروه اقلیت معرفی و به اتهام بی‌اساس واهی اقدام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی اعدام گردیدند . رفیق شهید علی‌اکبر حیدریان دارای همسر که او نیز کارگر کشاورزی است و شش فرزند خردسال می‌باشد . ما خاطره رفقا علی‌اکبر حیدریان و محمود فضلی را گرامی می‌داریم و به خانواده و بستگانشان درود می‌فرستیم .

انقلاب اسلامی به شهر دستگیر شد و بلافاصله در مورخه ۵ تیرماه ۶۰ نماینده سازمان در به شهر طی تماسی با سپاه پاسداران آنها را از خط فکری و تعلق تشکیلاتی رفیق مطلع نمود . ولی با کمال تأسف در تاریخ ۲۵ تیرماه ۶۰ از طرف دادگاه انقلاب اسلامی به شهر رفقا علی‌اکبر حیدریان و محمود فضلی که رفیق اخیر نیز کارگر مکانیک بوده و از مواضع سازمان ما دفاع می‌کرده به

رفیق در مهرماه سال ۱۳۵۹ توسط هیئت پاکسازی و سالم سازی استان مازندران از کار معلمی اخراج گردید و از آن پس بدون این‌که کوچک‌ترین خللی در نظر و اراده‌اش مبنی بر دفاع از جمهوری اسلامی پدید آید به کارگری پرداخت و تا لحظه دستگیری کارگر کوره‌پزخانه بود . رفیق شهید علی‌اکبر حیدریان در تاریخ ۳ تیرماه ۶۰ توسط سپاه پاسداران

نیروی انسانی و ثروت - طبیعی کشورهای خاورمیانه - قطعا بیش از صد برابر نیروی انسانی و ثروت دولت صهیونیستی است . وسعت کشورهای خاورمیانه و دیگر کشورهای مورد تجاوز صهیونیسم صدها بار بیش از خاک اشغالی فلسطینی است با این همه به علت خیانت دول مرتجع منطقه و سر - سیردگی آنها به امپریالیسم آمریکا ، امکانات وسیع و پایان‌ناپذیر صدها میلیون توده ستمدیده عرب و غیر عرب منطقه نه در راه مبارزه علیه تجاوز صهیونیسم که در خدمت منافع امپریالیسم آمریکا به کار گرفته می‌شود و هم از این رو است که بسیاری از رژیم‌های مرتجع منطقه نه علیه صهیونیسم که همراه و همسوی آن‌اند و از همین رو است که بدون مبارزه قاطع علیه دولتهای ارتجاعی منطقه و رهایی از سلطه امپریالیست‌ها درهم شکستن صهیونیسم امکان‌پذیر نیست . امروز توده‌های ستمدیده منطقه خاورمیانه و دول عضو جبهه پایداری هم علیه امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه می‌کنند و هم ناچارند با رژیم‌های خائن و مرتجع منطقه از قبیل سادات ، صدام ، پادشاهی عربستان و اردن و غیره پیکار کنند و به یقین سقوط هر یک از این رژیم‌های ارتجاعی منطقه و از میان رفتن سلطه امپریالیسم آمریکا در هر یک از این سرزمین‌ها به منزله گامی مهم در نابودی صهیونیسم و پیروزی خلق فلسطین و سایر خلقهای منطقه است . بگین نخست‌وزیر جنایتکار

قتل صدها کودک ، زن مرد ، پیر و جوان فلسطینی و لبنانی جنایت است هولناک و تکان‌دهنده‌ای است که به جز امپریالیست‌ها و مزدوران سفاک آن ، به جز رژیم‌های دست‌نشانده امپریالیسم موجب برانگیختن انزجار هر نیروی دیگری در جهان است و بی شک وجدان آگاه و بیدار بشریت امروز علیه چنین جنایات وحشیانه‌ای ساکت نخواهد ماند . نژادپرستان صهیونیست در حالی به این جنایت هولناک دست می‌زنند که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا فرتوت‌تر و درمانده‌تر از همیشه واپسین روزهای حیات خود را می‌گذراند . و خلقهای خاورمیانه به سرعت برای گسستن همیشگی زنجیرهای اسارت و بردگی به پا می‌خیزند و بیش از همیشه رژیم‌های ارتجاعی و دست - نشانده منطقه در آستانه نابودی قرار گرفته است امروز بیش از هر زمان دیگر صدها میلیون مردم ستم دیده منطقه خاورمیانه که مورد تجاوز و تهاجم امپریالیسم و صهیونیسم واقع شده‌اند ، می‌دانند که چرا یک دولت کوچک نژادپرست





### چه کسی مسئول اقدامات «پرتوماه» در کردستان است؟

● ما بارها اعلام کرده بودیم که «پرتوماه» جاسوس «سیا» است و دارای سوابق جاسوسی در عربستان سعودی به نفع آمریکا و عنصری فاسد و منحط است. آن زمان به افشاگری‌های اصولی و درست ما توجهی نشد.

در جریان محاکمه دو نفر از مسئولین دفتر هماهنگی رئیس جمهور سابق که در ۱۵ و ۱۶ تیر ۶۰ از سیما جمهوری اسلامی پخش شد پرده از چهره فاسد و ضدانقلابی «پرتوماه» مشاور رئیس جمهور در امور کردستان برداشته شد. \* مظفر پرتوماه پس از جنگ نوزده روز ۵۸ سنندج نماینده هیئت اعزامی دولت (برای حل اختلاف) در «شورای موقت اداره شهر سنندج» شد. معرف او بنی صدر بود و آشنائی بنی صدر و پرتوماه هم از اروپا آغاز گشت. ما آن زمان صراحتاً و مکرراً عنوان کردیم که پرتوماه جاسوس «سیا» است، او دارای سابقه جاسوسی در عربستان سعودی به نفع آمریکا و عنصری فاسد و منحط است. اما کسی گوش شنوایی نداشت!

پرتوماه پس از انحلال «شورای موقت اداره شهر سنندج» در «اداره نخست وزیری دولت موقت» لیبیرال به فعالیت خود ادامه داد و گام به گام به سود امپریالیسم فعالیت نمود و پس از این که مردم دولت سازشکار بازرگان را ساقط کردند، مدتی این درو آن در زد و به دنبال بازداشت کوتاهی از زندان آزاد و مشاور رئیس جمهور بنی صدر در امور کردستان شد. \* تردیدی نیست که دیگر افراد دفتر «هماهنگ کننده» آقای بنی صدر، کم و بیش از این قماش هستند و به همین دلیل هم تداوم افشاء چهره واقعی گردانندگان آن اقدامی است انقلابی و در خور حمایت جدی همه نیروهای انقلابی زیرا این افشاگری‌ها در وهله اول ماهیت خط آمریکائی بنی صدر

را نشان می‌دهد و در وهله بعد روشن می‌کند که چرا هر کانونی تحت هرنام و زیر پرچم هرکسی که به قصد براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران شکل بگیرد، مزدورترین، خائن‌ترین، و فاسدترین افراد را در خود جمع خواهد کرد و به مرکز توطئه امپریالیسم علیه انقلاب بدل خواهد شد. اما مهمتر آن است که مردم قهرمان ایران و مسئولین جمهوری اسلامی در مواجهه با این افشاگری‌ها در یابند که این عناصر فاسد و خود فروخته در گذشته بر بستر کدام سیاست‌ها بود که می‌توانستند عنوانی کسب کنند و صاحب منصبی باشند و به نام «مأمور جمهوری اسلامی» بیشترین خدمات را به امپریالیسم و ضدانقلاب و جبران ناپذیرترین صدمات را بر پیکر انقلاب ما وارد کنند. افشا این چهره‌ها، اگر مستقیماً با انتقاد از سیاست‌های نادرست پیشین همراه نگردد، نمی‌تواند به طور همه‌جانبه در خدمت

تصحیح آن خطاها فرار گیرد. \* افشای مظفر پرتوماه هم، بیش از هر چیز باید که متوجه این هدف باشد. این عنصر فاسد تنها بر بستر سیاست جمهوری اسلامی در کردستان بود که توانست سری از توی سرها در بیاورد و در درون جمهوری فعالیت اصلی خود را که همانا ضربه زدن بر عمین جمهوری بود ادامه دهد. ما از حکومت جمهوری اسلامی، مجلس، نهادهای انقلاب می‌خواهیم یک بار دیگر به پیرونده چند عنصر دست اندرکار مسئله کردستان رجوع کنند. تا دریابند سیاست‌های جمهوری اسلامی در کردستان چه بود که بر امواج آن چنین عناصری سوار شدند. تا دریابند که چرا مسئله کردستان به بن بست رسید؟! نادیده گرفتن حقوق و ویژگی‌های ملی و قومی خلق کرد، بر تعصب‌های خشک ایستادن و همه را به یک چوب راندن و فقط طرف مقابل را دیدن و آن هم غلط

دیدن. سیاست کوری است که به بن بست انقلاب می‌انجامد. این سیاسی است که نمی‌خواهد به حقوق مردم کردستان گردن بگذارد و این کانون گرم سوء استفاده آمریکا و مرتجعین و منحرفین را در میهنمان خاموش کند؟ مسئولین جمهوری اسلامی باید از خود بپرسند که چرا مسئله ملی تاریخی بخش وسیعی از مردم میهنمان وجه المصلحه عده‌ای مزدور، فاسد و جاه طلب که همگی مستقیم یا غیر مستقیم در خط آمریکا هستند قرار می‌گیرد؟ برآستی خلق کرد چه گناهی دارد؟ و آیا وقت آن نیست که مسئولین جمهوری پس از این همه تعلل با رجوع مجدد به پیرونده همه آن کسانی که از سوی جمهوری اسلامی دست‌اندرکار مسئله کردستان بودند به گذشته‌اش بودن سیاست‌های گذشته‌اش در کردستان پی ببرد و درسهای لازم را از آن بگیرد.

بقیه از صفحه ۱۴

### انقلاب...

بی‌سوادی در کشور از ۵۲ درصد به ۱۳ درصد کاهش یافت. بورژوازی لیبرال این کشور تبلیغات وسیعی علیه جنبش سوادآموزی به راه انداخت. آن‌ها به بهانه این که برنامه‌های این جنبش دارای محتوای کمونیستی است و با کمک بیگانگان و به ویژه کوبائی‌ها انجام می‌شود با آن به مقابله برخاستند اما جنبش سوادآموزی علی‌رغم این کارشکنی‌ها پیروزمندانه به کار خود ادامه داد.

از دیگر اقدامات اجتماعی حکومت نیکاراگوئه، کاهش اجاره خانه، گسترش امکانات بهداشتی و آموزش برای زوجه، نشینان و روستائیان، ایجاد تسهیلات رفاهی برای کارگران زن، و ایجاد مراکز توزیع مستقیم کالاهای اساسی مورد نیاز مردم بوده است.

در برنامه ریزی سال ۱۹۸۰ بیش از هر چیز بر افزایش تولید تأکید شد و این کار خواه از

رهبران انقلاب نیکاراگوئه اعلام داشته اند که "اگر امپریالیسم آمریکا به السالوادور نیروهای نظامی اعزام نماید، نیکاراگوئه این اقدام را تجاوز به خاک خود محسوب خواهد داشت و در آن صورت آمریکای مرکزی برای آمریکا ویتنام‌های دیگری خواهد بود"

در آستانه سومین سالگرد پیروزی انقلاب نیکاراگوئه موفقیت‌های باز هم بیشتری برای زحمتکشان و انقلابیون ساندینیست این کشور آرزو می‌نمایند.

تامین آب زراعی، کود، سم بذر و ماشین‌آلات تعیین قیمت‌های مناسب و تضمین خرید و بیمه محصولات کشاورزی، ایجاد و مرمت راه‌های روستایی، درمانگاه مدرسه و حمام بهداشتی خواست مشترک دهقانان زحمتکش سراسر کشور است.

طریق‌بالا بردن تکنیک و خواه از طریق کار داوطلبانه توده‌های خلق انجام پذیرفت. هزاران هزار داوطلب در روزهای تعطیل عازم کار داوطلبانه و بدون مزد می‌شدند تا در افزایش تولید کشور نقش داشته باشند.

انقلاب نیکاراگوئه تاکنون گام‌های ارزنده‌ای در جهت تعمیق و گسترش برداشته است و از همین رو نیروهای ضدانقلابی که عمدتاً از عناصر وابسته به رژیم سابق و همچنین سرمایه‌داران لیبرال تشکیل شده‌اند دست به انواع توطئه‌ها علیه انقلاب زده‌اند. آنها به کمک امپریالیسم آمریکا و دولت‌های استبدادی السالوادور، گواتمالا و هندوراس به خرابکاری و عملیات تروریستی علیه انقلاب نیکاراگوئه روی آورده‌اند. اما انقلاب نیکاراگوئه تاکنون توطئه‌های این نیروها را خنثی کرده و هم‌چنان بر اساس یک موضع ضدامپریالیستی قوی به پیش رفته و در عین حال از کمک‌های فنی، پزشکی و فرهنگی کوبای سوسیالیست نیز برخوردار بوده است.

انقلاب نیکاراگوئه از مبارزات آزادی‌بخش مردم السالوادور نیز قاطعانه حمایت کرده است.

"توماس بورگه" و "میگوئل دسکوتو" دوتن از

### بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

مصاحبه رفیق مهدی فتاپور و رقیه دانشگری کاندیدای سازمان برای انتخابات میاندوره ای مجلس

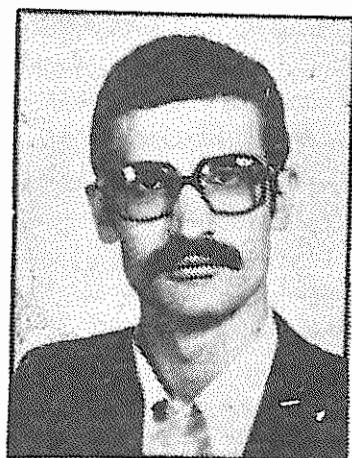
(قسمت اول)

### در برابر خط سازش همچنان از خط امام بدون کوچکترین تزلزل دفاع خواهیم کرد

پیکر انقلاب از دست انحصارطلبان و تنگ نظران زخم‌ها دیده و خواهد دید



رفیق رقيه دانشگری



رفیق مهدی فتاپور

رفقا مهدی فتاپور ( از اعضای کمیته مرکزی و عضو هیئت سیاسی ) و رقیه دانشگری ( از اعضای قدیمی و کادر سازمان ) از جانب سازمان برای انتخابات میاندوره ای مجلس شورای اسلامی به عنوان کاندیدا معرفی شدند . متأسفانه شورای نگهبان برخلاف رهنمود امام خمینی ، برخلاف اطلاعیه‌ها داده‌های دادستانی و برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی نام این رفقا را از لیست کاندیداهای تهران حذف کرد . برای معرفی بیشتر، مصاحبه‌ای با رفقا صورت گرفت که قسمت‌هایی از آن را در زیر می‌خوانید :

می‌توانند بدین وسیله . به راحتی تبلیغات ضدانقلابی خود را پیش برند و ادعا کنند که در این جمهوری تنها برای انحصارطلبان حقوق قانونی وجود دارد و نه برای دیگران ! ناگفته هم روشن است که مخالفان جمهوری اسلامی ، سعی خواهند کرد رندانه این اقدامات را به حساب کل جمهوری بنویسند زیرا که هدف آنها دشمنی با اساس جمهوری اسلامی است دشمنان ریز و درشت انقلاب به انتظار می‌نشینند که این محافل با اقدامات تنگ‌نظرانه خود ، به اصطلاح بهانه کافی به دست آنان بدهند و آنگاه آنها هم تحت شعارهای ظاهر فریب بر توطئه‌گری خود علیه انقلاب مردم ، پوششی مناسب تهیه کنند ! می‌بینید ؟ به همین دلیل است که از این نوع اقدامات همه انقلابیون و تمامی کسانی که صادقانه از انقلاب دفاع می‌کنند با کلمات درآورد و نگران کننده یاد می‌کنند . تاریخ قضاوت خواهد کرد که این محافل تنگ‌نظر چه لطماتی برانقلاب وارد کرده‌اند اما ، ما در قضاوت خود نسبت به قشریون و تنگ‌نظران همواره بر سر این حرف بوده‌ایم و هستیم که نباید همه قشریون انحصار طلب را از یک قماش فرض کرد یک دسته از اینها کسانی هستند که خود را به لباس قشریگری درآوردند تا پیشرفت انقلاب را سد کنند . اینها کسانی هستند که حداقل تعدادی از سردمداران‌شان در گذشته دور و نزدیک بارها

اسلامی انتخابات میان دوره‌ای کنونی را باید به عرصه‌های برای نمایش یکپارچگی و وحدت بدل کنند محافل انحصارطلب و تنگ نظر نشان می‌دهند که مانند دوسال و نیم گذشته که با رو در رو قرار دادن نیروهای مردمی در برابر هم ، بزرگترین آسیب‌ها را بر انقلاب وارد ساختند ، همچنان برآنند تا با اقدامات کور و تنگ‌نظرانه علیه نیروی ضدامپریالیست تفرقه را جایگزین وحدت کنند و البته نتیجه مستقیم کار آنها هم جز تضعیف پایه‌های انقلاب و تقویت کارآیی تاکتیک‌های ضدانقلاب هیچ چیز دیگری نیست . توجه کنید که این محافل قشری و تنگ‌نظر به دشمنی آشکار با قانون اساسی و آزادی‌های مصرحه در آن بر خاسته‌اند . آنها ثابت کرده‌اند می‌کنند که هیچ وقعی به طرح ده ماده‌ای دادستانی انقلاب در مورد حقوق و تکالیف احزاب و سازمانهای سیاسی ، نمی‌گذارند و بالاتر از همه اینها ، در حالی که امام تاکید دارند امسال ، سال قانون است آنها مصرا نه همچنان بر ضد قانون حرکت می‌کنند ! و آنچه که بیش از هر چیز موجبات نگرانی ما را از این قبیل اقدامات فراهم می‌آورد ، این است که محافل امپریالیستی ، ضدانقلاب داخلی لیبرالها گروه‌های منحرف و ماجراجو به شدت از این نوع حرکات در جمهوری اسلامی اظهار خوشحالی می‌کنند ! زیرا آنها

این پرسش شما رابه این صورت تصحیح و یابه عبارت دیگر تکمیل کنم که این مورد تنها به حذف نام من و رفیق دانشگری محدود نمی‌شود . حدود یک ماه پیش بود که به دلایل کاملاً واقعی ، درست در آخرین ساعات ، نام دو نفر از رفقای ما را در تریب از لیست کاندیدها برای نمایندگی مجلس همین دور از انتخابات میان دوره‌ای وهم ، تعدادی از کاندیداهای سازمان ما را در تعدادی از شهرها مانند اصفهان ، اندیمشک ، رامهرمز و ... به دلایل واقعی و در مواردی حتی بدون ذکر علت کنار گذاشتند ! و بالاخره همین دیروز اعلام نمودند که ما و سه نفر کاندیدای معرفی شده از سوی حزب توده ایران را نمی‌پذیرند . به اعتقاد من همانطوری که خود شما هم در پرستان به درستی مطرح کردید ، این اقدامات تنگ‌نظرانه چیزی جز حرکت در خلاف مصالح انقلاب و اهدافی که فوقاً متذکر شدم نیست در واقع در شرایطی که انقلاب ما در برابر امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا تمام دول مرتجع منطقه ، کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران داخلی ، سر - سیردگان رژیم آمریکایی سابق ، لیبرالها و منحرفین و بطور کلی همه متحندان خواسته‌ناخواسته ریز و درشت امپریالیست‌ها ، یکی از سخت‌ترین مراحل پیشرفت خود را پشت سر می‌گذارد و در نتیجه بیش از هر زمان دیگر به وحدت در صفوف خود نیازمند است محافل قشری و تنگ‌نظر همچنان تیشه در دست ، ریشه انقلاب را هدف قرار دادند ! درست در شرایطی که نیروهای مدافع جمهوری

همه مردم قهرمان ایران دعوت کردیم که برای اثبات حضورشان در صحنه مقاومت در برابر توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب ، برای نشان دادن وحدت و همبستگی در قبال همه دشمنان انقلاب و برای اینکه ثابت نمایند که همچنان خواهان حفظ ، پیشرفت و تعمیق دستاوردهای انقلاب هستند در انتخابات اخیر فعالانه شرکت نمایند و با رای دادن به نیروهای انقلابی ، خط سازش با آمریکا را بیش از پیش افشا و طرد کنند . ما از همه توده‌های زحمتکش و مبارز خواستیم که در این انتخابات فعالانه شرکت نمایند تا بتوانند نمایندگانی را به مجلس بفرستند که از حقوق و آرمان‌های آنها دفاع کنند کسانی که بطور سازش‌ناپذیر همواره در سنگر انقلاب بوده و هیچگاه شعار مرگ بر آمریکا را فراموش نمی‌کنند . ما از مردم خواستیم که با شرکت مجدانه در این انتخابات بلوغ سیاسی خود را به نمایش بگذارند و نشان دهند که اهمیت مجلس شورای اسلامی رابه عنوان عالیترین ارگان منتخب ملت به خوبی می‌شناسند و می‌دانند که تقویت هرچه بیشتر این نهاد مردمی در راستای انقلاب ما چه اهمیتی در خنثی کردن توطئه‌های ضدانقلاب و سازشکاران دارد .

س - حذف نام شما از لیست کاندیدای انتخاباتی که در روز بیست و هفتم تیر از رسانه‌های گروهی اعلام شد حرکتی خلاف اهداف فوق است نظرتان راجع به این امر چیست و فکر می‌کنید چه نیرویی مدافع این سیاست هستند ؟

ج - اجازه بدهید نخست

س - رفیق فتاپور شما را سازمان برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی از تهران ، کاندیدا کرده است از این رو ترجیح می‌دهیم که مصاحبه را با این پرسش شروع کنیم که انتخابات میان دوره‌ای اخیر را چگونه ارزیابی می‌کنید ؟

ج - از انجام این انتخابات هم متأسفیم هم خوشحال . متأسفیم از این نظر که این انتخابات عمدتاً برای پر کردن جای خالی نمایندگانی است که جانشان را در فاجعه اخیر بمب‌گذاری آمریکا در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی از دست دادند این واقعا برای جمهوری جوان ما دردناک بود که به‌یکباره این تعداد از فرزندان خود را از دست بدهد . فرزندان که حداقل تعدادی از آنان در متن سه سال پر تحول گذشته تجاربی آموخته بودند که می‌توانستند آن تجارب را پشتوانه مباره موثرتر با امپریالیسم آمریکا قرار دهند . اما خوشحالیم از اینکه مسئولین جمهوری اسلامی با برخورد سریع و قاطع خود برای پر کردن خلأ ایجاد شده مشت محکمی بر پوزه دشمنان انقلاب ایران کوبیدند . این اقدامی بود بسیار بجا ، زیرا که نشان می‌داد جمهوری اسلامی برغم تبلیغات و هیاهوی دشمنانش بر سر جای خود ایستاده و دشمن با این توطئه‌ها نمی‌تواند به سادگی دستاوردهای انقلاب را از دست مردم بی‌خاسته میهنمان برباید . درست به همین دلیل بود که ما در طی دو شماره گذشته در ارگان رسمی و سراسریمان و نیز طی اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌هایی موضع خود را در قبال این انتخابات روشن کردیم و از



جمهوری اسلامی، ما جدا معتقدیم که انقلاب به زنان زحمتکش ما هویت بخشید و ارزش اجتماعی زنان زحمتکش و شخصیت واقعی آنان در این انقلاب نمایان شد. بنا به تمام این دلایل، بنا به سهمی که زنان در گرداندن چرخ تولید و اقتصاد کشور دارند، بنا به سهمی که در سرنگونی شاه و همچنین در تعمیق انقلاب و دفاع از دست‌آوردهای انقلاب دارند جمهوری اسلامی ایران باید در برنامه‌های حقوق زنان را در زمینه فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی بیش از پیش به رسمیت شناخته و در جهت از بین بردن مظلومی که در رژیم گذشته در حق زنان زحمتکش میهن‌مان روا می‌شد گام‌های جدی و قاطعی بردارد، جمهوری اسلامی ایران باید از حقوق زنان در خانه و خانواده، از حقوق زنان جهت تربیت کودکانشان، از حقوق زنان کارگر و کشاورز و به طور کلی زنان شاغل در رابطه با در نظر گرفتن دستمزد مساوی برای آنان و دیگر حقوق مربوط به کار و فعالیتشان و نیز تأمین حقوق و امکانات دوران بارداری و زایمان آنان، از حقوق قضائی و مدنی زنان و رهایی آنان از ستمی که جامعه به حکم زن بودن بر آنان روا داشته است و از رهایی زنان میهن‌مان از قید و بند فرهنگ تحمیلی امپریالیزم قاطعانه دفاع کرده و جهت متحقق شدن این حقوق برنامه‌های عملی و منطبق با شرایط انقلابی میهن‌مان ارائه دهد.

جمهوری اسلامی ایران باید امکاناتی فراهم کند تا زنان به ویژه زنانی که بنا به سن اجتماعی امکان دسترسی کمتری به آگاهی اجتماعی - سیاسی دارند بتوانند به راحتی از نعمت سواد و آگاهی اجتماعی برخوردار گردند. عدم توجه کافی به تأمین حقوق زنان اولاً مانع رشد سریع زنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی می‌شود، ثانیاً خوراک تبلیغاتی خوبی برای ضد انقلاب فراهم می‌کند. ادامه دارد

کلیه حقوق زنان را تأمین کند واقعیتی است اما اینکه نیروهای ضدانقلاب با تبلیغات خود از جمهوری اسلامی ایران یک سیمای "ضد زن" تصویر کرده‌اند، از اساس نادرست و کاملاً در جهت اهداف ضد مردمی امپریالیزم است. همه ما به خوبی شاهد حضور فعال و همیشگی زنان زحمتکشان در عرصه مبارزات ضد امپریالیستی کشور بوده و هستیم. از همان آغاز انقلاب زنان ما دوشادوش مردان مبارز وارد عرصه مبارزه شدند، شکوه شرکت زنان همراه کودکان شیرخوارشان در تظاهرات خیابانی و فریادهای خشمگین مرگ بر شاه، مرگ بر آمریکا زنان هم‌نوا با مردان توجه جهانیان را به خود جلب کرده بود. زنان جامعه ما به معنای واقعی نیمی از جمعیت فعال انقلاب را تشکیل داده بودند. در فراندوم جمهوری اسلامی، در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در حمایت از خط انقلابی و ضد امپریالیستی امام خمینی، در جبهه‌ها و بخصوص پشت جبهه‌های جنگ تحمیلی رژیم صدام حضور فعال زنان به آهنگ حرکت انقلابی سرعت و وسعت و عمق بخشیده است. جمهوری اسلامی ایران نیز نه تنها مانع شرکت زنان در عرصه‌های مبارزاتی نشده است بلکه با ارج گذاشتن بر حرکت انقلابی زنان همواره مشوق آنان برای حضور در صحنه بوده است. یاد می‌آید زمانی که حزب ضد خلقی خلق مسلمان به رهبری شریعتمداری در تبریز دست به اقدامات ضد انقلابی و مذبحانه‌ای زد، علیرغم فریاد آزادی‌خواهی! این ضد انقلابیون، زنان از شرکت در تظاهرات خیابانی به نفع "حزب" منع می‌شدند، در حالی که درست در همان روزها زنان طرفدار خط امام با شهامت هر چه تمامتر در مخالفت با تظاهرات خلق مسلمان‌ها به خیابان‌ها آمده و فریاد "مرگ بر آمریکا" سر داده بودند. بنا بر این برخلاف تبلیغات ضد انقلاب در مورد به بند کشیده شدن زنان در

علیرغم تأکید رهبری انقلاب به رعایت و اجرای قانون اساسی، این گرایش با اشکال مختلف سعی دارد تمام نیروهای مدافع انقلاب خارج از حاکمیت را با جریان‌های ماجراجو و منحرف در یک ردیف قرار داده و مانع تحکیم وحدت صفوف خلق گردد. این جریان انقلاب ایران را از پشتیبانی دوستان واقعی‌اش در جهان که در رأس آنها کشورهای سوسیالیستی قرار دارند نیز محروم می‌کند. در حال حاضر جریان‌های مشکوک و افشا نشده‌ای نظیر آیت و دار و دسته‌اش در مجلس شورای اسلامی، خط نفاق و تفرقه در جبهه نیروهای خلق را دنبال می‌کنند و با نیروهای انقلابی و لویح مترقی مجلس دشمنی می‌ورزند که شاهد نمونه‌هایی از آن در جریان تصویب لایحه احزاب و انتخاب وزیر امور خارجه بودیم. جریان دیگر جریان قشری و تنگ نظر ناآگاهی است که به علت درک بسیار عقب‌مانده خود از مسائل اجتماعی، عملاً آن نیروئی را تقویت می‌کند که آگاهانه و با نیت قبلی با ایجاد جو تفرقه و دشمنی علیه تأمین حقوق اجتماعی مردم می‌کوشد. مبارزه با این گرایش‌های منفی در جمهوری اسلامی ایران، مبارزه‌ای خواهد بود برای اجرای قانون اساسی در تمام زمینه‌ها از جمله در زمینه ایجاد فضای دموکراتیک. س - رفیق دانشگری به نظر شما انتظار زنان جامعه اسلامی ایران چیست؟ ج - مسلماً زنان زحمتکش میهن‌مان به نسبت سهمی که در انقلاب داشتند و دارند از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در جهت برآورده شدن حقوق و نیازهای اجتماعی خود انتظارات به حقی دارند. باید بگویم برخلاف تبلیغات ضد انقلاب و گروهک‌ها، زنان جامعه ما از بعد از پیروزی انقلاب و روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران نه تنها منزوی و خانه نشین نشده‌اند بلکه به عنوان نیروی فعال انقلاب مدام در صحنه حضور دارند. اینکه متأسفانه هنوز جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است

بقیه از صفحه ۲۲  
مصاحبه رفیق مهدی فتاپور و رفیق دانشگری

### در برابر خط سازش همچنان

خود به شایسته‌ترین کاندیداهای موجود کمترین تزلزلی بوجود آورد زیرا همانطور که گفتیم منای موضع‌گیری ما را مصالح انقلاب تعیین می‌کند و نه چیز دیگر!

رفیق دانشگری می‌خواهم بپرسم که:

چگونه می‌توان یک فضای دموکراتیک به وجود آورد و چه کسانی سعی دارند مانع این حرکت شوند؟ ج - سؤال بجائی است. چون این روزها مساله "آزادی" یکی از حربه‌هایی است که دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران زیر پوشش دفاع از آن دست به هر اقدام جنایتکارانه‌ای می‌زنند. داد و فریاد بلندگوهای تبلیغاتی دشمنان در مورد از بین رفتن آزادی‌های سیاسی و ایجاد محیط سرکوب و اختناق توسط روحانیون به هوا بلند شده است. خیلی روشن است که منظور آنان از آزادی، تأمین حقوق اکثریت زحمتکشان جامعه نیست. برخلاف این تبلیغات، ما فکر می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران علیرغم مشکلات بسیار بزرگی که در پیش داشته تاکنون در زمینه به رسمیت شناختن حقوق فردی و اجتماعی دست‌آوردهای قابل ملاحظه‌ای داشته است. اما آنچه به دست آمده بسیار کمتر از آن چیزی است که شایسته انقلاب ماست. هنوز کمبودها و نارسائی‌های جدی بر سر راه تأمین حقوق دموکراتیک توده‌های مردم وجود دارد. هنوز قشری‌گری و انحصار طلبی در جبهه حاکمیت نیرومند است. این جریان تاکنون به وحدت نیروهای انقلابی آسیب‌های جدی وارد ساخته و در تشدید محیط خصومت و تشنج و ایجاد نفاق و کشاندن بعضی از جریان‌های سیاسی به تقابل با جمهوری اسلامی سهم بسزائی داشته است.

آزمایش خود را پس داده‌اند مثلاً شما دیدید که در دو هفته گذشته افرادی نظیر آیت و دارو دست‌هاش چگونه با مصالح انقلاب در افتاده‌اند و کوشیدند تا آنجا که می‌توانند در راه اجرای قانون اساسی و آزادی فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی مدافع انقلاب سنگ بیندازند. از نظر ما این دسته کاملاً می‌دانند که چه می‌کنند و مطمئناً هم در آینده‌ای نه چندان دور ماهیت آنها بر دوستان نا آگاه انقلاب روشن و نتیجتاً هم از سوی آنها طرد خواهند شد.

امادسته دیگر را افرادی تشکیل می‌دهند که خود نمی‌دانند چه می‌کنند آنها نمی‌دانند چگونه آب به آسیاب دشمن می‌ریزند و چرا اقدامات تنگ‌نظرانه آنها به زیان همه نیروهای مردمی و منجمله علیه منافع خود آنان می‌باشد. از همین رو، برخورد ما با این دسته بر مبنای دیگری استوار است در واقع ما در مورد این دسته از قشربون این امید را داریم که روزی به واقعیات عینی و ضرورت‌های انقلاب پی‌برند و به خود آیند اینها سرانجام در خواهند یافت که افراد دسته اول تنها به این دلیل می‌توانستند مانع از اجرای قانون اساسی گردند که خود اینها ناآگاهانه چتر حمایتی خود را بر سر آنان گسترده بودند. آری! ما مطمئن هستیم که این دوستان ناآگاه انقلاب روزی دریابند که به اصطلاح قضیه از چه قرار است ولی باید بگوئیم که متأسفانه تا آن روز پیکر انقلاب از دست آنان زخم‌ها خواهد خورد. در آخر باید یک نکته را مجدداً متذکر شوم و آن این است که هیچکدام از این اقدامات تنگ‌نظرانه و غیر قانونی نمی‌تواند در موضع اصولی و قاطع ما نسبت به شرکت فعالان در انتخابات و نیز دعوت ما از مردم برای حضور در پای صندوق‌های رای و دادن آرا

## گسترده باد همگامی و همکاری

### همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دموکراتیک مبارزه می‌کنند

## صدها هزار کارگر ساختمانی

# خواهان لغو ماده ۱۸ آئین نامه سوراهای تثبیت قانونی حقوق شورائی

## خویشند

● ماده ۱۸ آئین نامه سوراهای ( مصوبه شورای عالی کار صدها هزار کارگر ساختمانی را از حقوق شورایی شان محروم کرده است . دولت باید این آئین نامه ضد کارگری را لغو نموده و قانونی متکی بر اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی تدوین و تثبیت نماید .

در صفحه ۶

# برای شکست امپریالیسم امریکایی سیاست خارجی منطبق با مصالح انقلاب

## حیاتی است

● اظهارات اخیر وزیر اقتصاد و دارایی می تواند مبین نگرشی منطقی و واقع بینانه نسبت به واقعیات اقتصاد سرمایه داری جهانی و حاوی گرایش اصولی در راه دستیابی به استقلال اقتصادی باشد .

در صفحه ۱۶

# ضرورت رسیدگی به مشکلات دهقانان در رابطه با فروش محصولات به دولت

در صفحه ۹

# هوشیارتر از همیشه در انتخابات شرکت کنیم!

■ به همه اعضاء و هواداران

جمعه دوم مرداد ماه روز تجلی اراده مردمی است که پی گیر و بی تزلزل علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکای جنایتکار و علیه همه نیروهای خط سازش می رزمند .

در این رزم پرشکوه هوشیارتر از همیشه شرکت کنیم .  
حرکات ضد انقلاب را با هوشیاری پی گیریم و مراکز کمیته ها و سپاه پاسداران را از هر حرکت مشکوک ضد انقلاب آگاه سازیم .

دبیرخانه کمیته مرکزی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۳۰ تیرماه ۱۳۶۰

در راه خلق فداکار و در برابر دشمنان مردم تسلیم ناپذیر باشیم .

## گرامی باد خاطره رفقای شهید تیرماه

- ☆ احمد خرم آبادی
- ☆ نزهت السادات روحی
- ☆ محمود عظیمی بلوریان
- ☆ بیداله زارع کاریزی
- ☆ گلرخ (شهرزاد) مهدوی
- ☆ یوسف قانع خشکه بیجاری
- ☆ محمد حسین حق نواز
- ☆ غلامرضا لایق مهربانی
- ☆ محمد مهدی فوقانی
- ☆ علی اکبر وزیر
- ☆ غلامعلی خراط پور
- ☆ بهزاد امیری دوان
- ☆ افسر السادات حسینی
- ☆ محمد کاظم غیرایی
- ☆ حمید زبان کرمانی
- ☆ دکتر اسماعیل نریمینا
- ☆ حسن حسن زاده بوکانی
- ☆ جلال هاشمی تنگستانی
- ☆ عالی اکبر حیدریان
- ☆ مارتیک قازاریان
- ☆ آهنگران
- ☆ نسترن آل آقا
- ☆ نادر علی پورنعمه
- ☆ حمید اشرف
- ☆ طاهره خرم
- ☆ محمدرضا یثربی
- ☆ حمید آریان
- ☆ قاطمه حسینی
- ☆ عسکر حسینی ابرده
- ☆ سیمین توکلی
- ☆ نادره احمدهاشمی
- ☆ فرامرز حمید
- ☆ غلامرضا جلالی
- ☆ عبدالله قزل
- ☆ نادر ایازی
- ☆ یعقوب یزدانی
- ☆ محمود فضلی
- ☆ کاظم سلاخی

### فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای مبارک با نجا و زگران

- |                     |                           |                    |
|---------------------|---------------------------|--------------------|
| ☆ اکبر بدلی         | ☆ غلام عباس بخرد          | ☆ کاظم عدلی        |
| ☆ اکبر فخور         | ☆ غایب الله رنسی          | ☆ علیرضا کاظمی     |
| ☆ امیر افغانی       | ☆ محمدرضا آذربان          | ☆ علی حاتم زاده    |
| ☆ علی معاف          | ☆ سیلا مستحقان زاده       | ☆ ابرح حسین بنا    |
| ☆ جواد کنجی         | ☆ حبیب الله فرحجش         | ☆ لطیف غلزاده      |
| ☆ البرز بوسی        | ☆ ابراهیم شکرچی           | ☆ پرویز کریمیان    |
| ☆ مریم رنسی         | ☆ عبدالحمید شاه میر       | ☆ اسحاق بابازاده   |
| ☆ رحیم سفلی         | ☆ محمود اشرف آبادی        | ☆ مرتضی دارایی     |
| ☆ سعید کوشش         | ☆ فریدون مرتضی زاده       | ☆ زهره موسویون     |
| ☆ بهرام ورامینی     | ☆ محمد قائم فتح بیگی      | ☆ وحید نیک سیر     |
| ☆ محمود اجنوی       | ☆ محمد مهدی نیت اندام     | ☆ شهریار باقرزاده  |
| ☆ خسرو کریمی        | ☆ محمد اسماعیل زارودینه   | ☆ کورس پاک بین     |
| ☆ حسن شریفی         | ☆ محمد حسین صدر آبادی     | ☆ حمید ولادوست     |
| ☆ عبدالله مرادی     | ☆ رحمان (لر) انصاری پور   | ☆ غلامرضا صفر نژاد |
| ☆ محمد بسازدار      | ☆ نوری نساکان             | ☆ محمدرضا جعفری    |
| ☆ نسی اسکویی        | ☆ سعید (عباس) آفاپور      | ☆ منصور دهستانی    |
| ☆ حسن صالحی         | ☆ علیرضا خلیلی            | ☆ بیداله اسماعیلی  |
| ☆ عباس دبه دار      | ☆ افراساب (زوزین) سلیمانی | ☆ حسن دبه دار      |
| ☆ اکرم غفاری        | ☆ سدرضا طالب موسوی        | ☆ محمدرضا و صاف    |
| ☆ محمدرضا اکبری آسی |                           |                    |

### پرویز باد ارمان انقلابی رفقای شهید

# مسعود رجوی در واشنگتن پست!

● امپریالیسم آمریکا از مسعود رجوی به دلیل آنکه از آرمان حنیف نژادها دست برداشت ستایش کرد .

در صفحه ۱۶

# پیش بسوی تشکیل ضرب طبقه کارگر